

تشریح پدیدہ‌ی
مُقارنہ
در علم نجوم و فقہ

تدوین : شورای مدیریت مکتب قرآن

www.maktabquran.net
www.maktabquran.com
www.ahmadmoftizadeh.com

فهرست

۷.....	تشریح پدیده‌ی مُقارنه با استفاده از آخرین دستاوردهای علم نجوم
۷.....	تاریخچه نجوم
۷.....	مقدمه
۷.....	جهانی که در آن زندگی می‌کنیم
۹.....	ماه
۹.....	سیستم زمین - ماه
۹.....	ماه از منظر ناظر زمینی
۱۳.....	استهلال
۱۴.....	موانع رؤیت هلال
۱۴.....	حد دانژون، رؤیت و آشکارسازی هلال
۱۶.....	تقویم هجری قمری
۱۷.....	توضیحی اجمالی از منظر فقهی برای عموم مخاطبان
۲۵.....	توضیحی تفصیلی، تخصصی و دقیق‌تر از دیدگاه فقهی برای مخاطبان
۲۵.....	تغییرپذیری ماسوای موازین اصلی کتاب و سنت
۲۷.....	جایگاه دستاوردهای علمی در مسائل فقهی
۲۹.....	ترجیح روش‌های علمی بر روش‌های سنتی در اثبات ظهور هلال
۳۳.....	آرای دانشمندان و فقهای گذشته و معاصر در معتبر دانستن علم نجوم در اثبات هلال
۴۷.....	خلاصه:
۵۱.....	پرسش‌ها و شبهات مطرح‌شده درباره‌ی مقارنه و پاسخ آن‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

همان گونه که اطلاع دارید، مکتب قرآن از سال ۱۴۳۴ هجری قمری؛ برابر با سال ۱۳۹۲ هجری شمسی؛ با استفاده از دستاوردهای علم نجوم، «مُقارنه» را مبنای شروع و پایان ماه صیام قرار داده است. استفاده از این روش به دلیل تازگی با سؤالات و ابهامات و بعضاً ایرادات و مخالفت‌هایی روبرو شده است. از این رو وعده داده بودیم که دلائل استفاده از این روش علمی، دقیق و وحدت‌بخش را ارائه دهیم. اینک در سه بخش اقدام به توضیح و تبیین این مطلب شده است:

بخش نخست: تشریح پدیده‌ی مُقارنه با استفاده از آخرین دستاوردهای علم نجوم.

بخش دوم: توضیحی اجمالی از منظر فقهی برای عموم مخاطبان.

بخش سوم: توضیحی تفصیلی از دیدگاه فقهی برای مخاطبان طالب تبیینات تخصصی‌تر و دقیق‌تر.

در پایان چند پرسش مهم، مطرح و پاسخ آن‌ها نیز درج شده است.

شورای مدیریت مکتب قرآن

۹۳/۳/۲۳

www.maktaba...

بسم الله الرحمن الرحيم

تشریح پدیده‌ی مقارنه با استفاده از آخرین دستاوردهای علم نجوم

تاریخچه نجوم

مقدمه

تاریخ نجوم به سه دوره‌ی کلی «زمین مرکزی»، «کهکشانی» و «کیهانی» تقسیم می‌شود. به صورت خلاصه در دوره زمین مرکزی اعتقاد کلی بر این بود که زمین در مرکز جهان قرار دارد و خورشید، ماه، ستارگان و معدود سیارات شناخته شده به دور آن در گردش‌اند. علی‌رغم فهم نادرست از سیستم عملکردی خارج از زمین و استفاده از دانش نجوم برای طالع‌بینی، پیشرفت‌های مهمی در این دوره حاصل شد که از جمله آن‌ها می‌توان به گاه‌شماری‌های شمسی و قمری اشاره کرد. پایان این دوره را به نظریات نیکولاس کوپرنیکوس (کوپرنیک) (سال ۱۴۷۳ تا ۱۵۴۳ میلادی) نسبت می‌دهند.

کوپرنیکوس بیان داشت که: زمین نه تنها در مرکز جهان نیست بلکه تنها سیاره‌ای معمولی است که مانند سایر سیارات در حال گردش به دور خورشید است. هم‌چنین مشخص شد که خورشید نیز خود تنها یکی از میلیاردها ستاره‌ای است که در کهکشان راه شیری وجود دارد و این آغاز دوره‌ی کهکشانی بود و نهایتاً در دوره‌ی کیهانی به صورت خلاصه آشکار شد که کهکشان ما تنها یکی از کهکشان‌های بی‌شماری است که در عالم وجود دارد. این دوره هم اکنون نیز ادامه دارد.

درباره‌ی سابقه‌ی رؤیت هلال اطلاعات چندان دقیقی در دست نیست. اما می‌دانیم که در دوره‌ی کمبوجیه رؤیت هلال؛ موضوعی مورد توجه بوده است. با ظهور اسلام و بالطبع احکام شرعی متعاقب آن - که مستلزم دقیق‌ترین زمان‌شناسی ممکن (در آن دوره) بود، رؤیت هلال، اهمیتی مضاعف یافت؛ چرا که تعقیب اوضاع «اهله» و دقت به تغییرات منظم آن اگر تنها ابزار زمان‌سنجی نبوده باشد، مسلماً دقیق‌ترین آن‌ها بوده است.

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم

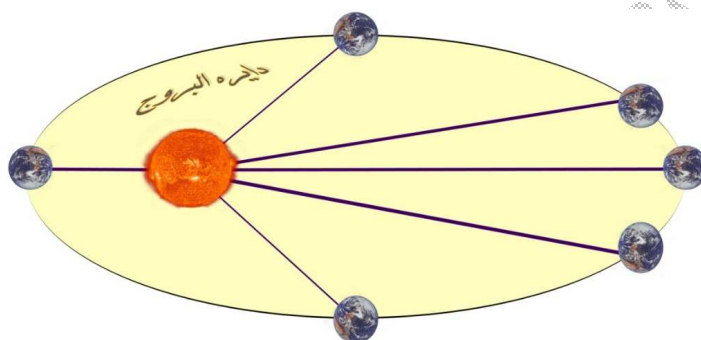
بشر هنوز ابعاد صحیحی را از هستی در دست ندارد. برای درک این ابعاد کافی است در نظر بگیرید ما در کهکشانی زندگی می‌کنیم که قطر آن ۱۰۰ هزار سال نوری است (۹۴۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ متر) و در آن ۱۰۰ میلیارد ستاره مانند خورشید وجود دارد. حال در نظر بگیرید که تاکنون ۱۰۰ میلیارد کهکشان در پهنه‌ی قابل آشکارسازی هستی کشف شده

است.

با این مقدمه، منظومه شمسی به مجموعه‌ای از سیارات، شهاب‌سنگ‌ها، اقمار، ستاره‌های دنباله‌دار و اجزای دیگر اطلاق می‌شود که به دور ستاره مرکزی به نام خورشید در گردش‌اند. در این مجموعه تمام اجزا در مدارهای بیضی شکل به دور خورشید می‌چرخند. هم‌چنین قمرها نیز در مدارهای بیضی شکل به دور سیارات خود دَوَران دارند. تعداد قمرها در منظومه‌ی شمسی بسیار متفاوت است. به طوری که عطارد و زهره بدون قمر، زمین دارای یک قمر و مشتری صاحب ۶۳ قمر می‌باشند.

زمین

زمین سومین سیاره‌ی منظومه شمسی می‌باشد که فاصله‌ی متوسط آن با خورشید حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر است. این سیاره هر ۳۶۵/۲۵۶ روز یک بار به دور خورشید می‌گردد که این مقدار برابر با یک سال شمسی است. این حرکت زمین را حرکت **انتقالی** می‌نامیم. هم‌چنین زمین در مدت ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴ ثانیه یک بار به دور خود می‌چرخد که آن را مدت زمان **حرکت وضعی** می‌گوییم.



درباره‌ی حرکت انتقالی نکته‌ی مهم این است که محور زمین - خورشید در طول یک سال صفحه‌ای را جارو می‌کند که ستاره‌شناسان آن را دائرة البروج می‌نامند که از منظر فضایی مانند شکل فوق است.

بنابراین از منظر ناظر زمینی دائرة البروج مسیر حرکت خورشید در طول یک سال است که برج‌های دوازده گانه بر روی آن قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، هنگامی که می‌گوییم در **برج اسد** قرار داریم، یعنی در آن ماه از سال خورشید درون صورت فلکی اسد یا شیر قرار دارد. (به شکل فوق دقت کنید). همان طور که در شکل پیداست خورشید در ماه بعد وارد **برج سرطان** می‌شود و به همین ترتیب مسیر یک ساله خود را بر روی خط آبی طی می‌کند.

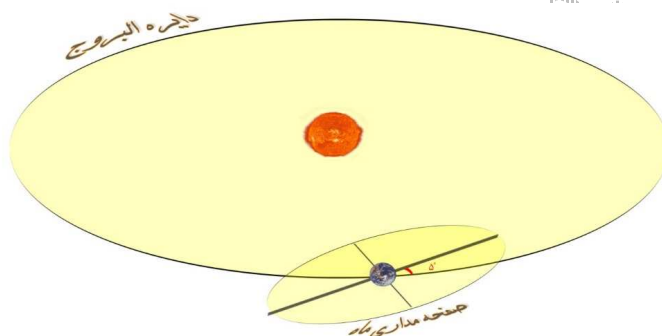


ماه

کره‌ی ماه تنها قمر زمین و نزدیک‌ترین همسایه‌ی ما در کیهان است. قطر این کره حدود یک چهارم زمین می‌باشد. فاصله‌ی متوسط آن با زمین حدود ۳۶۰ هزار کیلومتر است و در مدت ۲۷/۳۲ روز دوره‌ی حرکت انتقالی خود را به دور زمین کامل می‌کند. نکته‌ی جالب این جاست که ماه دقیقاً در همین مدت زمان یک بار نیز به دور خود می‌چرخد و به همین علت ما همواره تنها یک روی ماه را از زمین می‌توانیم ببینیم. به عبارت دیگر، دوره‌ی تناوب حرکت انتقالی و وضعی ماه با هم برابرند.

سیستم زمین - ماه

مدار ماه به دور زمین نیز مانند هر مدار دیگری در فضا بیضی شکل است که زمین در یکی از کانون‌های این بیضی قرار دارد. ماه با سرعت مداری یک کیلومتر بر ثانیه در آن مدار به دور زمین در گردش است و این در حالی است که مجموعه‌ی زمین - ماه نیز به دور خورشید در گردش هستند.



وضعیت صفحه مداری ماه نسبت به دایره البروج و زاویه ۵ درجه‌ای آن‌ها نسبت به هم، به سبب همین زاویه ماه از دید ناظر زمینی هیچ گاه بیش‌تر از ۵ درجه از دایره البروج فاصله نمی‌گیرد.

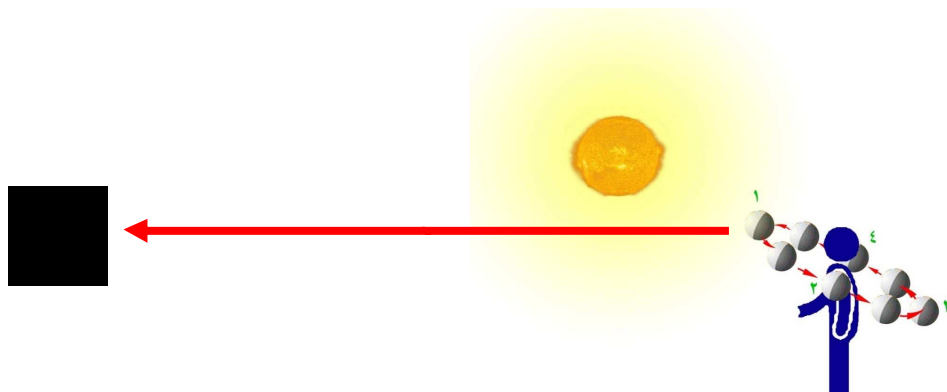
صفحه‌ای را که خط واصل زمین و ماه در مدت زمان یک ماه جارو می‌کند، صفحه مداری ماه می‌نامند. این صفحه با صفحه دایره البروج حدوداً ۵ درجه زاویه دارد (به شکل بالا دقت فرمایید).

ماه از منظر ناظر زمینی

تصاویری که ناظر زمینی در طول یک ماه از تنها قمر زمین - کره ماه - می‌دید هزاران سال بود که ذهن او را به خود مشغول کرده بود. خوشبختانه امروزه با درک عینی وضعیت مداری ماه، زمین و خورشید نسبت به یکدیگر علت این تغییر صورت امری در آستانه‌ی بداهت می‌نماید. تنها قسمت سخت کار، درک سه بعدی وضعیت‌های مداری گوناگون است.

برای شروع در نظر بگیرید که خورشید روبه‌روی شما قرار گرفته است و ماه نیز در حال گردش به دور سر شما می‌باشد. در این مثال سر شما نقش زمین و چشمانتان طبیعتاً نقش ناظر زمینی را بازی می‌کند. هم‌چنان که ماه به دور سر شما (زمین) می‌گردد شما مقادیر گوناگونی از نیمه روشن ماه را خواهید دید که این به معنای تصاویر گوناگون ماه در طول یک دوره می‌باشد. اگر توانسته باشید این مثال را کاملاً در ذهن خود مجسم کنید، به سراغ جزئیات بحث می‌رویم (برای این کار

می‌توانید از تصویر زیر کمک بجوئید).



شکل ۱ - لحظه‌ی مقارنه یا محاق

نقطه‌ای از تصویر که با عدد شماره‌ی ۱ مشخص شده است، لحظه‌ی تولد ماه را نشان می‌دهد. در این لحظه هم ماه و هم خورشید روبه‌روی شما قرار دارند. لذا شما نمی‌توانید نیمه روشن ماه را ببینید و نیمه تاریک آن رو به شما خواهد بود که طبیعتاً آن هم دیده نخواهد شد.

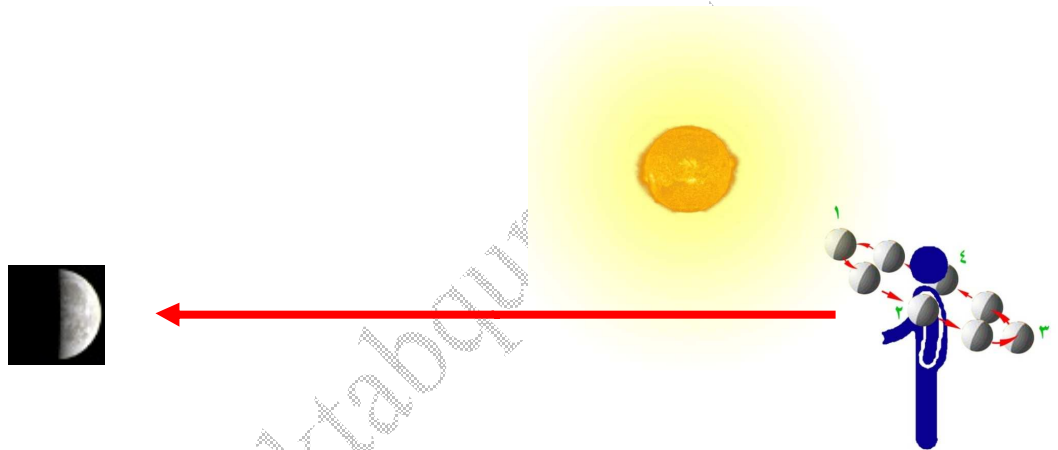
با حرکت ماه در مدار خود در راستای فلش‌هایی که نشان داده شده است تصویر ماه نیز تغییر می‌کند و هلال آرام آرام شروع به تشکیل و پس از آن ضخیم شدن می‌کند. این اتفاق را که در حد فاصل وضعیت‌های ۱ و ۲ رخ می‌دهد، فاز هلال افزایش می‌گویند؛ چرا که با گذشت زمان ضخامت هلال بیش‌تر می‌شود. در اوایل این مرحله رؤیت هلال برای اعلام آغاز ماه‌های قمری مطرح می‌شود. اشتباه رایجی که عموم مردم در این مرحله با آن روبه‌رو می‌شوند، در تشخیص چند روزه بودن ماه از طریق ضخامت هلال است. باید دقت داشت که ضخیم بودن هلال و غروب نسبتاً دیر هنگام آن لزوماً نمی‌تواند به معنای دو روزه بودن ماه باشد.

نقطه‌ی شماره ۱ را در اصطلاح نجومی «زمان مقارنه»، «لحظه‌ی تولد ماه» یا «محاق» می‌نامند. در واقع این لحظه زمانی است که مراکز ماه و زمین و خورشید بر روی صفحه‌ای قرار می‌گیرند که این صفحه بر دائرة البروج عمود می‌باشد. البته مقارنه خود بر دو نوع «زمین مرکزی» و «مکان مرکزی» است که توضیح آن نیاز به مجال بیش‌تری دارد (تعاریف این متن از جمله تعریف فوق از مقارنه بیش‌تر به مقارنه‌ی زمین مرکزی اشاره دارد). حالتی خاص از این اتفاق زمانی است که در برخی خورشید گرفتگی‌ها یا کسوف‌ها رخ می‌دهد. چرا که در خورشید گرفتگی نیز مراکز ماه و زمین و خورشید بر روی یک خط قرار می‌گیرند و هنگامی که سه جسم بر روی یک خط قرار بگیرند، طبیعتاً به این معناست که بر روی یک صفحه نیز قرار گرفته‌اند.

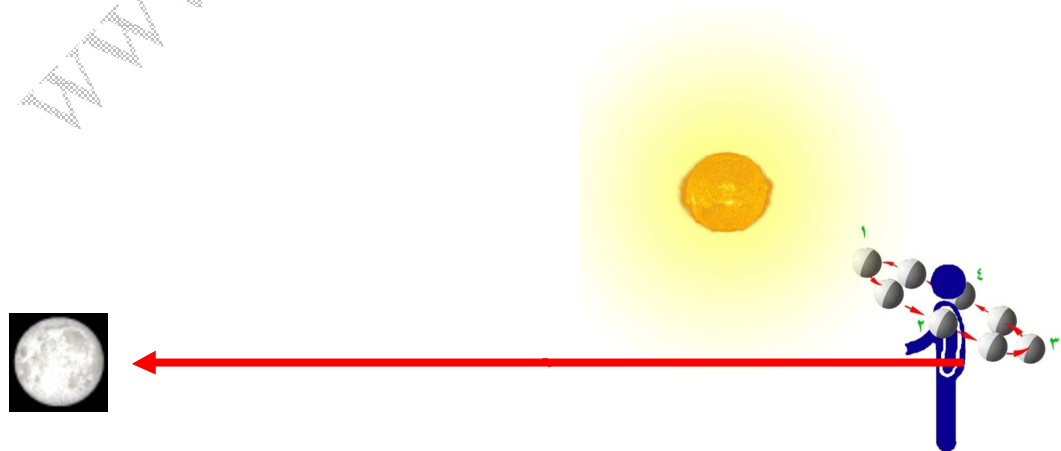
در این جا توضیح این نکته که برای بسیاری از دوستان ابهاماتی را به وجود می‌آورد الزامی است که با توجه به زاویه‌ای که صفحه مداری گردش ماه به دور زمین با صفحه مداری گردش زمین به دور خورشید (دائرة البروج) ایجاد کرده است (حدود ۵ درجه) و در تصویر بخش «سیستم زمین - ماه» نشان داده شده است، در تمامی ماه‌های قمری خورشید گرفتگی - که یکی از

حالت‌های خاص مقارنه است - اتفاق نمی‌افتد.

هم‌چنان که ماه در مدار خود مانند هر جسم سماوی دیگری به صورت پادساعت گرد (خلاف جهت عقربه‌های ساعت) حرکت می‌کند از دید ناظر زمینی بر ضخامت آن افزوده می‌شود و هر روز حدود ۱۲ درجه از غرب به سمت شرق متمایل می‌شود و از خورشید فاصله می‌گیرد. به تعبیر دیگر، طلوع ماه هر روز حدود ۵۰ دقیقه دیرتر از روز قبل اتفاق می‌افتد تا جایی که ماه - مدار خود را طی می‌کند. در این حالت ناظر زمینی نصف ماه را می‌بیند که به این حالت «تربیع اول» گفته می‌شود. (چرا که ماه - مدار خود را طی کرده است) این وضعیت در تصویر با شماره‌ی ۲ نشان داده شده است با عبور از نقطه‌ی ۲ ماه حالت تحدّب می‌یابد و روز به روز بر این تحدّب افزوده می‌شود تا جایی که به ماه کامل یا بدر می‌رسیم. وضعیت مداری بدر در تصویر با شماره‌ی ۳ نشان داده شده است. در این شرایط ناظر زمینی قسمت تاریک ماه را نمی‌بیند و قسمت روشن آن را کامل می‌بیند؛ چرا که بین خورشید و ماه قرار گرفته است.



شکل ۲: تربیع اول



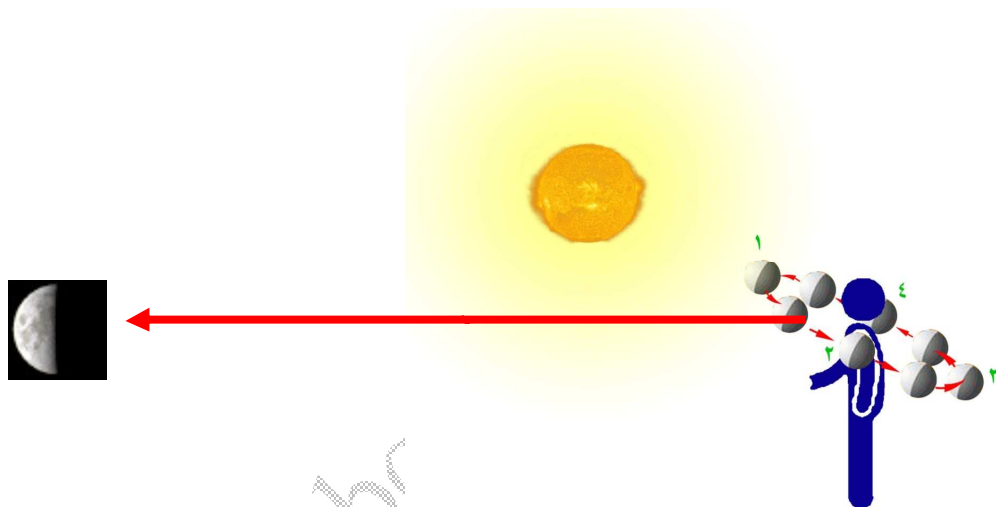
شکل ۳: ماه بدر یا کامل

با عبور از نقطه‌ی شماره‌ی ۳ از قسمت روشن ماه کاسته می‌شود تا جایی که ماه به نقطه‌ی ۴ که همان تربیع دوم است برسد.

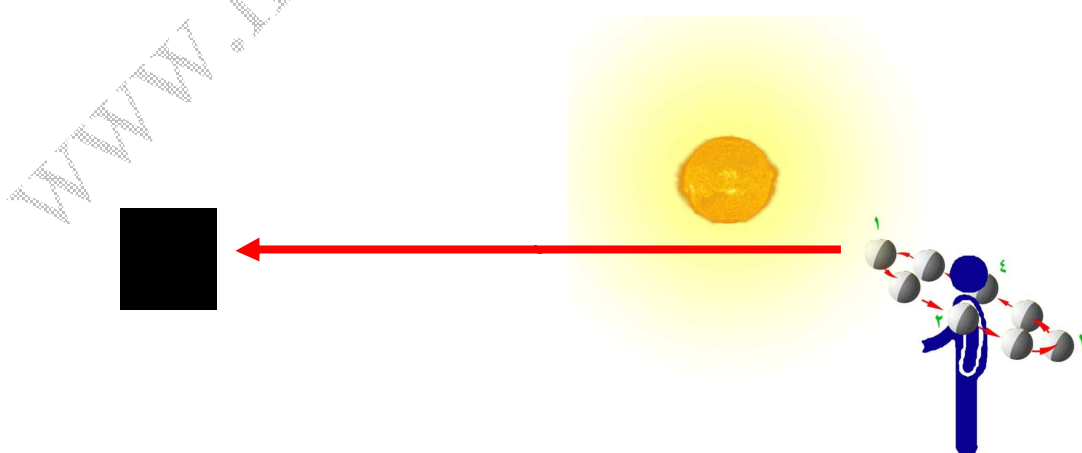
این فاصله را فاز محدب کاهنده می‌نامیم و تربیع دوم نقطه‌ای است که ماه $\frac{1}{2}$ مدار خود را طی کرده است و نیمی از آن از دید ناظر زمینی روشن دیده می‌شود.

هنگامی که از نقطه‌ی ۴ نیز می‌گذریم، ماه به هلالی تبدیل می‌شود که با پیش‌روی در مدار از ضخامت آن کاسته می‌گردد. لذا به این فاز، **فاز هلال کاهنده** می‌گویند.

با کم‌شدن ضخامت هلال به جایی می‌رسیم که دیگر هلالی وجود ندارد و در واقع آن لحظه، لحظه‌ی تولد ماه بعد است و بدین ترتیب یک دوره‌ی کامل ماه هلالی به پایان می‌رسد و ماه نو قمری بعد به همین منوال آغاز و سپری می‌شود.



شکل ۴: تربیع دوم



شکل ۵: مقارنه ماه قمری بعدی

در این جا لازم است ذکر شود یک بار گردش کامل ماه به دور زمین در فضا دوره‌ی تناوب مداری نامیده می‌شود که برابر است با ۲۷/۳۲ روز.^۱ این در حالی است که از یک محاق تا محاق بعدی را که در واقع نمود همان دوره‌ی تناوب مداری برای

۱. ۲۷ روز و ۷ ساعت و ۴۳ دقیقه و ۱۱ ثانیه.

ناظر زمینی است دوره‌ی تناوب هلالی می‌نامند که زمان آن برابر است با $29/53$ روز. (البته این زمان همواره ثابت نیست و به عللی تغییرات جزئی دارد). علت این اختلاف در دوره‌ی تناوب هلالی و وضعی این است که در فاصله‌ی دوره‌ی تناوب وضعی که ماه به دور زمین می‌گردد، خود زمین نیز در مدار حرکت می‌کند. به همین دلیل تا زمانی که ماه به جایگاه خود نسبت به زمین و خورشید برسد، حدود دو روز دیگر طول می‌کشد. در هر صورت آنچه در زمان‌سنجی نجومی برای امور دینی اسلام حائز اهمیت می‌باشد، دوره‌ی تناوب هلالی است که نباید با دوره‌ی تناوب مداری اشتباه گرفته شود. نکته جالب دیگری که در مورد ماه وجود دارد تکرار ۲۷ باره‌ی نام این کره‌ی آسمانی در قرآن است که این مقدار برابر است با تعداد روزهای دوره‌ی تناوب مداری ماه.

استهلال

استهلال در اصطلاح نجومی تلاشی است برای دیدن هرچه زودتر هلال ماه. همان طور که در بخش قبلی بیان شد، در اوایل فاز هلال افزاینده، هلال تشکیل و یا قابل رؤیت می‌گردد که با پیشرفت ماه در مدار بر ضخامت آن افزوده می‌شود و کار رؤیت را برای ناظر زمینی آسان‌تر می‌کند. اما نکته مهم در گاه‌شماری دینی تلاشی است که باید صورت پذیرد تا هلال هرچه زودتر رؤیت شود. لذا تلاش منجمان برای رؤیت هلال از اولین ساعت پس از مقارنه آغاز می‌شود. برای بررسی این نکته که یک هلال خاص قابل رؤیت می‌باشد یا خیر و یا این که بهتر بگوییم احتمال رؤیت آن چقدر است باید به پارامترهای متعددی دقت کرد که در مواردی تعداد آن‌ها را بیش از ۲۰ پارامتر بر شمرده‌اند. طبعاً جهت حفظ سادگی این متن در اینجا نمی‌توان تمامی این موارد را به تفصیل مورد بحث قرار داد و تنها به بیان ساده پارامترهایی می‌پردازیم که برای ادامه‌ی بحث به دانستن آن‌ها نیاز داریم.

۱- زمان مقارنه: در فصول گذشته به تفصیل درباره‌ی مقارنه توضیحاتی داده شد.

۲- سن هلال: سن هلال به مدت زمانی گفته می‌شود که از لحظه‌ی مقارنه گذشته است. بر اساس سن، هلال‌ها را به ۳ دسته‌ی **هلال‌های جوان** (کم‌تر از ۲۰ ساعت)، **هلال‌های میان سال** (۲۰ تا ۲۴ ساعت) و **هلال‌های پیر** (بیش از ۲۴ ساعت) تقسیم‌بندی می‌کنند.

۳- جدایی زاویه‌ای ماه و خورشید: یعنی مقدار زاویه‌ای که ماه از نقطه مبدأ - که همان نقطه مقارنه است - منحرف شده باشد. دقت داشته باشید که این موضوع همواره با سن هلال هم مفهوم نیست.

۴- فاز ماه: به میزان سطح روشن ماه نسبت به کل سطح قابل رؤیت آن که بر حسب درصد بیان می‌شود، فاز ماه می‌گویند.

۵- موقعیت جغرافیایی ناظر: بسیاری از پارامترهای رؤیت با محلی که ناظر در آنجا مشغول رؤیت هلال است، مرتبط است. چون هلال‌های شامگاهی پس از غروب خورشید مشاهده می‌شوند، هر چه زمان غروب خورشید دیرتر باشد، سن و جدایی زاویه‌ای هلال افزایش می‌یابد. بنابراین هر چه به سمت نواحی غربی برویم، شرایط رؤیت هلال بهتر می‌شود. این موضوع در مسئله‌ی اختلاف مطالع و هم‌چنین حجیت رؤیت شرقی برای ناظرین غربی در مسائل فقهی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۶- عوامل محیطی: عوامل محیطی از جمله مهم‌ترین مسائل در تعیین موفقیت یک رؤیت است. از جمله این عوامل می‌توان به ابر، باد، گرد و غبار، دما و ... اشاره نمود.

موانع رؤیت هلال

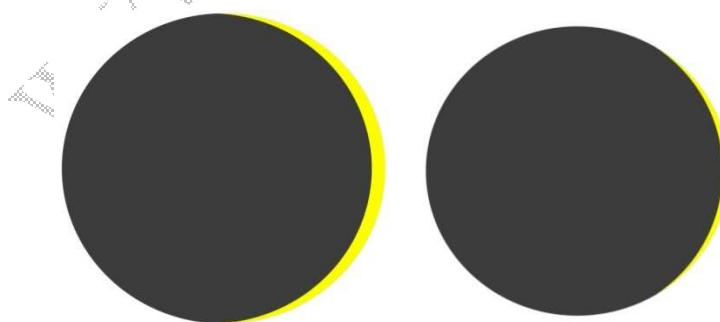
موانع رؤیت در واقع نامساعد بودن هر یک از پارامترهایی است که در بالا ذکر شد. اما پنج پارامتر اول پارامترهایی هستند که به خود هلال و یا بهتر بگوییم به نظام حاکم بر سیارات و مدارهای آن‌ها مربوط‌اند. در کنار متغیر بودن هر یک از پارامترهای مربوط به ماه، خورشید و یا زمین، مقوله‌ی مهم دیگر که بشر همواره در موضوع رؤیت هلال با آن دست و پنجه نرم کرده است، **عوامل محیطی مانع رؤیت** است. در باب عوامل محیطی به عنوان نمونه می‌توان به ابری بودن هوا اشاره کرد. مثلاً، در برخی مناطق شمالی ایران اغلب روزهای سال آسمان ابری است و شرایط برای رؤیت هلال نه تنها مناسب نیست، بلکه اصلاً وجود ندارد.

حد دانژون، رؤیت و آشکارسازی هلال

سال‌ها تصور بر این بود که پس از گذشت اولین لحظات از لحظه‌ی مقارنه و با حرکت ماه در مدار، هلال ماه که تشکیل می‌شود، قوسی است که نیم دایره‌ای را به دور ماه تشکیل می‌دهد.

در سال ۱۹۳۱، **آندره دانژون** متوجه شد که طول کمان هلال صبحگاهی ۱۳ اوت فقط ۷۵ تا ۸۰ درجه است (شکل زیر). دانژون هم‌چنین متوجه شد که کوتاه شدن طول کمان با جدایی زاویه‌ای ماه و خورشید تغییر می‌کند. یعنی هرچه جدایی زاویه‌ای کاهش یابد، طول کمان کم‌تر می‌شود.

دانژون با جمع‌آوری ۷۵ گزارش رصد از سراسر اروپا به بررسی این پدیده پرداخت و پنداشت که در جدایی زاویه‌ای ۷ درجه طول کمان هلال ماه به صفر می‌رسد و دیگر کمانی تشکیل نمی‌شود و هیچ بخشی از ماه روشن نخواهد بود. این پدیده نشان می‌داد که بدون توجه به سن، هلال ماه در جدایی زاویه‌ای کمتر از ۷ درجه تشکیل نمی‌شود و بنابراین اساساً قضیه‌ی رؤیت منتفی خواهد بود. این موضوع تا سال ۲۰۰۷ میلادی نیز خط قرمز رصدگران هلال بود. اما پس از آن، رصدهای فروسرخ ثابت کرد که حد دانژون حد تشکیل هلال نیست، بلکه از آن تنها می‌توان به عنوان حدی برای رؤیت هلال در نور مرئی یاد کرد.



تصویری که دانژون مشاهده کرد (سمت راست) و تصویری که قبل از دانژون تصور می‌شد وجود دارد (سمت چپ)

در سال‌های اخیر عده‌ی کثیری از رصدگران هلال در سراسر دنیا تلاش کرده‌اند هلال‌هایی زیر حد دانژون را رؤیت نمایند تا این که به صورت تجربی این حد را زیر سؤال ببرند. به عنوان مثال، در ۱۲ نوامبر سال ۱۹۹۶ موشک یا فضاییمی که به فضا پرتاب شده بود در خارج از جو توانست ۳ نقطه‌ی نورانی از ماه را به ثبت برساند. در حالی که تنها حدود ۲ ساعت از لحظه‌ی مقارنه سپری شده بود. در آن موقع جدایی زاویه‌ای ماه از خورشید ۳ درجه و ۲۳ دقیقه قوسی و فاز ماه تنها ۱۱ صدم درصد بود. حدود ۱۰ سال بعد نیز تلاش‌های مارتین السیاسر - عکاس آلمانی - در عکس‌برداری فروسرخ از هلال ماه به ثمر

نشست و او توانست در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۷ با کمک پردازش تصویر در روشنایی روز از هلال ماه با جدایی زاویه‌ای کم‌تر از ۵ درجه فیلم و عکس تهیه کند. در ۵ می ۲۰۰۸ نیز وی موفق شد هلال ماه را در فاصله‌ی زمانی کمتر از ۵ دقیقه بعد از مقارنه‌ی زمین مرکزی و در جدایی زاویه‌ای ۴/۵۸ آشکار کند. مارتین با این موفقیت نشان داد که هلال ماه در جدایی‌های کمتر از حدّ دانژون تشکیل می‌شود و توانست عقیده‌ی دانژون را در مورد تشکیل هلال ماه زیر سؤال ببرد.

در سال ۱۳۹۲ هجری شمسی نیز **تیری لگالت** عکاس خبره‌ی فرانسوی توانست هلال رمضان را که لحظه‌ی تولد آن ساعت ۱۱:۴۴ پیش از ظهر بود تنها در جدایی زاویه‌ای ۴/۶ درجه آشکارسازی نماید. این تصویربرداری که همانند روش آقای السیاسر به روش فروسرخ انجام شده است، تاکنون یکی از شاهکارهای رؤیت هلال بوده است.^۱

با این آشکارسازی‌ها که به طور قطع می‌توان گفت: مهم‌ترین اتفاق در آشکارسازی هلال ماه در بیش از ۱۰۰۰ سال اخیر بوده‌اند، پایه‌ی بسیاری از اعتقادات که تاکنون خط قرمز رصدگران هلال بود، فرو ریخت.



تصویر تهیه شده توسط آقای السیاسر دقیقاً قبل از مقارنه ۵ می ۲۰۰۸



تصویری که آقای تیری لگالت از هلال رمضان ۱۴۳۴ ه.ق تهیه کرده است.

بر اساس این مبانی اختلاف در میزان حدّ دانژون که برای آن اعدادی در بازه‌ی ۵ درجه تا بیش از ۷ درجه بیان شده است و

۱. گزارش مستند آقای السیاسر در سایت www.moondatlas.de و گزارش آقای لگالت در سایت www.astrophoto.fr موجود است.

همچنین موفقیت آقایان *السیاسر و لگالت* در زیر سؤال بردن حدّ دانزون برای تشکیل هلال، باعث می‌شود که عملاً فاصله‌ی زمانی بین مقارنه و آشکارسازی به زیر ۱۰ دقیقه برسد. لذا به جرأت می‌توان این جمله را بیان کرد که پیشرفت به معنای نزدیکی آشکارسازی به مقارنه است که از میان این امکانات جدید تلسکوپ‌های قوی، نرم‌افزارهای دقیق، روش‌های پردازش تصویر و تصویربرداری فروسرخ از جمله مهم‌ترین عوامل پیشرفت در رؤیت و آشکارسازی هلال هستند. به عنوان مثال، امروزه شما می‌توانید با استفاده از نرم‌افزارهای در دسترس - که استفاده از آن‌ها برای افراد مبتدی تنها به چند ساعت زمان نیاز دارد - تمامی مشخصات هلال را با دقت بسیار بالا استخراج کنید که این خود کار را برای رصدگران بسیار آسان نموده است^۱ و یا این که می‌توانید در فاصله‌ی زمانی کوتاهی که برای رؤیت هلال در اختیار دارید، از مکان مورد نظر تصویرهایی را تهیه کنید و بعداً با پردازش‌های کامپیوتری خاص به وجود هلال در آن تصاویر پی ببرید.

تقویم هجری قمری

گاه‌شمار قمری به معنای ساده‌ی زمان‌سنجی بر اساس تصاویری که از ماه و اهله‌ی آن دیده می‌شود، پیش از اسلام و در میان اعراب جاهلی نیز رواج داشته است. با این حال گاه‌شماری بر اساس تصاویر اهله در زمان پیامبر ﷺ و حضرت ابوبکر صدیق (س) به عنوان تقویمی رسمی با مبدئی مشخص شکل نگرفت. این اتفاق مهم در زمان خلافت حضرت عمر فاروق (س) تحقق یافت و از آن پس سال هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه مبدأ گاه‌شمار قمری قرار گرفت و این گاه‌شمار از آن تاریخ با نام **تقویم هجری قمری** شناخته شد.

ماه‌های سال قمری به ترتیب عبارتند از: محرم، صفر، ربیع‌الاول، ربیع‌الثانی، جمادى‌الاول، جمادى‌الثانی، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذیقعد و ذیحجه.

روز اول هر ماه در این گاه‌شماری معمولاً بر اساس مشاهده و یا پیش‌بینی مشاهده‌پذیری هلال اول ماه در شامگاه روز ۲۹ یا ۳۰ ماه قبل تعیین می‌شود. این گاه‌شماری با توجه به شیوه‌های مختلف تعیین اول ماه و تعداد روزهای ماه هر سال با عناوین مختلفی از جمله گاه‌شمارهای هجری قمری هلالی، قراردادی و ام‌القری منتشر می‌شود.

در **تقویم هجری قمری هلالی** مبنای کار رؤیت هلال است. این تقویم که مخصوصاً در مناسبت‌های مذهبی مورد استفاده‌ی بیشتری قرار می‌گیرد مبنای اعلام آغاز یک ماه قمری را دیدن هلال در روز قبل از آن می‌داند.

در **تقویم هجری قمری قراردادی** که به عنوان تقویم رسمی قمری در اغلب نقاط جهان شناخته می‌شود، از روش‌های غیرتجربی برای تعیین تعداد روزهای ماه استفاده می‌شود. به طوری که در این تقویم تمامی ماه‌های فرد ۳۰ روزه و تمامی ماه‌های زوج ۲۹ روزه هستند. در این روش در هر ۳۰ سال ۱۱ سال کبیسه (۳۵۵ روزه) وجود دارد.^۲

در **تقویم هجری قمری ام‌القری** که تقویم رسمی کشور عربستان سعودی است، مبنای کار محاسبات نجومی است. به طوری که روز اول هر ماه قمری روزی است که روز قبل از آن مقارنه اتفاق افتاده باشد و در افق مکه ماه پس از خورشید غروب نماید.

۱. از جمله این نرم افزار هاست : Starry Night , Accurate Times , Moon Calculator , Occult

۲. سال‌های ۲، ۵، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۶، و مضارب آن.

بسم الله الرحمن الرحيم

توضیحی اجمالی از منظر فقهی برای عموم مخاطبان

الحمد لله رب العالمین، و صلوات الله و سلامه و رحمته و بر کاته علی إمامنا و هادینا إلیه محمد، و آله و صحبه المخلصین.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ﴾^۱

چنان که می‌دانید: شورای مدیریت مکتب قرآن در سال (۱۴۳۴ ه. ق مصادف با ۱۳۹۲ ه. ش)، آغاز و پایان ماه مبارک رمضان را طبق محاسبات نجومی (مقارنه) اعلام کرد. و به دلیل ناشناخته بودن این موضوع نزد عموم، و تلاش عده‌ای برای تشکیک در آن، شاید نزد بعضی، هنوز ابهامات و تردیدهایی در آن باقی، و ذهنشان هم‌چنان با آن درگیر باشد. لذا صلاح در آن دیده شد، جهت روشن‌گری بیش‌تر در این زمینه، جزوه‌ای منتشر شود؛ که مقاله‌ی حاضر خلاصه‌ای است از آن. امیدواریم با این کار ابهامات و تردیدها از بین برود.

امری که نباید در آن تردید کرد این است که شریعت خداوند سیال و به مانند آب زلال، روان و از هر نوع رکودی گریزان است و با جمود میانه‌ای ندارد؛ و با تغییر اوضاع و شرایط اجتماعی بشر، مدام در حال تغییر است. یعنی: ناگزیر برخی از دستورالعمل‌های فقهی هم تغییر پیدا می‌کند. - البته این سوای احکام ضروری است که هم‌چنان از اعتبار و جایگاه خاص خود برخوردار است. - با تأسف و حسرت فراوان، قرن‌ها است که مکان و منزلت واقعی فقه اسلامی در میان مسلمانان تضعیف و کم‌رنگ شده؛ و آن‌طور که شایسته است مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ زیرا در مواردی یا تقریباً فراموش شده و یا کاملاً به فراموشی سپرده شده است؛ مانند بخشی از حقوق زنان، و قوانین ارث در بعضی از جوامع، و فقه سیاسی (سیاست بین‌المللی اسلامی) و... و یا به لحاظ اجرایی با روح و اصول و موازین اصلی دین منطبق نیست؛ که در بسیاری از موارد، نتایج سوئی را به بار آورده؛ و شکافی عمیق در میان گروه‌های مختلف جامعه ایجاد کرده است؛ مانند بعضی از حدود اسلامی و... و یا حالت رکود به خود گرفته و ثابت و غیرقابل تغییر می‌نماید؛ مانند احکام متعلق به نصاب و مقدار و اموال زکوی و... عدم توجه جدی و عقلانی و لازم به فقه اسلامی، تبعات بی‌شماری به دنبال دارد که عمده‌ترین آن‌ها تفرق است با صور گوناگون آن.

اما باید بدانیم خردی که از سرچشمه‌ی زلال وحی ربّانی مدد گیرد، به ما نهیب می‌زند که: ای مسلمانان متعهد! و ای دلسوزان بشریت! اگر کمر همت بسته‌اید تا از این سرگشتگی و چند دستگی و فروپاشی و افول عزّت به درآیید، و اگر مصممید مفهوم ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...﴾^۲ را دوباره احیا کنید و خود مصداق راستین آن، واقع شوید و مجد و عظمت را دوباره به خود باز

۱. او (خداوند) است که خورشید را درخشان و ماه را منور گردانیده؛ و برای ماه، منازل را معین کرده است تا شمارده‌ی سال‌ها و حساب - کارها - را بدانید سوره‌ی یونس آیه‌ی ۵.

۲. شما بهترین امتی هستید که برای خدمت به مردم آفریده و تربیت شدید. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰.

گردانید، و اگر صادقانه و جدی در صدد آید دل‌های قهر کرده و بیگانه شده از هم را دوباره آشتی دهید، و اگر می‌خواهید زمینه‌ی جلب رحمت‌های خاص بیکران الهی را به سوی خود فراهم سازید، و اگر به تبعیت از مقتدا و رسول رحمتان ﷺ می‌خواهید «غلّ و زنجیر» را از دست و پای انسان‌های رنج کشیده و مظلوم و سرگردان جوامع مختلف بشری باز کنید، باید کینه‌ها و تعصّب‌ها را دور بریزید، و فاصله‌ها را کم کنید، و از خردمندان و حکمای دلسوز امت کمال استفاده را ببرید، و هیچ راه و دری را، که جهت آن به سوی وفاق و انسجام و وحدت، و سرانجام نهایش رسیدن به سرمنزل توحید است، بر خود نبندید ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾^۱ آری، یکی از این راه‌ها شروع هماهنگ و هم‌زمان (تا حدّ مقدور) عبادت روزه در ماه صیام و قیام، ماه تجلّی و بارش رحمت پروردگار یعنی: رمضان مبارک است.

برای رسیدن به این هدف والا و تحقّق بخشیدن به وحدت میان پیروان آخرین آیین برگزیده‌ی خداوند در این مورد خاصّ - که می‌تواند زمینه‌ی مناسبی برای رسیدن به وحدت در سایر موارد گردد - بهترین شیوه، استفاده از ابزار علم نجوم و مبنا قرار دادن مقارنه است؛ که به نظر ما دقیق‌ترین، آسان‌ترین و منطقی‌ترین راه و روش است؛ چون در مجموع، هم پشتوانه‌ی وحیانی دارد و از مصادیق ﴿أَتْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ﴾^۲ محسوب می‌شود؛ و هم قابل انطباق بر ادله‌ی روایی «صُومُوا لِرُؤُوسِهِمْ وَأَفْطِرُوا لِرُؤُوسِهِمْ...»^۳ و هم مورد تأیید علما و فقهای برجسته و نامی در قرون مختلف است؛ که در مطالب آتی به اسامی بعضی از آنان و اظهار نظرهایشان در این زمینه اشاره می‌شود.

امید است مسلمانان، نگاهی منطقی به این روش پسندیده داشته باشند، تا دیگر خبری از اختلاف و تفرّق در میان نباشد و همگی مشمول برکات خداوندی گردیم.

و چنان که قبلاً ذکر شد به دلیل پیشرفت روز افزون علوم و فنون مختلف، و به‌روزآوری مطالب علمی در این عصر، و حصول جزمیت و یقین در آن‌ها، و نیز با توجّه به این که هدف نهایی اجرای فرمان رؤیت، فقط اثبات حلول ماه نو است و لاغیر، که در زمان جاری این کار فوق‌العاده آسان است، به قیاس بر سایر موارد دیگر، استحقاق آن را دارد که مورد توجه لازم قرار گیرد. بنابراین سزاوار نیست این موضوع، محلّ مناقشه و جدال و تردید واقع شود؛ چون اگر قرار بر تردید و ایجاد شک است، باید این عارضه، فراگیر باشد و دامن بسیاری از مسائل دیگر را هم بگیرد و عرصه را بر آن‌ها نیز تنگ کند؛ در حالی که برای همه پیدا است این نوع اشکال تراشی‌ها به دلایل گوناگون، جرأت نمی‌کند به خیل عظیم سایر موارد علمی خود را نزدیک سازد؛ چه جای این که به مقابله با آن‌ها بپردازد.

از جهتی دیگر، اختلاف، اضطراب، تردید و تشکیک، با روح عبادت که باید دل‌ها را آرامش دهد، سازگاری ندارد. پذیرفتنی نیست پرستش و عبادت خداوند، به جای ایجاد اُنس و محبّت و اخوّت که از ثمرات آن است، و عملاً در دورانی آن‌ها را برای صائمین و قائمین به ارمغان آورد، ﴿قَالَ لَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾^۴، مایه‌ی بیگانگی و عداوتی گردد، که از نتایج ملموس اثرگذاری شیطان و نشان از تسلّط او بر انسان و اجابت خواسته‌ی او است که ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْإِغْضَاءَ...﴾^۵ و به جای تسکین و آرامش روح و روان که سپری است در برابر ناملایمات و عمل‌های خشن، موجب آشفتگی و

۱. این، آیین شما است که آیینی است یگانه؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس تنها مرا پرستش کنید سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۹۲.

۲. سوره‌ی احقاف، آیه‌ی ۴.

۳. و خداوند دل‌های‌تان را به هم پیوند داد؛ و (میان آن‌ها انس و الفت برقرار نمود)؛ سرانجام در پرتو نعمت او به برادر هم دیگر تبدیل شدید. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳.

۴. شیطان، فقط می‌خواهد میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۹۱.

پیشانی درونی شود، که دامنه‌ی آثار ناگوارش بسیار فراگیر است، و به جای تثبیت جزم و یقین در مبانی و مفاهیم صحیح دینی، منشأ تردید و شبهه گردد.

جهت روشن تر شدن مطلب، ضروری است توجه خود را به این نکات معطوف سازیم: وقتی حکمت الهی آن را طلبید که در هر مرحله‌ای از زمان، به تناسب رشد فکری بشر، برنامه‌ای جامع و کلی جهت هدایت و جلوگیری از گمراهی در اختیارش قرار گیرد، تشریح و تبیین آن را، به خود او وا گذاشت. یکی از این مجموعه تعالیم حیات بخش، قرآن حکیم است که کامل‌ترین و آخرین آن‌ها است؛ و تبیین اولیه‌ی آن به رسول رحمت و پیام‌آور محبت و سعادت ﷺ محول گردید ﴿... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...﴾^۱.

و چون رشد و تحوّل لازمه‌ی حیات بشر است، مسلمانان، نیازمند بودند جهت پاسخ به پرسش‌ها و موارد مستحدثه و هدایت امور روزمره در مسیر درست آن، بعد از رحلت رسول خدا ﷺ به این امر مهمّ پردازند؛ که در آغاز، شورای اولی‌الامر عهده‌دار این مهمّ گردید اما با از بین رفتن حکومت شورا و دولت خلافت، و عدم امکان گردهمایی مجتهدین در یک مکان، به ناچار صلاحیت‌دارانی از امت، احساس وظیفه کردند و هر کدام به طور مستقل، به حکم ضرورت، به استنباط و استخراج احکام از کتاب و سنت، - متناسب با شرایط زمانی و مکانی و توان و محدوده‌ی علمی خود - اقدام نمودند. پس وجود نظرهای متفاوت و گاهی متعارض در مسئله‌ای واحد (آراء قدیم و جدید) برای مجتهد بزرگواری مانند حضرت شافعی (س)، در چارچوب همین تغییر شرایط، قابل توجیه و تفسیر است.

در این میان، دستاوردهای علمی نقش به سزایی دارد؛ زیرا علم همچون وحی معتبر و از قدر و منزلت ویژه‌ای برخوردار است ﴿... أَتُؤْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ...﴾^۲ بنابراین، در اثبات و یا تغییر احکام و فتاوی فقهی مؤثر. مانند:

۱- اعتبار بخشیدن به علم پزشکی در مواردی هم‌چون:

الف: ممنوعیت استفاده از آب در غسل و وضو، در صورت ضرر رساندن به جسم.

ب: ممنوعیت استفاده از آب‌های آلوده به میکروب و عوامل بیماری‌زا، هرچند از لحاظ شروط ظاهری فقه، در آن اشکالی نباشد.

ج: فتوا به جواز سقط جنین «ناقص‌الخلقه»، در صورت ایجاد یقین به معلولیت ذهنی از راه فناوری‌های پزشکی.

د: پذیرش و قبول مرگ مغزی به عنوان مرگ واقعی، بر اساس رأی و نظر پزشکان متخصص، و در نتیجه جواز اهدای اعضای مبتلایان به مرگ مغزی و استفاده از آن‌ها برای بیماران نیازمند.

۲- معتبر بودن تقویم‌های تهیه شده بر اساس تحقیقات و مطالعات مراکز ژئوفیزیک برای اوقات اذان و نماز.

۳- حکم به جواز معاملات و فعالیت‌های اقتصادی از طریق وسایل ارتباط جمعی، مانند: تلفن و اینترنت و... اگرچه دو طرف قرار داد در یک مکان واحد با هم حضور نمی‌یابند و...

با توجه به این واقعیت‌ها، ادّعای خلاصه کردن روش تشخیص غُرّه‌ی ماه مبارک رمضان و شوال، در رؤیت بصری و یا کامل نمودن سی روز شعبان، به دلایل مختلف، ادّعایی است دور از حقایق علمی و غیر مستند به اصول آن. از جمله:

۱- در گذشته برای پی بردن به شروع و پایان ماه مبارک رمضان و یا سایر ماه‌ها، جز این دو روش (رؤیت بصری و یا کامل

نمودن سی روز شعبان)، هیچ راه معتبر دیگری در اختیار مسلمانان نبوده است. پس فرمان رسول خدا به مشاهده‌ی هلال و یا کامل

۱. و قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل گردیده، برایشان تشریح و تبیین نمایی. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۴۴.

۲. کتابی آسمانی پیش از این، یا اثری علمی از گذشتگان (که دلیل صدق گفتار شما باشد) برای من بیاورید. سوره‌ی احقاف، آیه‌ی ۴.

کردن ماه شعبان «صُومُوا لِرُؤُوسِهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤُوسِهِ فَإِنْ غَيَّبَ عَلَيْكُمْ فَأَكْمَلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا» - و یا - «فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمَلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ»^۱، ناظر به همین وضعیت بوده و بس.

۲- بر فرض تکیه به ظاهر عبارات و عدم توجه به هدف و مقصد مورد تعقیب در نصوص روایی، و بی‌اعتنایی به اصول و ضوابط مهم فقهی چون «مُرَاعَاةُ الْمَقَاصِدِ مُقَدِّمَةٌ عَلَى رِعَايَةِ الْوَسَائِلِ أَبَدًا»^۲ و «الْوَسَائِلُ أَبَدًا أَحْفَظُ مِنَ الْمَقَاصِدِ إِجْمَاعًا...»^۳ و «يَغْتَفَرُ فِي الْوَسَائِلِ مَا لَا يَغْتَفَرُ فِي الْمَقَاصِدِ»^۴، اسلوب و سیاق عبارت روایت‌ها از منظر ضوابط علوم بلاغی مشتمل بر حصر، و نافی راه سوئی نیستند و روش‌ها را در این دو مورد محصور نمی‌سازند.

۳- در صورتی که جمله‌ی «لَا نَحْسُبُ» در روایت «إِنَّا أُمَّةٌ أُمِّيَّةٌ لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسُبُ...»^۵ را به معنی محاسبات و دستاوردهای علم نجوم بگیریم، و بر اساس این روایت، محاسبات منجمان را ملغی و نامعتبر قلمداد کنیم، به ناچار، باید قسمت اول این روایت «لَا نَكْتُبُ» را هم، به معنی غیرمعتبر و نامطلوب بودن خواندن و نوشتن تلقی نماییم؛ در حالی که قضیه به نسبت کتابت و سوادآموزی عکس این است.

۴- قرآن حکیم، جهت وجوب روزه و انجام این تکلیف انسان‌ساز، «شُهود شهر» را ملاک قرار داده است نه رؤیت بصری هلال را. و هر کدام از این دو واژه، ابزار محقق ساختن هدف را در یک روش خاص - مثلاً: رؤیت با چشم غیر مسلح - خلاصه نمی‌کنند؛ زیرا یکی از معانی «شَهِد» ورود و حضور پیدا کردن است.^۶ و به قراین مختلف، در این جا این معنا راجح و مورد نظر است. و «شهر» هم، بر مدّت زمان خاصّ و معینی (تقریباً سی روز) - که از معانی اعتباری است - اطلاق می‌گردد نه بر هلال. بر این اساس مقتضای آیه‌ی ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾^۷ این است: هر کدام از افراد مکلف، اگر در ماه رمضان حضور یابد و به این ماه وارد شود، در صورت وجود شرایط لازم، باید روزه بگیرد.

و این نکته را هم باید در نظر داشت که: با توجه به عکس‌برداری از ماه، بعد از دقایقی از وقوع مقارنه، در صورت عمل به دانش نجوم، اطلاق هلال بر ماه در این زمان، از لحاظ عرف لغوی هم، بدون ایراد است؛ زیرا معنای لغوی هلال ظهور است و این معنا در عالم واقع تحقق پیدا کرده است.

بنا بر این «در صورتی که در اثبات آغاز و پایان ماه‌های قمری، دانش نجوم مبنا قرار گیرد، مفهوم روایت «صُومُوا لِرُؤُوسِهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤُوسِهِ...» تحقق عینی می‌یابد». و در این باره دکتر عباس ریاضی کرمانی پدر علم نجوم ایران چنین می‌گوید: «در هر ماه

۱. با رؤیت هلال رمضان، روزه بگیرد؛ و با رؤیت هلال شوال، عید فطر را برگزار نماید؛ و اگر هلال بر شما پوشیده ماند، تعداد شعبان را کامل کنید و آن را به سی روز برسانید. «صحیح بخاری»؛ «صحیح مسلم با شرح نووی» ج ۴ ناشر دار الکتب العلمیة ص ۱۹۳؛ «سنن نسائی» تک جلدی ص ۳۱۸ - حدیث شماره‌ی ۲۱۱۹ و ۲۱۲۰؛ «المنتقى لابن أبي الجارود» حدیث شماره‌ی ۳۷۵ و «سنن ابوداود» تک جلدی حدیث شماره‌ی ۲۱۱۸.

۲. همیشه مراعات اهداف و مقاصد، مقدّم بر مراعات اسباب و وسایل است. احمد الندوی: القواعد الفقهیة مفهومها و...، ص ۱۶۳، ناشر دار القلم.

۳. مطابق اجماع، رتبه‌ی ابزار رسیدن به مقاصد، پایین‌تر از خود مقاصد است. احمد الندوی: همان منبع.

۴. گذشت و چشم‌پوشی در اسباب و مقدمات، بیش‌تر از گذشت و صرف نظر در اهداف و مقاصد است. سیوطی، جلال‌الدین: الأشباه والنظائر فی قواعد وفروع فقه الشافعیة، ج ۱، ص ۳۴۳، دارالکتب العلمیة.

۵. ما امتی بی‌سوادیم و به نوشتن و محاسبه‌ی نجومی آشنایی نداریم... صحیح مسلم با شرح نووی ج ۴، ص ۱۹۲، دار الکتب العلمیة؛ سنن ابوداود تک جلدی حدیث شماره‌ی ۲۳۱۹.

۶. نگاه تفسیر قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر شیرازی (أنوار التنزیل و أسرار التأویل)، ج اول، ص ۱۶۸، (مجموعه‌ی سه جلدی)، دارالرشید؛ «تفسیر قاسمی» (محاسن التأویل)، ج دوم، ص ۴۴۶، دارالفکر؛ مدرّس، ملّا عبدالکریم: «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن» ج اول ص ۳۳۱؛ ابن جزّی کلّبی غرناطی: «التسهیل لعلوم التنزیل»، ج اول، ص ۱۰۳، دار إحياء التراث العربی، در شرح و توضیح آیه‌ی مربوطه.

قمری، هر زمان، قرص ماه کمره‌ی زمین، مدارهای ۲۸ گانه‌ی خود را سپری کرد و به مرحله‌ی مقارنه رسید، فوراً ثانیه‌های ماه جدید شروع و قرص ماه نو یعنی: هلال جدید، متولد می‌شود و ماه قبلی به پایان رسیده است؛ چه هلال قابل رؤیت باشد چه نباشد.^۱ با نگاه عمیق و تأمل در این واقعیات، آیا تکیه بر رؤیت بصری به همان روش سنتی - که احتمال اشتباه در آن فراوان است - و ترجیح آن بر علوم و فناوری جدید، - که از دقت لازم و نتایج قطعی و یقینی برخوردار است - تحکم و ترجیح بلا مرجح نیست؟ و آیا شهادت و گواهی یک فرد بر رؤیت هلال، با ضریب اطمینان محاسبات به دست آمده از علوم و مشاهده‌ی تلسکوپ‌ها و ابزارهای امروزی قابل مقایسه است؟

از جهتی دیگر، به طور مُسلم، معتبر دانستن و ترجیح اقرار یک شخص - در مسئله‌ی مورد بحث - که مفید ظنّ است، بر اثبات علمی که موجب یقین است، نادیده گرفتن این بخش از اصول و قواعد مهمّ فقهی است که: «در تکالیف دینی، یقین و علم همیشه بر ظنّ مقدّم است؛ هم‌چنان که ظنّ بر شکّ مقدّم است»؛ زیرا ﴿وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾.^۲ برای نمونه: در پیدا کردن جهت قبله اگر دستیابی به یقین، به آسانی میسر و فراهم شود، نباید به اجتهاد که مبنایش ظنّ است پناه برد. و «الظنُّ مُلغِي إِلَّا مَا قَامَ الدَّلِيلُ عَلَيِّهِ»^۳ و «الثَّابِتُ بِحُكْمِ الظَّاهِرِ يُجُوزُ إِبْطَالُهُ بِدَلِيلٍ أَقْوَى مِنْهُ»^۴

و مسئله‌ی قابل توجه دیگر این که: به دلیل عدم دقت و نبود آگاهی بعضی و تبلیغ سوء از جانب برخی افراد کوتاه‌نظر، شاید تصور شود: نظریه‌ی جواز تکیه بر علم نجوم در اثبات هلال ماه‌های قمری، یک نظریه‌ی تازه و بدون سابقه در تاریخ تطوّر فقه اسلامی، و اجتهادی نو است، جهت اصلاح این تصور و ردّ هر نوع شبهه و پاسخ به این گفته‌های نشأت گرفته از جهل و ناآگاهی (که امیدواریم از سر سوء نیت نباشد)، به گوشه‌ای از اظهارنظرهای مجتهدان و فقهای برجسته‌ی اسلامی در مورد صحّت اعتماد به علم نجوم در اثبات رؤیت هلال، و در کلّ، تأیید این امر از سوی آنان اشاره می‌شود. امید است این مطلب، اشکال‌تراشان را به تأمل وادارد؛ و از خدای خود بترسند؛ و از موضع‌گیری ناآگاهانه و متهم کردن دیگران به کفر و ضلالت و انحراف و... پرهیزند. (رَحِمَ اللهُ امراً عَرَفَ قَدْرَهُ وَلَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ)^۵

ابن رشد می‌گوید: از برخی سلف و شخصیت‌های مربوط به دوران گذشته نقل شده: هر گاه هلال - به دلیل موانعی مانند ابر و مه و... - از چشم‌ها پوشیده ماند، به شمارش بر اساس حرکت ماه و خورشید (محاسبات فلکی) مراجعه می‌شود. و این رأی و نظر «مُطَرِّف بن شُخَيْر»^۶ از بزرگان تابعین است.^۷

و بنا بر نقل ابن سُرَیج (۲۴۹ - ۳۰۶ ه. ق) از حضرت شافعی (۱۵۰ - ۲۰۴ ه. ق) ایشان می‌فرمایند: «هر کسی بر این باور است به نجوم و منازل ماه استناد کند و با همین استدلال برایش مشخص شود، هلال رؤیت‌پذیر است، در حالی که - به دلیل وجود موانع - از چشم‌ها پوشیده مانده است، این شخص می‌تواند روزه بگیرد که او را کفایت کند و جای روزه‌ی واجبش را می‌گیرد».^۸

۱. بخارا: (مجله‌ی فرهنگی و هنری)، سال شانزدهم، شماره ۱۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۳۲۹.

۲. و به حقیقت ظنّ و گمان - انسان را - از حقّ بی‌نیاز نمی‌گرداند. سوره‌ی نجم، آیه‌ی ۲۸.

۳. ظنّ باطل و نامعتبر است؛ مگر این که برای اعمال آن دلیلی وجود داشته باشد. احمد النّدوی: همان، ص ۱۹۳.

۴. هر مطلبی که به حکم ظاهر ثابت گردد، باطل کردنش به دلیلی قوی‌تر از آن، جایز است. احمد النّدوی: همان، ص ۱۱۱.

۵. خداوند رحمت کند شخصی را که قدر خود را بشناسد و از حدّ و اندازه‌ی خود تجاوز نکند.

۶. مُطَرِّف بن عبدالله بن شُخَيْر عامری بصری (وفات ۹۵ ه. ق): فقیه پارسا و دانشمند برجسته، و یکی از راویان از حضرت علی بن ابی طالب، عمّار بن یس، حمید بن عبدالرحمن بن عوف و دایی‌اش حضرت عثمان بن عفان - سلام الله علیهم اجمعین -.

۷. ابن رشد: بداية المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، ص ۲۸۴.

۸. ابن رشد: همان ج ۱، ص ۲۸۴.

امام نووی از ابوالخیرِ عمرانی (۴۸۹ - ۵۵۸ ه. ق.) - صاحب کتاب «البیان» نقل می‌کند: هر گاه کسی بر اساس محاسبه‌ی منازل ماه [توسط خودش]، دانست فردا رمضان است، و یا شخصی آگاه به محاسبات نجومی که مورد تأییدش باشد، در این باره، او را مطلع کرد و سرانجام نیت روزه آورد، و بر اساس گفته‌ی آن شخص، روزه گرفت، در مورد آن، دو برداشت وجود دارد، عده‌ای معتقدند روزه‌اش صحیح است. و این نظر ابن سُرَیج (۲۴۸ - ۳۰۶ ه. ق.) است که قاضی ابو طیب (۳۴۸ - ۴۵۰ ه. ق.) هم، آن را اختیار کرده است؛ زیرا این طریق و روش، برای او ظنّ غالب، ایجاد نموده؛ پس شبیه آن است ثقه‌ای با توجه به مشاهدات خود، رؤیت ماه را به او اعلام کرده باشد.^۱

و بنا به گفته‌ی امام نووی، رأی مذکور، انتخاب قفال بزرگ (۲۹۱ - ۳۵۶ ه. ق.) نیز هست.^۲

تقی‌الدین سُبکی (۶۸۳ - ۷۵۶ ه. ق.) در فتاوایش در ادامه‌ی جواب سؤالی با این مضمون: «اگر کسی به تنهایی بر رؤیت هلال گواهی دهد، اما محاسبه‌ی نجومی خلاف آن را نشان دهد» چنین می‌گوید: اختلافی که بدان اشاره شد، زمانی است که محاسبه‌ی نجومی بر امکان رؤیت دلالت کند ولی ماه دیده نشود؛ که به نظر بعضی چون سبب وجوب روزه، رؤیت‌پذیری است، لذا این مسئله تحقیق‌یافته تلقی می‌شود. یعنی: قابل اعتماد است؛ ولی به نظر برخی دیگر سبب وجوب روزه، اصل رؤیت و یا تکمیل شعبان است یعنی: قابل اعتماد نیست. و بنا بر هر کدام از این‌ها، آنچه محاسبه نشان دهد، محکوم به بطلان نیست؛ چون با توجه به مراتب دوری و نزدیکی ماه از خورشید، گاهی محاسبه به نحوی است که مقدّماتش موجب قطعیت است و گاهی هم منتهی به آن نمی‌شود. و در این جا صورتی دیگر وجود دارد و آن عبارت است از این که: محاسبه، عدم امکان رؤیت را نشان دهد و این حالت با مقدّماتی قطعی قابل درک، و ماه بی‌اندازه به خورشید نزدیک، و چون رؤیت محال است، امکان فرض کردن رؤیت حسّی هم وجود نداشته باشد؛ پس در این حالت اگر کسی و یا کسانی که گزارششان احتمال کذب و یا اشتباه دارد به ما خبر دهند که ماه را دیده‌اند، آنچه در این مورد درست و توجیه‌پذیر می‌نماید این است که: باید خبر این چنین افرادی را بر کذب و یا اشتباه حمل کنیم. و اگر دو شاهد هم، بر این مطلب شهادت دهند گواهی‌شان پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا «فرجام و نتیجه‌ی محاسبات نجومی قطعی است اما شهادت و خبر، ظنّی‌اند، و هیچ گاه ظنّ نمی‌تواند معارض قطعی واقع شود چه جای این که مقدّم بر آن باشد».

علامه شیخ احمد بن قاسم عبّادی (وفات ۹۹۴ ه. ق.) می‌گوید: شیخ و استاد ما، شهاب‌الدین رَمَلی (وفات ۹۵۷ ه. ق.) که طبلاوی بزرگ (وفات ۹۶۶ ه. ق.) هم با او موافق است، اظهار می‌دارد: «عمل به محاسبات نجومی در اثبات هلال ماه رمضان واجب است و برای اسقاط تکلیف کفایت می‌کند». و شمس‌الدین رَمَلی (۹۱۴ - ۱۰۰۴ ه. ق.) [پسر شهاب‌الدین رَمَلی] هم، می‌گوید: «برخلاف رأی بعضی و بر خلاف رأی مندرج در «المجموع» هم چنان که برای حاسب و منجم جایز است در شروع ماه، بر اساس تحقیقات علمی خود عمل کنند، بنا بر رأی معتبر، در آخر ماه رمضان هم، برای آنان جایز است اقدام به شکستن روزه نمایند». و با توجه به ضابطه‌ی: وجوب عمل بر اساس ظنّ، این کار بر آنان و بر کسانی که تصدیقشان کنند واجب است... و این مطلب که برخی گفته‌اند: در صورت فقدان ظنّ و گمان نسبت به صدق و کذب حاسب و منجم در حالی که هر دو عادل باشند، روزه واجب نمی‌شود، جای بحث و بازنگری است. زیرا به قیاس بر «وجوب عمل در صورت وجود ظنّ نسبت به صدق آنان»، اگر هیچ ظنّی نسبت به صدق و کذب هم، وجود نداشته باشد - در صورتی که عادل باشند - باید مانند موارد مشابه به همین شیوه، عمل گردد. در این مطلب دقّت شود.^۳

۱. امام نووی: المجموع ج ۶، ص ۲۸۲.

۲. امام نووی: همان.

۳. حاشیه‌ی احمد بن قاسم عبّادی بر «تحفة المحتاج» ج ۴، ص ۴۹۳ - ۴۹۴.

محدث و فقیه بزرگ عینی (۷۶۲ - ۸۵۵ ه. ق.) از علمای پیرو امام ابوحنیفه - رحمهم الله - از برخی از بزرگ فقیهان حنفی نقل قول کرده که: «اعتماد و تکیه بر گفته‌ی منجمان و اخترشناسان هیچ اشکالی ندارد».^۱

لازم به ذکر است ابن عابدین هم، در «رسائل» ۱/۲۴۴ به این مطلب اشاره فرموده است.

علامه شیخ احمد محمد شاکر (۱۳۰۹ - ۱۳۷۷ ه. ق.) می‌گوید: استاد بزرگ، شیخ محمد مصطفی المراغی، رئیس وقت دانشگاه الأزهر مصر، وقتی ریاست دادگاه عالی مصر را به عهده داشت، نظرش در این باره، عیناً همانند نظر شیخ سُبکی بود که علم حساب را بر گواهی شهود ترجیح می‌داد. و شهادت آنان بر رؤیت هلال را، - در صورتی که محاسبات نجومی حاکی از عدم امکان رؤیت بود -، رد می‌کرد. من و عده‌ای از دوستان، مخالف نظریه‌ی استاد مراغی (وفات ۱۲۹۱ ه. ق.) - رحمه الله - بودیم؛ ولی اکنون به صراحت می‌گویم: نظر ایشان صحیح و مُصیب است. و این مطلب را هم اضافه کنم: پذیرفتن اثبات هلال با محاسبات، در هر شرایطی واجب است؛ مگر برای آنان که در زمینه‌ی علم حساب ناتوان و ناآگاه باشند...^۲

شیخ مصطفی زرقا (۱۳۲۲ - ۱۴۲۰ ه. ق.) بعد از توضیحاتی مفصل راجع به حکم اثبات ظهور هلال بر مبنای محاسبات ستاره‌شناسی در عصر حاضر، گزیده‌ای از آن را، به شرح ذیل بیان می‌کند و می‌گوید: دقت نظر در مجموع روایت‌ها و احادیث صحیح وارد در این زمینه (اثبات رؤیت هلال رمضان و شوال و ...)، و برقرار کردن ارتباط میان آن‌ها، علت و سبب اساسی در دستور رسول خدا ﷺ را، - که مسلمانان در شروع و پایان دادن به ماه روزه باید بر رؤیت بصری تکیه نمایند - روشن و برملا می‌سازد؛ و معلوم می‌شود که علت این امر، این بوده که مسلمانان از سواد خواندن و نوشتن و آگاهی دقیق از ستاره‌شناسی و محاسبه‌ی ضابطه‌مند - به دلیل نوسان ماه در میان ۲۹ و ۳۰ روز - اندک بهره‌ای داشتند، تا بتوانند از آن طریق، ابتدا و انتهای هر ماه را مشخص کنند. و مفهوم این مطلب آن است: در صورتی که بشر بتواند به علم کافی نسبت به نظام ستارگان - که خداوند بزرگ آن را به طرزی بنیان نهاده نه تخلف‌پذیر است و نه اختلاف‌بردار - دست یابد، و این شاخه از علوم به درجه‌ای از رشد و کمال برسد که به آسانی بتوان، زمان پیدایش هلال هر ماه و زمان رؤیت‌پذیری آن را - به شرط عدم وجود هر گونه عارضه‌ی جوّی که مانع رؤیت باشد - اعلام کرد، در این صورت «هیچ منع شرعی در تکیه بر این محاسبات وجود ندارد»؛ تا مسلمانان از مشکل اثبات هلال و از نابسامانی و آشفتگی‌های ناپسند و غافل‌کننده‌ای که به آن دچار گشته‌اند (تا حدّی که گاهی تفاوت و اختلاف در اثبات هلال ماه رمضان در میان مسلمانان به سه و یا حتی چهار روز می‌رسد) رهایی یابند.

و در ادامه شیخ زرقا می‌فرماید: اما حالا در عصر ما، از مدّت‌ها پیش، علم ستاره‌شناسی به معنی صحیح آن، از تنجیم و طالع‌شناسی به معنی عرفی‌اش، و از شعبه‌بازی و غیب‌گویی و طالع‌بینی از روی حرکت ستارگان، کاملاً جدا شده است. و اکنون علم ستاره‌شناسی در رصدخانه‌های جدید و بر پایه‌ی رصدگیری توسط تلسکوپ‌های بزرگ قرار دارد و می‌تواند از فاصله‌های دور و با مقیاس سال نوری، موقعیت ستارگان را رصد و با محاسبات دقیق و یقینی، حرکات آن‌ها را با احتساب یک‌صدم و حتی یک‌هزارم ثانیه، مشخص نماید. و در فضای پیرامون زمین ایستگاه‌های تحقیقاتی ثابت برپا گردیده است، تا از فضاپیماهای در حال گردش پیرامون زمین، پشتیبانی کند. آیا پس از روشن شدن این واقعیت‌ها، «معقول است کسی به خود اجازه دهد در صحّت محاسبات یقینی آن، دچار شکّ و تردید شود و ستاره‌شناسی عصر حاضر را با ستاره‌شناسی زمان گذشته که خام و ظنی بوده مقایسه نماید؟!»

بنا به دلایل مذکور، مقارنه بر سایر روش‌های ثبوت هلال ارجحیت دارد؛ و دلیل معتبری پیدا نمی‌شود که بی‌توجهی به آن را

۱. عمدة القارئ شرح صحیح بخاری.

۲. رسالهی «أوائل الشهور العربیه»، ج ۲.

توجیه کند. حتّی شاید بتوان بی‌اعتنایی به آن را به نحوی نوعی ناسپاسی نسبت به یکی از نعمت‌های پروردگار مهربان تلقّی کرد. و به این می‌ماند کسانی در این عصر، جهت روشن نگهداشتن منزل خود، به جای استفاده از نیروی برق، از همان وسایل روشنائی قدیمی، و یا به جای استفاده از امکانات پزشکی عصر، از همان سبک سنتی بهره گیرند. و بدون تردید، اگر فقهای آزاداندیشی امثال ابن سُرّیج، قاضی ابوطیب و سُبکی، در این دوران حضور داشتند، بدون تردید موضعشان در برابر دستاوردهای مهمّی مانند مقارنه، مثبت و منطقی می‌بود. پس شایسته است ما نیز از این ره‌آورد علمی، استفاده ببریم؛ تا به اذن خدای متعال مقدّمه‌ی مبارکی باشد برای ایجاد وحدت در میان مسلمانان در سایر زمینه‌ها.

و در آخر، خداوندا! سر عبودیت و بندگی بر آستانت می‌گذاریم تا به فضل و کرم خودت بار دیگر مفهوم واقعی اَمّت را به مسلمانان ارزانی داری؛ و دیگر اثری از نزاع‌ها و جدال‌ها در میان نماند و مجد و عظمت به سوی آنان باز گردد. بار الها! توان شنیدن حقّ و تبعیت از آن را به همه‌ی ما عطا فرما!

بِر مَشَقَّاتِ رَاحٍ وَ شَرْمِ خَطَا
 رَحْمَتِ اَیْ اَهِلِّ رَحْمَتٍ وَ اِحْسَانِ
 قَطْرَةِ نَیْوَرِی ز چَشْمِی اِحْسَانِ
 بِر کَوِیرِ قُلُوبِ تَارِ افْشَانِ
 اَن‌چَنانِ رَاحِ «فَاسِ تَقَم» بِرَوِیم
 دَلِ مَحَبُّوبِ رَا رَضَا افْتَدِ
 بِرِوِی وَ آلِوِی دُرُودِ وَ سَلَامِ
 تَارِضَا بِرِوِی رَهْ قَضَا افْتَدِ

و السّلام علی من اتّبع الحقّ و الهدی

شورای مدیریت مکتب قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

توضیحی تفصیلی، تخصصی و دقیق تر از دیدگاه فقهی برای مخاطبان

الحمد لله رب العالمین. و صلوات الله و سلامه و رحمته و بر کاته علی امامنا و هادینا الیه محمد، و آله و صحبه المخلصین.

﴿الرَّحْمَنُ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۝ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۝ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۝^۱﴾
﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ﴾^۲

چنان که اطلاع دارید شورای مدیریت مکتب قرآن، آغاز و پایان ماه مبارک رمضان سال ۱۴۳۴ ه. ق مطابق ۱۳۹۲ ه. ش را، بر اساس محاسبات علم نجوم (مقارنه) اعلام، و در این باره بیانیه‌ای را منتشر کرد. اگرچه بسیاری از مسلمانان در میان مذاهب مختلف، از آن، استقبال شایانی به عمل آوردند، اما در ذهن برخی سؤالاتی ایجاد نمود، که گویا این روش اعلام شده، مستند به اصول و موازین دینی نیست، و نیز تا به حال کسی از دانشمندان و صاحب نظران گذشته و معاصر، در این خصوص هیچ گونه اظهار نظری نکرده‌اند؛ لذا، شورای مدیریت مکتب قرآن لازم دانست، مطلبی منتشر نماید که در آن، ادله و مستندات دینی و فقهی و تاریخچه‌ی اظهار نظر فقها و جواب پرسش‌های مطرح شده در این زمینه، تبیین و تشریح گردد. امیدواریم این توضیح جهت رفع شبهات و اقناع جویندگان حق و طالبان پیروی از «احسن القول» کفایت کند.

پرود گارا! متضرعانه دست نیاز به سوی درگاه فضل و کرم دراز می‌کنیم که در همه‌ی امور، راه حق و صواب را به ما نشان دهی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی و خدمت به بندگانت یاری‌مان نمایی، و از تعصب و عناد، محفوظمان بداری، تا جز کسب رضای تو و دستیابی به دوستی و محبت، سودایی در سر و آرزویی در دل نداشته باشیم؛ هرچند ملامتمان کنند و باری از مذمت و تهمت نثارمان نمایند. ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝﴾^۳

تغییرپذیری ماسوای موازین اصلی کتاب و سنت

اگر با امعان فکر و دقت نظر، مقاصد تشریع احکام فقهی، و جلب مصالح و دفع مفاسد در انجام تکالیف دینی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، و میان آن‌ها، موازنه‌ی صحیح به عمل آید، بی‌تردید نگرش رکود گرایانه و تنگ نظرانه و نگاه منفی نسبت به

۱ - خداوند مهربان قرآن را یاد داد، انسان را آفرید، به او بیان آموخت، خورشید و ماه با حساب منظمی در گردشند. سوره‌ی رحمن، آیه‌ی ۱ الی ۵.

۲ - ماه رمضان ماهی است قرآن در آن نازل شده، که راهنما ست برای مردم، و نشانه‌هایی است از هدایت، وجدایی حق از باطل. پس هر کسی از شما ولرد این ماه شد و آن را دریافت، باید آن را روزه بدارد، و هرکسی بیمار و یا در مسافرت بود تعدادی از روزهای دیگر را - به اندازه‌ی آن روزها - روزه بدارد. سوره‌ی بقره آیه‌ی

سیالیت دین، از بین خواهد رفت و ساحت مقدّسش، از آن، پاک و مبرا می‌گردد. به این معنا وقتی حکمت الهی آن را طلبید که پروردگار مهربان، به تناسب رشد فکری بشر از ابتدای آفرینش، برنامه‌ای جامع و کلی جهت هدایت و جلوگیری از گمراهی در اختیارش بگذارد، تشریح و تبیین آن را هم، به خود او واگذار نمود. یکی از این مجموعه تعالیم حیات بخش، قرآن حکیم است که کامل‌ترین و آخرین آن‌ها است؛ و تبیین اولیه‌ی آن به رسول رحمت و پیام‌آور محبت و سعادت ﷺ محوّل شد ﴿... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...﴾^۱ و چون رشد و تحوّل، لازمه‌ی حیات بشر است، مسلمانان، جهت پاسخ به پرسش‌ها و موارد مستحدثه و هدایت امور روزمره در مسیر درست آن، بعد از رحلت رسول خدا ﷺ نیازمند پرداختن به این امر مهم بودند، که در آغاز، شورای اولی الامر عهده دار آن گردید، و با مشاور و نقد و بررسی آزادانه‌ی آراء و نظرات و سرانجام، رسیدن به نظر واحد، سرچشمه‌ی خیرات و برکات فراوانی (حفظ وحدت و دوری از تفرّق و ...) شد؛ اما با از بین رفتن حکومت شورا و دولت خلافت، و عدم امکان گردهمایی اهل حل و عقد در یک مکان (اجماع)، صلاحیت‌دارانی از امت، احساس وظیفه کردند و هر کدام به حکم ضرورت، اقدام به استنباط و استخراج احکام از کتاب و سنت، متناسب با شرایط زمانی و مکانی و توان و محدوده‌ی علمی خود نمودند. وجود نظرهای متفاوت و گاهی متعارض در مسئله‌ای واحد (آراء قدیم و جدید) برای مجتهد بزرگوارى مانند حضرت شافعی (س) را، می‌توان در چارچوب همین تغییر شرایط، توجیه و تفسیر کرد؛ اما متأسفانه اکنون رسوب بینش خشک و سنتی نسبت به مجموعه‌ی احکام فقهی، به جایی رسیده است که حتّی اظهار نظر برخی از فقهای برجسته‌ی گذشته، در مورد بعضی مسائل را بر نمی‌تابند و آن را نادیده می‌گیرند. آری! این هم یکی از تبعات و عوارض ناگوار از میان رفتن نظام شورایی در اسلام است؛ چون تا زمانی این رکن مهم، با استحکام ستودنی در میانشان می‌درخشید، شعاع خیرات و برکاتش همه جا را فرا گرفته بود؛ و مسلمانان با روی باز و دیدی وسیع به مسائل می‌نگریستند؛ و از تنگ نظری و دگم اندیشی دوری می‌جستند. نگاهی گذرا به تاریخچه‌ی بازنگری در آرای فقهی و فتاوی عصر دوره‌ی خلافت راشد و حتّی عصر پیشوایان متقدّم مذاهب اسلامی، به ویژه بازنگری آراء حضرت شافعی - سلام الله علیهم اجمعین -، این حقیقت را برای ما روشن و بر ملا می‌سازد.

به خاطر شفاف کردن بیش تر موضوع، و نگاه متوازن و منطقی، و تلقّی درست و عقلانی، به جا و شایسته است قبل از بیان هر مطلبی به چند اصل مهمّ و کلیدی، - که هر کدام چراغی است بس تابناک فرا روی همه -، که از جانب سابق بالخیرات و پیشوای «ماقولّ شکیّن» و «هه‌ژار لاوین»^۲ مجاهد بزرگوار کا که احمد مفتی‌زاده - سلام الله علیه - تبیین شده است، اشاره شود.

اصل اوّل: آفریدگار پرورنده‌ی عالم، دو مجموعه «موادّ غالباً کلی» را برای اداره‌ی زندگی مادّی و معنوی انسان در اختیار او قرار داده: ۱- طبیعت و ۲- دین (دین = کتاب الهی + بیان پیامبران^۳ - ع -). و به انسان هم، توانایی‌های متناسب بهره‌گیری از آن دو مجموعه را، به اقتضای «تحوّل تدریجی»، بخشیده است.

وظیفه‌ی انسان در کار تأمین نیازهای «وجود مادّی خود»، استعمال توانایی‌هایش است در بهره‌گیری از طبیعت. و وظیفه‌اش برای تأمین مایحتاج «وجود معنوی خود» (یعنی: انسان بودنش، و انسانانه زیستنش، و به جایگاه شایسته‌ی انسانیت رسیدنش، و تنظیم نحوه‌ی بهره‌ی درست از طبیعت بردنش به خاطر بدتر از حیوانات نشدنش)، استعمال توانایی‌هایش است در بهره‌گیری از دین ...

اصل دوّم: به دلیل تلازم هر دو جنبه برای «بودن انسانی»، دین، هماهنگ با موازین ضروری حیات معنوی، روش‌ها و احکام باز، غالباً کلی و اساسی استفاده‌ی درست معنوی، و بعضاً هم مادّی از طبیعت را نشان داده (چون، بدون این جنبه‌ی هدایت، ممکن است

۱ - و قرآن را بر تو نازل کردیم تا آن چه را برای مردم نازل گردیده برایشان تشریح و تبیین نمایی. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۴۴.

۲ - استکبار ستیز و مستضعف نواز.

۳ - «اجماع» هم، سوم کتاب و سنت است؛ و نتیجه‌ی کارش، از «دین» به شمار می‌آید... نامه‌ی ۷۰/۱/۲۰ از مجموعه نامه‌های شخصی.

نعمت توانایی‌های انسان به علاوه‌ی خیر و برکت‌های فراوان طبیعت، مایه‌ی نکبت و بدبختی گردد، همچنان که می‌دانیم و می‌بینیم.

اصل سوّم: در دین، هم تشریع موازین حیات معنوی، متناسب است با سلامت حیات مادی؛ و هم احکام و روش‌های اساسی بهره‌گیری از طبیعت، سازگار با سلامت معنوی (زیرا «انسان» مساوی است با هر دو). مثلاً: در پرتو فراگیر ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ﴾^۱ روزه‌ی سالم‌ساز خصلتی فراوان از وجود معنوی در شرط سلامت نیت، اثری عمده هم در سلامت جسم دارد (این‌جا، جای توضیح این مطلب نیست). اما در صورت رسانیدن زیان به سلامت جسم یا تلاش‌های زندگی مادی (یا معنوی)، ممنوع می‌شود. هم‌چنان که «تحریم خمر»، در کنار سلامت جسم، از رسیدن زیان به معنویت فرد و روابط اقتصادی جامعه (: استثمار ثروت مردم، در برابر «اضرار» به مردم به جای نفع رسانیدن)، که اثر تعیین‌کننده در حیات معنوی دارد، نیز، جلوگیری می‌کند؛ در حالی که با احتیاج حتمی سلامت جسم، مباح و یا - حتی - واجب می‌شود.

اصل چهارم: بر اساس اصل اوّل، این، خود انسان است که وظیفه دارد: موادّ، و خواصّ افرادی و ترکیبی و تجزیه‌ای موادّ را بشناسد؛ و نیازهای خود در احوال مختلف را نیز بشناسد؛ و با این دو معرفت، مایحتاجش را - خوراکی یا غیر آن - موافق همان روش‌ها و احکام، تهیه کند. اما در هر شریعت، نسبت به آن‌چه در بهره‌گیری از طبیعت، برای سلامت نوع، اساسی است، احکام اساسی جدید متناسب شرایط زندگی، مقرر شده است (زیرا بدون آن، به دلیل تغییر نحوه‌ی تأمین نیازهای ثابت نوعی بر اثر تحوّل شرایط، اصل سلامت نوع در حدّ مطلوب حرکت تکاملی، ممکن است آسیب ببیند)، مانند بیان مبانی و احکام نظافت و کثافت (به معنی عرفی ما)، و به طور خاصّ: «طهارت و نجاست» ...

اصل پنجم: بعضی از احکام، «منصوص‌العله» اند؛ و باقی، غیر منصوص، که انسان، به تناسب درجه‌ی رشدش، می‌تواند تدریجاً به علّت‌های آن‌ها پی برد (همان گونه که: به دیگر رازهای بی‌شمار آیات و احادیث، یا: به رازهای طبیعت). و آن گاه است که آن احکام، «معلوم‌العله» می‌شوند (نه این که: معلوم‌العله‌های - مثلاً - تا اکنون، در همان دوران تشریع، چنین بوده باشند). و این جاده‌ی طولانی تحقیق و اکتشاف رازهای گوناگون «طبیعت» و «دین»، تا پایان دوران حیات بشر، کشیده شده. و انسان، با درک درست این امر، همراه با جدّیت هر چه بیش‌تر در اکتشاف، باید بفهمد که: نمی‌تواند در یک دوره، همه‌ی رازهای یکی از دو مجموعه‌ی دین و طبیعت را - که به عهده‌ی کلّ بشریت است تا پایان عمرش - بفهمد ...^۲

... ضابطه‌های تعیین‌شده در زمان‌های مختلف اعتبار دائمی ندارند. آن‌چه اعتبار دائمی دارد و از بین نمی‌رود، موازین قرآن است، یا احادیث پیامبر ﷺ - به عنوان موازین نه صورت‌های اجرایی برای برخی زمان‌ها - . کتاب یا سنّت هرچه را به عنوان موازین اصلی تعیین نمود، لایتغیر است. تا بشر، بشر باشد این مسائل ثابت و محکم است و رابطه و نیاز بشر با آن قطع نمی‌شود...^۳

جایگاه دستاوردهای علمی در مسائل فقهی

با دقّت در اصول بیان شده، و پی‌بردن به وظیفه‌ی انسان در آباد کردن زمین ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^۴ - که مستلزم شناخت و آگاهی نسبی از قوانین و نظام حاکم بر زمین و محدوده‌ی در دسترس و قابل تسخیر برای انسان است - و هم‌چنین دقّت در آیات آفاق و انفس و حجّت بودن دانش بشری نسبت به اساس دین یعنی: «توحید» ﴿أَتُؤْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن

۱ - خداوند آسایش شما را می‌خواهد و فشار و سختی شما را نمی‌خواهد. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۵.

۲ - نامه‌ی ۷۰/۱/۲۰ از مجموعه نامه‌های شخصی.

۳ - نوار ۱۷۹ برگزیده‌ی رمضان (خطبه)

۴ - خداوند شما را از زمین آفرید و شما را مأمور آبادانی آن کرد. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۶۱.

عِلْمٍ^۱ - زیرا یافته‌های یقینی و اثبات شده از جانب انسان نیز، از رحمت و مشیت خاص الهی است؛ هرچند ﴿... وَمَا أَوْتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۲، و هرچند ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ﴾^۳ در می‌یابیم: وحی خداوندی مشوق و طلایه‌دار کاروان پیشرفت علمی و صنعتی بشر است. پس توهم تضاد و رویارویی دین و علم، نشانگر کج‌اندیشی و عدم تعمق در هر دو مقوله و دور از واقعیت است. حرکت علمی مسلمانان در قرون اولیه‌ی تمدن اسلامی، در همه‌ی رشته‌های علوم دینی و تجربی که زیربنای تمدن معاصر غرب قرار گرفت نیز، مبین و مؤید همین مطلب است. وحی خداوندی - در صورت فهم صحیح از آن - نه تنها در مسیر رشد فکری و علمی انسان مانع نمی‌شود، بلکه همیشه او را تشویق می‌نماید که به موازات تزکیه و اصلاح روانش، به افزایش معلومات و کنار زدن پوشش‌ها از روی مجهولات و نیز اکتشافات جدید بپردازد. اما به خاطر جلوگیری از ضایع شدن استعدادها و نعمت‌های فراوانی که خدای منان به‌وی ارزانی داشته، و برای تأمین سلامت مادی و معنوی زندگی انسان، برنامه‌ای فراگیر و همه‌جانبه را در اختیارش قرار داده است، تا او را هدایت کند و راه روشن را فرا روی علم بگشاید؛ تا علم در خدمت جامعه‌ی بشری باشد و راه درست و اصولی زندگی هدفمند را در یابد ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾^۴

و بر این اساس از دیرباز علوم و تجارب بشری نزد فقها و دانشمندان اسلامی جهت صدور فتاوی و اثبات و یا تغییر احکام فقهی، تکیه گاه و مبنا قرار گرفته است؛ و با گسترش نفوذ تکنولوژی و فناوری جدید در بخش‌های مختلف زندگی، فقه‌های معاصر توجه بیشتر و جدی‌تری به موضوع نموده‌اند؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- اهمیت دادن و اعتماد به علم پزشکی و وجوب عمل به دستور و توصیه‌ی پزشکان حاذق و متعهد در مواردی مانند:

الف: لزوم شکستن یا نگرفتن روزه برای برخی بیماران.

ب: ممنوعیت استفاده از آب در وضو و غسل؛ در صورت ضرر رساندن به جسم. و استفاده از تیمم به جای آن.

ج: لزوم خودداری و امتناع از برخی خوراکی‌ها یا کارها؛ به دلیل رساندن آسیب جدی به جسم.

د: ممنوعیت استفاده از آب‌های آلوده به میکروب و عوامل بیماری‌زا، هر چند از لحاظ شروط ظاهری فقه، در آن اشکالی نباشد.

عبارت مشهور حضرت شافعی (س) «لَا أَكْرَهُ الْمُسَمَسَ إِلَّا مِنْ جِهَةِ الطَّبِّ»^۵ قابل توجه است.

ه: فتوا به جواز سقط جنین «ناقص‌الخلقه» (معلول ذهنی)، در صورت ایجاد یقین به معلولیت ذهنی از راه فناوری‌های پزشکی.

و: پذیرش و قبول مرگ مغزی به عنوان مرگ واقعی، بر اساس رأی و نظر پزشکان متخصص، و در نتیجه جواز اهدای اعضای مبتلایان به مرگ مغزی و استفاده از آنها برای بیماران نیازمند.

۲- اعتماد به قطب نماها که از دستاوردهای علمی بشر است، در یافتن و تعیین جهت قبله.

۳- تهیه‌ی تقویم برای اوقات اذان و نماز بر اساس تحقیقات و مطالعات مراکز ژئوفیزیک که حتی برای آن، دستگاه‌های هوشمند جهت نصب در مساجد و غیره، توسط کشورهای مختلف ساخته شده است.

۱ - کتابی آسمانی پیش از این یا اثری علمی از گذشتگان (که دلیل صدق گفتار شما باشد) برای من بیاورید. سوره‌ی احقاف، آیه‌ی ۴.

۲ - جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۵.

۳ - و کسی از علم خدا آگاه نمی‌گردد؛ جز به مقداری که او به خواهد. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۵.

۴ - و همان‌گونه پیامبری را از خودتان در میان شما فرستادیم، که آیات ما را بر شما می‌خواند، و شما را پرورش و تزکیه می‌کند، و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد، و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد. سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۲۹.

۵ - آبی که بر اثر حرارت خورشید - و در ظروف فلزی - گرم و داغ شده جز از نظر بهداشتی آن را ناپسند و مکروه نمی‌بینم «الأم» ج اول ص ۱۶ دوره ۵ جلدی چاپ دارالفکر.

۴- حکم به جواز معاملات و فعالیت‌های اقتصادی از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند تلفن و اینترنت و... به دلیل مقتضیات و شرایط خاص زمان؛ اگرچه دو طرف قرار داد در یک مکان واحد با هم حضور نمی‌یابند.

علاوه بر موارد فوق، نمونه‌های فراوان دیگری وجود دارد که به خاطر اختصار در بحث، از ذکر آنها خودداری می‌شود.

خلاصه: امروزه، استفاده از امکانات و اکتشافات علمی و صنعتی در زمینه‌های مختلف و مفید برای جامعه‌ی بشری، یک امر بدیهی و از ضروریات محسوب می‌شود؛ و منکر بهره‌گیری از آن، و یا قایل به تفاوت و فرق میان شاخه‌های مختلف علوم، - چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ استفاده‌ی عملی، مورد تمسخر این و آن قرار می‌گیرد. و این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا انکار هر کدام از واحدهای علمی - که بشر با تلاش پیگیر و به اذن پروردگار به آنها دست یافته و در نتیجه به اصول علمی ضابطه‌مند تبدیل شده - روا است؟ و آیا از لحاظ شرعی استفاده از آنها در موارد مطلوب، ممنوع است؟ ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۱ و آیا ممکن است انسان میان اصول مختلف علمی در زمینه‌ی فعل و انفعالات فیزیکی و شیمیایی، و قواعد علوم ریاضی، و علوم آزمایشگاهی، و هواشناسی، و ستاره‌شناسی و... چنین دیدگاهی داشته باشد که برخی از آنها را بپذیرد و برخی دیگر را نادیده بگیرد؟ پاسخ هر سه روشن است؛ زیرا نه انکار هر کدام از شاخه‌های مختلف علمی امکان‌پذیر؛ و نه شرعاً استفاده از آنها حرام است؛ و نه در حصول یقین برای انسان نسبت به نتایج آنها تفاوتی وجود دارد. پس زمانی که نتایج حاصل از تحقیقات علمی بشر به یقین تبدیل شد و نام علم به خود گرفت، مبنا و تکیه‌گاه احکام و فتاوی فقهی قرار می‌گیرد؛ زیرا منشأ علم و دین، خداوند متعال است.

ترجیح روش‌های علمی بر روش‌های سنتی در اثبات ظهور هلال

بر مبنای ظاهر روایات، شرط صحّت روزه‌ی ماه مبارک رمضان، ثبوت رؤیت بصری هلال و یا کامل شدن ماه شعبان و رسیدن به ۳۰ روز است «صُومُوا لِرُؤُوتِهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤُوتِهِ فَإِنْ غَبِيَ عَلَيْكُمْ فَاكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا». و یا - «إِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَاكْمِلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ»^۲.

سؤال این جاست: آیا طبق مفاد این روایات، راه تشخیص غُرّه‌ی ماه مبارک رمضان و شوال، در این دو مورد خلاصه و محصور می‌شود و راه دیگری وجود ندارد؟ در جواب باید گفت:

- ۱- بی‌تردید امر و دستور پر از خیر و مصلحت شارع حکیم ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...﴾^۳، لازم الإطاعة است، و در صورت وجود شرایط و نبودن موانع و عوارض، مسلمانان مکلف‌اند: به محض فرارسیدن ماه مبارک رمضان، روزه را شروع کنند.
- ۲- علّت فرمان رسول خدا ﷺ به مشاهده‌ی هلال و یا کامل کردن ماه شعبان، این است: در گذشته برای پی بردن به شروع و پایان ماه رمضان و یا سایر ماه‌ها، هیچ راه مطمئن و معتبر دیگری جز این دو راه (رؤیت بصری و یا کامل نمودن سی روز ماه قبل)، در اختیار مسلمانان نبوده است؛ زیرا به علّت تغییر وضعیت و موقعیت هلال در ماه‌های مختلف، نه تعارب بشری قابل اعتماد بود و نه علم نجوم که آن روزگاران مراحل اولیه‌ی خود را می‌گذراند. و دلیل آمدن کلمه‌ی «أَهْلَةً» به صورت جمع در آیه‌ی ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ

۱ - بگو دلیل‌تان را بیاورید اگر - در ادعایتان - راستگو هستید. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۱.

۲ - با رؤیت هلال رمضان، روزه بگیرد؛ و با رؤیت هلال شوال، عید فطر را برگزار نماید؛ و اگر هلال بر شما پوشیده ماند، تعداد شعبان را کامل کنید و آن را به سی روز برسانید. صحیح بخاری؛ سنن نسائی، تک جلدی، ص ۳۱۸ - ۳۱۹، حدیث شماره‌ی ۲۱۱۹ و ۲۱۲۰؛ صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۴، ص ۱۹۳، چاپ دارالکتب العلمیّه؛ المنتقى لابن أبي الجارود، حدیث شماره‌ی ۳۷۵؛ سنن ابوداود، تک جلدی، حدیث شماره‌ی ۲۱۱۸.

۳ - پس هر کس از شما وارد ماه رمضان شد و در آن حضور پیدا کرد باید آن را روزه بدارد. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۵.

الْأَهْلَةُ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحُجَّجُ...»^۱، همین تغییر و نوسان است که در هلال‌های مختلف پیش می‌آید. و این راهم می‌دانیم که اصل، بقای هر چیزی است بر حالت و صفتی که داشته است؛ و به طور قطع «إِنَّ مَا ثَبَتَ بَيَقِينَ لَا يَرْتَفِعُ إِلَّا بَيَقِينَ».^۲ پس برای پی بردن به ماه جدید و انتقال از ماه شعبان به ماه رمضان و یا از رمضان به شوال و...، جز پناه بردن به یکی از این دو روش (رؤیت بصری هلال و یا کامل کردن ماه قبل)، هیچ راه چاره‌ی دیگری نبوده است.

۳- بر فرض تکیه به ظاهر عبارات و عدم توجه به هدف و مقصد مورد تعقیب در نصوص روایی، و بی‌اعتنایی به اصول و ضوابط مهم فقهی چون «مُرَاعَاةُ الْمَقَاصِدِ مُقَدَّمَةٌ عَلَى رِعَايَةِ الْوَسَائِلِ أَبَدًا»^۳، و «الْوَسَائِلُ أَبَدًا أَخْفَضُ مِنَ الْمَقَاصِدِ إجماعاً...»^۴، و «يَغْتَفَرُ فِي الْوَسَائِلِ»^۵ «ما لا يغتفر في المقاصد»^۶، اسلوب و سیاق عبارت روایت‌ها به شکلی پی‌ریزی شده‌اند که از منظر ضوابط علوم بلاغی مشتمل بر حصر نیستند. و هر کس اندک آگاهی از آن علوم داشته باشد این را، به وضوح درک می‌کند. یعنی: پس از تأمل و دقت، به این نتیجه می‌رسد که روایت‌های وارد برای اثبات ماه نو، نافی راه سومی نیستند و روش‌ها را در این دو مورد خلاصه و محصور نمی‌سازند.

۴- در صورتی که جمله‌ی «لَا نَحْسِبُ» در روایت «إِنَّا أُمَّةٌ أُمِّيَّةٌ لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسِبُ...»^۷ را به معنی محاسبات و دستاوردهای علم نجوم بگیریم، و بر اساس این روایت، محاسبات منجمان را ملغی و نامعتبر قلمداد کنیم، به ناچار، باید قسمت اول این روایت «لَا نَكْتُبُ» را هم، به معنی غیرمعتبر و نامطلوب بودن خواندن و نوشتن تلقی نماییم؛ در حالی که قضیه به نسبت کتابت و سوادآموزی عکس این است. پس نفی آمده در این روایت، برای بیان حال و وضع جامعه‌ی عصر نبوت است، که نه تنها علم نجوم و اخترشناسی در آن دوران، بهره‌ی چندانی از رونق و پیشرفت نداشت و در ابتدای راه بود، بلکه مردمان جزیره‌العرب از لحاظ سواد و مدنیت نسبت به مناطق دیگر، در پایین‌ترین سطح به سر می‌بردند؛ و تعداد باسوادان شهر مکه از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. و به همین علت، قرآن بر ساکنان مکه و سایر مناطق جزیره‌العرب کلمه‌ی «أُمِّي» را اطلاق نموده است ﴿بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ...﴾^۸ و پیامبرگرامی اسلام ﷺ بسیار تلاش کرد تا یارانش از سواد و دانش کافی برخوردار شوند؛ تا جایی که در غزوه‌ی بدر، شرط آزادی اسرای باسواد را، سوادآموزی به نوجوانان و جوانان مدینه، اعلام فرمود. با این توضیحات، اگر مسلمانان کم‌بهره از سواد خواندن و نوشتن و محاسبات نجومی، برای رؤیت هلال به جای استفاده از چشم، مکلف به بهره‌گیری از محاسبات نجومی می‌شدند، برای آنان تکلیفی سخت و دشوار و شاید ناممکن و محال به حساب می‌آمد؛ در حالی که مطابق آیات ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ﴾^۹ «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^{۱۰} و نیز آیاتی دیگر، همیشه خلوند برای بند گاش یُسرو آسانی -

۱ - در باره‌ی تغییر وضعیت ماه از تو سوال می‌کنند بگو: آن‌ها معیار و شناسه‌های زمانیند (تقویم طبیعی) برای نظم زندگی مردم، و تعیین وقت حج. سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۸۹.

۲ - هر آن چه به یقین ثابت شود جز از راه یقین از بین نمی‌رود. الأشباه و النظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیه تألیف جلال الدین سیوطی» ج ۱ ص ۱۲۳ چاپ دارالکتب العلمیه.

۳ - همیشه مراعات اهداف و مقاصد مقدم بر مراعات اسباب و وسایل است. احمد الندوی: همان، ص ۱۶۳.

۴ - مطابق اجماع رتبه‌ی ابزار رسیدن به مقاصد، پایین تر از خود مقاصد است. احمد الندوی: همان، ص ۱۱۶.

۵- گذشت و چشم پوشی در اهداف و مقاصد کم تر از گذشت و صرف نظر در اسباب و مقدمات است. الأشباه و النظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیه تألیف جلال الدین سیوطی ج ۱ ص ۳۴۳ چاپ دارالکتب العلمیه.

۶ - ما اُمتی بی‌سوادیم و به نوشتن و محاسبه‌ی نجومی آشنایی نداریم... صحیح مسلم با شرح نووی ج ۴، ص ۱۹۲؛ سنن ابوداود تک جلدی حدیث شماره‌ی ۲۳۱۹.

۷ - خداوند در میان بی‌سوادان پیامبری را از خودشان برانگیخت... سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲.

۸ - خداوند آسایش شما را می‌خواهد و فشار و سختی شما را نمی‌خواهد. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۵.

که از خصوصیات بارز و برجسته‌ی هدایت‌های الهی است -، در نظر گرفته است. و بر اساس مفاد همین آیات است، دانشمندان اسلامی، قاعده‌ی فقهی «الْحَرْجُ مَنْفِي وَمَوَاضِعُ الصَّرُورَاتِ مُسْتَثْنَاءٌ مِنْ قَضِيَّاتِ الْأُصُولِ»^۲ را بنا نهاده‌اند.

۵- قرآن، آن منبع نور و هدایت، و آن تنزیل خداوند دانا و حکیم، جهت وجوب روزه و انجام این تکلیف انسان‌ساز، «شهود شهر» را ملاک قرار داده است نه رؤیت بصری هلال را. و هر کدام از این دو واژه، ابزار محقق ساختن هدف را در یک روش خاص - مثلاً: رؤیت با چشم غیر مسلح - خلاصه و محصور نمی‌کنند؛ زیرا یکی از معانی «شهد» ورود و حضور پیدا کردن است.^۳ و به قراین مختلف، در این جا این معنا راجح و مورد نظر است. و «شهر» هم، بر مدّت زمان خاصّ و معینّی (تقریباً سی روز) - که از معانی اعتباری است - اطلاق می‌گردد نه بر هلال. بر این اساس مقتضای آیه‌ی ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾^۴ این است: هر کلام از افراد مکلف، اگر در ماه رمضان حضور یابد و به این ماه وارد شود، در صورت وجود شرایط لازم، باید آن را روزه بدارد. روشن است حضور یافتن و ورود به ماه رمضان هم، مستلزم کسب اطلاع و آگاهی مستند و قطعی از هر طریق مطمئن نسبت به فرارسیدن این ماه است. و هم‌چنین آگاهی و اطلاع نسبت به «شهود شهر» در عصر اطلاعات و فناوری نوین، بسیار گسترده‌تر از آن است که تنها در «رؤیت با چشم» خلاصه و منحصر گردد. بنا بر این، چون در اسلام، «اصل بر برائت است»، و کلمه‌ی «مَنْ» در آیه‌ی مورد اشاره از ادوات شرط و برای عموم است، و ضمیر «کُمْ» هم، خطاب به عامه‌ی مسلمانان است، پس اگر مجموعه‌ای از مسلمانان در هر مکان و زمانی، بر اساس مستندات قطعی، اقدام به روزه‌ی رمضان و یا گرفتن عید نمودند، بر سایر مسلمانان هم مطلع نیز، واجب است که از آنان تبعیت کنند؛ زیرا همگی در ماه رمضان حضور پیدا کرده و به آن وارد شده‌اند. باید دانست که امروز یکی از قطعی‌ترین مستندات، «علم نجوم و اخترشناسی» است؛ زیرا با توجه به آیه‌ی ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوْفِيتُ لِلنَّاسِ...﴾، معیار و شناسه‌ی زمانی برای تعیین آغاز ماه مبارک رمضان و ...، ظهور و طلوع ماه نو است. و برای کمره‌ی زمین بیش‌تر از یک قمر وجود ندارد. چنان‌که بیش‌تر از یک خورشید هم وجود ندارد. و معلوم است در یک دوره‌ی گردش ماه به دور زمین جز یک مقارنه متصور نیست. و به کمک ابزارهای پیشرفته، اخیراً، دانشمندان توانسته‌اند بعد از گذشت مدّت زمانی کوتاه (دقایقی معدود) از مقارنه، از هلال عکس بگیرند.

ناگفته نماند: با توجه به مفهوم «ظهور» است که عرب بر ماه نو در اوایل آن، کلمه‌ی هلال را اطلاق نموده‌اند. **إِلْكِيَا الْهَرَّاسِي**^۵ می‌گوید: دلیل اطلاق هلال بر آن‌چه در آغاز و یا نزدیک به آن [بنا به گفته‌ی جوهری سه روز اول] از ماه دیده می‌شود این است: که بعد از پنهان شدن، ظاهر می‌گردد؛ و به خاطر همین معنی ظهور است که بر گفتن تلبیه در حجّ، إهلال را اطلاق نموده‌اند. و «إِسْتِهْلَالُ الصَّبِيِّ» یعنی: نمایان شدن علایم حیات، مانند صدا یا حرکت در نوزاد. و «تَهَلَّلَ وَجْهُهُ» یعنی: بشارت و شادمانی در صورتش نمایان شد.^۶

۱- و در دین بر شما فشار و تکالیف سخت و سنگین قرار نداده است. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۸.

۲- حرج و فشار - در انجام تکالیف دینی - مقبول و پذیرفتنی نیست و موارد ضروری از قضایای اصولی استثناء می‌گردد. احمد التّودی: همان، ص ۱۱۳.

۳- نگاه تفسیر قاضی ناصرالدّین عبدالله بن عمر شیرازی (أنوار التّنزیل و أسرار التّأویل) چاپ دارالرشید ج اول از مجموعه‌ی ۳ جلدی ص ۱۶۸، و «تفسیر قاسمی» (محاسن التّأویل) چاپ دارالفکر ج دوم ص ۴۴۶، و «مواهب الرّحمن فی تفسیر القرآن» تألیف ملا عبدالکریم مدرّس ج اول ص ۳۳۱، و «التّسهیل لعلوم التّنزیل» تألیف ابن جزّی کلّبی غرناطی چاپ إحياء التّراث العربی ج اول ص ۱۰۳ در شرح و توضیح آیه‌ی مربوط.

۴- سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۸۵

۵- عمادالدّین علی بن محمد طبرستانی معروف به إلكيا الهراسی، شیخ شافعیان در بغداد، مؤلف «أحكام القرآن» و «شفاء المسترشدين» و کتاب‌هایی در زمینه‌ی اصول فقه. در سن ۵۴ سالگی در بغداد سرای فانی را وداع گفت.

۶- «أحكام القرآن» ج ۱ ص ۷۶.

پس، از لحاظ عرف لغوی، اطلاق هلال بر ماه، بعد از وقوع مقارنه، بدون ایراد است. و در صورت عمل به دانش نجوم در اثبات آغاز و پایان ماه‌ها، مفهوم روایت «صُومُوا لِرُؤُوتِهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤُوتِهِ...» تحقق عینی می‌یابد.

در این باره دکتر عباس ریاضی کرمانی پدر علم نجوم ایران چنین می‌گوید: «در هر ماه قمری، هر زمان، قرص ماه کروی زمین، مدارهای ۲۸ گانه‌ی خود را سپری کرد و به مرحله‌ی مقارنه رسید، فوراً ثانیه‌های ماه جدید شروع و قرص ماه نو یعنی: هلال جدید، متولد می‌شود و ماه قبلی به پایان رسیده است چه هلال قابل رؤیت باشد یا نباشد».^۱

۶. برای همه آشکار است: دانشمندان توانسته‌اند امروزه در زمینه‌ی شناخت هستی به پیشرفت‌های اعجاب‌انگیزی دست یابند؛ و با دقت بیش‌تر، شگفتی‌های نظام موجود در جهان، و خصوصاً نظم دقیق منظومه‌ی شمسی مورد اشاره در آیات ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِيَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ﴾^۲ ﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾^۳ ﴿وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾^۴ را بیان کنند. و توانسته‌اند در سطح کروی ماه به گردش پیردازند و از صخره‌ها و ذرات آن، جهت تحقیقات لازم، نمونه‌برداری نمایند. و امروزه ستاره‌شناسی و جغرافیای نجوم به عنوان یک علم مورد توجه، مانند سایر رشته‌های علمی در دانشگاه‌های مختلف جهان تدریس می‌شود. و با قرار گرفتن دستگاه‌ها و رصدخانه‌های بزرگ و دقیق در خدمت این علم، و تحول و پیشرفت این مراکز، احتمال خطا در اندازه‌گیری موقعیت و حرکت ستارگان و کرات به کسری از ثانیه رسیده است. و می‌توان رخدادها و حوادث طبیعی مانند خسوف و کسوف و... سالیان بعد را با دقت دقیقه‌و ثانیه پیش‌بینی کرد ﴿مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَل تَرَىٰ مِن فُطُورٍ﴾^۵.

با تأمل و نگاه عمیق در این واقعیات، آیا تکیه بر رؤیت بصری با همان روش سنتی - که احتمال اشتباه در آن فراوان است - و ترجیح آن بر علوم و فناوری جدید، - که از دقت لازم و نتایج قطعی و یقینی برخوردار است - تحکّم و ترجیح بلا مرجح نیست؟ و آیا شهادت و گواهی یک فرد بر رؤیت هلال، با ضریب اطمینان محاسبات به دست آمده از علوم و مشاهده‌ی تلسکوپ‌ها و ابزارهای امروزی قابل مقایسه است؟ و با توجه به این که رؤیت بصری هلال، بعد از گذشت یک روز از مقارنه و تولّد ماه جدید، ممکن است منتهی به از دست دادن حداقل یک روز از رمضان شود، آیا پافشاری بر این وسیله (رؤیت با چشم غیر مسلح) اهمال و بی‌توجهی به هدف و مقصد اصلی یعنی حلول رمضان نیست؟ و چه پاسخی وجود دارد برای اشتباهاتی که در رمضان و سؤال نسبت به روزه‌های فوت و یا گرفته شده به وقوع پیوسته است؟

از جهتی دیگر به طور مُسلّم، معتبر دانستن و ترجیح اقرار یک شخص - در مسئله‌ی مورد بحث - که مفید ظنّ است، بر اثبات علمی که موجب یقین است، نادیده گرفتن این بخش از اصول و قواعد مهمّ فقهی است که: «در تکالیف دینی، یقین و علم همیشه بر ظنّ مقدّم است. هم‌چنان که ظنّ بر شکّ مقدّم است»؛ زیرا «وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا». برای نمونه: در پیدا کردن جهت قبله

۱ - بخارا: (مجله‌ی فرهنگی و هنری)، سال شانزدهم، شماره‌ی ۱۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۳۲۹.

۲ - او (خداوند) است که خورشید را درخشان و ماه را منور گردانیده و برای ماه، منازل را معین کرده است تا شمارهی سال‌ها و حساب - کارها - را بداند سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۵.

۳ - خداوند شکافنده و پدید آورنده‌ی بامداد است و شب را زمان آرامش گردانیده و خورشید و ماه را وسیله‌ی حساب - مردمان در امور روز مره‌ی عبادی و تجاری خود - قرار داده است. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۶.

۴ - و برای ماه منزل‌گاه‌هایی را تعیین کردیم تا برگردد (هلالی شود) و مانند شاخه‌ی کهنه‌ی - خرما بر درخت - درآید سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۹.

۵ - در آفرینش خدای رحمان، ناسازگاری و اختلافی را مشاهده نمی‌کنی؛ پس دیده‌ی خود را برگردان و دقت کن آیا ضعف و عیبی را در آن‌ها می‌بینی؟ سوره‌ی ملک آیه‌ی ۳.

۶ - و به حقیقت ظنّ و گمان - انسان را - از حقّ بی‌نیاز نمی‌گرداند. سوره‌ی نجم، آیه‌ی ۲۸.

اگر دست‌یابی به یقین، به آسانی میسر و فراهم شود، نباید به اجتهاد که مبنایش ظن است پناه برد. و «الظَّنُّ مُلْغِي إِلَّا مَا قَامَ الدَّلِيلُ عَلَى إِعْمَالِهِ»^۱ و «الثَّابِتُ بِحُكْمِ الظَّاهِرِ يُجُوزُ إِبْطَالُهُ بِدَلِيلٍ أَقْوَى مِنْهُ»^۲.

در این جا یادآوری این نکته هم لازم است: یکی از اهداف و مقاصد ارزشمند و والای دینی، که باید در همه‌ی امور و از جمله در تعیین اوقات عبادت‌ها (نماز، روزه، حج و...)، مورد تعقیب قرار گیرد ایجاد وحدت و هماهنگی میان پیروان آخرین پیام‌آور رحمت ﷺ است (برای مثال: فلسفه‌ی حرام شدن روزه در اعیاد اسلامی حفظ وحدت و یک پارچگی است).

آرای دانشمندان و فقهای گذشته و معاصر در معتبر دانستن علم نجوم در اثبات هلال

شاید به دلیل عدم دقت و نبود آگاهی بعضی و تبلیغ سوء برخی کوتاه‌نظران، تصور شود: نظریه‌ی جواز تکیه بر علم نجوم در اثبات هلال ماه قمری، یک نظریه‌ی بدیع و تازه و بدون سابقه در تاریخ تطوّر فقه اسلامی، و اجتهادی نو، و یا به قول خودشان خاصّ عده‌ای گمراه و منحرف و... است!!! جهت اصلاح این تصور و ردّ هر نوع شبهه و پاسخ به این گفته‌های نشأت گرفته از جهل و ناآگاهی (که امیدواریم از سر سوء نیت نباشد)، به تاریخچه‌ی مختصری از اظهارنظر مجتهدین و مفسّرین و محدّثین برجسته‌ی اسلامی در مورد جواز و صحّت اعتماد به علم نجوم در اثبات رؤیت هلال، و در کلّ تأیید این امر از سوی آنان - علی‌رغم اختلاف نظر جزئی برخی از آنان در مواردی با سایرین - می‌پردازیم. امید است این مطلب، اشکال‌تراشان را به تأمل وادارد؛ و از خدای خود بترسند؛ و از موضع‌گیری ناآگاهانه و متهم کردن دیگران به کفر و ضلالت و انحراف و... پرهیزند. (رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَفَ قَدْرَهُ وَلَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ)^۳ برخی از آن شخصیت‌های اثرگذار و مجتهدین برجسته در مذاهب مختلف اسلامی بالأخصّ در مذهب حضرت شافعی - سلام الله علیهم اجمعین -، و نیز، برخی از دانشمندان توانای معاصر، که هر کدام به وجهی به صحّت عمل بر اساس علم نجوم و ستاره‌شناسی در اثبات رؤیت هلال ماه رمضان و شوال - و یا نفی آن و ترجیح این علوم بر شهادت شهود، و... - قایل‌اند، به ترتیب اولویت زمانی و سابقه‌ی تاریخی، عبارت‌اند از: مُطَرِّف بن شُخَيْر، امام شافعی، ابن سُرَیج، قاضی ابوطیب، قفال بزرگ، ابوالخیر عمرانی، داودی، ابن قُتَيْبَه، قُسَیری، علامه تقی‌الدین سُبُکی، شیخ شهاب‌الدین رَمْلَی، طَبْلَاوی، شمس‌الدین رَمْلَی، شمس‌الدین خطیب شربینی، بدرالدین زرکشی، علامه شیخ احمد بن قاسم عَبَّادی، شهاب‌الدین قَلِیُوبی، علی بن یحیی زیادی، سلیمان بن عمر عجیلی، محمّد زهری غمرای، عبدالرحمن بن محمّد بن حسین بن عمر، شیخ محمّد مصطفی مراغی، مفسّر فقیه شیخ محمّد رشید رضا، محدّث بزرگ شیخ احمد محمّد شاگرد، دکتر احمد شرباصی، احمد مصطفی زرقا و سرانجام دکتر یوسف قرضاوی. و در این جا به نمونه‌هایی از اظهار نظر آنان در این باره، به همان ترتیب تقدّم و تأخّر زمانی، - تا حدّ ممکن - اشاره می‌شود؛ تصور این است: برای ردّ شُبُهات، بر مطلب مورد بحث، کفایت کند.

ابن رُشد می‌گوید: از برخی سلف و شخصیت‌های مربوط به دوران گذشته نقل شده: هر گاه هلال - به دلیل موانعی مانند ابر و مه و... - از چشم‌ها پوشیده ماند، به شمارش بر اساس حرکت ماه و خورشید (محاسبات فلکی) مراجعه می‌شود. و این رأی و نظر «مُطَرِّف بن شُخَيْر»^۴ از بزرگان تابعین است.^۱

۱ - ظنّ باطل و نامعتبر است مگر این که برای اعمال آن دلیلی وجود داشته باشد. احمد النّدوی: همان، ص ۱۹۳.

۲ - هر مطلبی که به حکم ظاهر ثابت گردد، باطل کردنش به دلیلی قوی‌تر از آن، جایز است. احمد النّدوی: همان، ص ۱۱۱.

۳ - خداوند رحمت کند شخصی را که قدر خود را بشناسد و از حدّ و اندازه‌ی خود تجاوز نکند.

۴ - مُطَرِّف بن عبدالله بن شُخَيْر عامری بصری - وفات ۹۵ هـ ق فقیه پارسا و دانشمند بزرگ، و یکی از راویان از حضرت علی بن ابی طالب و عمّار بن یسرو حمید

و بنا بر نقل ابن سُرّیج از حضرت شافعی، ایشان می‌فرمایند: هر کسی بر این باور است به نجوم و منازل ماه استناد کند و با همین استدلال برایش مشخص شود، هلال رؤیت‌پذیر است در حالی که - به دلیل وجود موانع - از چشم‌ها پوشیده مانده است، این شخص می‌تواند روزه بگیرد که او را کفایت کند و جای روزه‌ی واجبش را می‌گیرد.^۲

امام نووی در این باره به نقل از **ابواسحاق شیرازی**^۳ می‌فرماید: هر گاه هلال بر مردم پوشیده ماند اگر کسی پیدا شد که از حساب و منازل ماه آگاه و مطلع باشد، و به وسیله‌ی محاسبات فلکی دانست فلان روز از ماه رمضان است، راجع به این مسئله، - به شرح زیر - دو برداشت وجود دارد، نظر ابن سُرّیج^۴ این است: چون بر اثر دلیل، به حلول ماه پی برده است بنا بر این، لازم است روزه بگیرد؛ و این شخص همانند کسی است که با برهان و شاهد به وجود ماه پی برده باشد. اما دیگران می‌گویند: نباید روزه بگیرد؛ زیرا تنها به وسیله‌ی رؤیت، مکلف به روزه هستیم. این گفته‌ی مصنف است و گروهی - از فقها - در این مطلب او را همراهی کرده‌اند.^۵

امام نووی از **ابوالخیر عمرانی**^۶ - صاحب کتاب «البیان» - نقل می‌کند: هر گاه کسی بر اساس محاسبه‌ی منازل ماه [توسط خودش] دانست فردا رمضان است، و یا شخصی آگاه به محاسبات نجومی که مورد تأییدش باشد، در این باره، او را مطلع کرد و سرانجام نیت روزه آورد و بر اساس گفته‌ی آن شخص، روزه گرفت، در مورد آن، دو برداشت وجود دارد، عده‌ای معتقدند روزه‌اش صحیح است. و این نظر ابن سُرّیج است که قاضی ابو طیب^۷ هم، آن را اختیار کرده است؛ زیرا این طریق و روش، برای او ظنّ غالب، ایجاد نموده؛ پس شبیه آن است ثقه‌ای با توجه به مشاهدات خود، رؤیت ماه را به او اعلام کرده باشد.^۸

امام نووی باز در همان آدرس فوق اشاره می‌کند و می‌فرماید: **رویانی**^۹ این دو برداشت (جواز عمل منجم به محاسبات خود و یا

بن عبد الرحمن بن عوف و دائی‌اش حضرت عثمان بن عفان - سلام الله علیهم اجمعین - .

۱ - بداية المجتهد و نهاية المقتصد ج ۱ ص ۲۸۴

۲ - همان منبع.

۳ - جمال الدین ابراهیم بن علی بن یوسف فیروزآبادی شیرازی مشهور به ابواسحاق شیرازی - ۳۹۳ - ۴۷۶ هـ ق - فقیه بزرگ مذهب حضرت شافعی و استاد برجسته‌ی مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد. در فیروزآباد فارس متولد شد. برخی اساتیدش عبارتند از: ابو عبدالله بیضاوی و قاضی ابوطیب طبری و عبدالوهاب بن رملین. پس از آن که مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد تأسیس شد، تدریس آن‌جا را به ابواسحاق واگذار کردند که تا آخر عمر در آن‌جا مشغول تعلیم و تدریس بود. برخی کتب و آثارش عبارتند از: «مَهْدَب» و «تنبيه» در فقه، و «تبصره» و «تلخیص» در اصول فقه، و «طبقات الفقهاء».

۴ - ابوالعباس احمد بن عمر بن سُرّیج بغدادی (۲۴۸ - ۳۰۶ هـ ق) مشهور به باز اشهب، قاضی وقت شیراز و برجسته‌ترین علمای شافعی در عصر خود و بنا به گفته‌ی شیخ ابواسحاق شیرازی حتی بر مُزنی شاگرد حضرت شافعی هم، برتری داشت. می‌گویند: سبب انتشار مذهب حضرت شافعی در اکثر سرزمین‌های اسلامی ایشان بودند. شیخ ابوحامد اسفراینی پیشوای روش و منهج علمای عراقی پیرو شافعی هم، درباره‌اش می‌گوید: ما در ظاهر فقه، پا به پای ابن سُرّیج حرکت می‌کنیم و نه در مسائل و نکات ظریف و دقیق آن؛ چون ایشان شخصیتی کنجکاو و اهل اتقانند.

۵ - المجموع شرح مَهْدَب ابواسحاق شیرازی، ج ۶، ص ۲۸۱.

۶ - یحیی بن ابی الخیر بن سالم یمنی مشهور به ابوالخیر عمرانی - ۴۸۹ - ۵۵۸ هـ ق سرده‌ی شافعیان یمن؛ دانشمندی پارسا و وارسته و نیک سیرت و صاحب نظر در فقه و اصول و کلام و... می‌گویند: تلاوت بخش عمده‌ای از قرآن و بر پایی نمازهای فراوان ورد شبانه‌اش بود. از لحاظ مبانی فکری و اصول عقاید، متمایل به افکار حنابلّه ولی از جهت مذهب فقهی پیرو حضرت شافعی بود. دارای تألیفات و آثار فراوانی است. از جمله کتاب «بیان» در زمینه‌ی مسائل فقهی در ده جلد و «الانتصار» در زمینه‌ی اصول عقاید....

۷ - قاضی ابوطیب طبری - ۳۴۸ - ۴۵۰ هـ ق در آمل پیش زجاجی فقه فراگرفت؛ و در گرگان شاگرد ابن کُج مشهور بود؛ به مدت چهار سال در نیشاپور هم، در خدمت دانشمند بزرگ و رکن الحدیث زمان خود ماسرجسی تلمذ کرد و سپس به بغداد مهاجرت نمود، ابواسحاق شیرازی در باره‌ی این شخصیت بزرگ چنین می‌گوید: کسی را ندیدم که از لحاظ اظهار نظرهای اجتهادی، کامل تر و محقق تر و با دقت تر از ابوطیب باشد. سنّش به ۱۰۲ سال رسید.

۸ - المجموع ج ۶، ص ۲۸۲.

۹ - ابوالحسن عبدالواحد بن اسماعیل رویانی - ۴۱۵ - ۵۰۴ هـ ق شیخ شافعیان عصر و دوران خود، می‌گفت: اگر همه‌ی کتب مذهب شافعی از بین برود می‌توانم مجدداً آن‌ها را بازنویسی کنم؛ و به همین خاطر، او را شافعی زمان می‌خواندند. مدّتی قاضی مازندران بود. و در آمل مدرسه‌ای را احداث کرد. در روز جمعه ۱۱

عدم جواز آن) را، مربوط به مواردی دانسته که شخص منازل ماه را بشناسد و به وسیله آن، به وجود ماه پی برد. سرانجام می‌گوید: رأی به جواز عمل، انتخاب ابن سُرّیج و قفال - بزرگ -^۱ و قاضی ابوطیب است.^۲

و در آخر، امام نووی مطلب را خلاصه می‌کند و می‌فرماید: در این مسئله پنج برداشت وجود دارد صحیح‌ترینشان آن است: نه بر حاسب و منجم واجب است به محاسبات نجومی خود عمل کنند و نه بر غیر آنان؛ اما برای حاسب (کسی که بر منازل ماه تکیه و حرکت آن را زیر نظر می‌گیرد)، و منجم (کسی که برای پیش‌بینی‌های خود تغییر حالت ستارگان را مورد ملاحظه قرار می‌دهد)، - اگرچه به لحاظ شرعی جای روزهی رمضان را نمی‌گیرد -، جایز است به آن عمل کنند، ولی برای غیر آنان جایز نیست. دوم: جایز است و به جای روزهی رمضان، صحیح و کفایت می‌کند.

سوم: برای حاسب جایز است اما برای منجم جایز نیست.

چهارم: برای هر دوی آنان، جایز و غیر آنان هم، می‌توانند از ایشان تقلید و تبعیت نمایند.

پنجم: برای آنان جایز و غیر آنان هم، می‌توانند فقط از حاسب تقلید و تبعیت کنند. اما از منجم جایز نیست.^۳

ابن شداد^۴ به نقل از بغوی اظهار می‌دارد:

به نظر بعضی از دانشمندان مقصود از «فاقدروا له»، اندازه‌گیری بر اساس محاسبه‌ی منازل ماه (ستاره‌شناسی) است یعنی: برای ثبوت رؤیت هلال، منازل ماه را اندازه‌گیری کنید؛ زیرا این کار به شما نشان می‌دهد که ماه بیست و نه روز است، و یا سی روز.

ابن شداد در ادامه‌ی عبارت فوق، به نقل از ابن سُرّیج می‌گوید: عبارت «فاقدروا له» خطاب به کسانی است که در علم حساب و ستاره‌شناسی تخصص دارند و عبارت «فأكملوا العدة ثلاثین» خطاب به عموم مردم است.^۵

و در کتاب «شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک» بنا بر نقل ابن العربی از ابن سُرّیج، به این مطلب اخیر نیز، اشاره شده است.^۶ لازم به یادآوری است: اختلاف خطاب بر اساس اختلاف شرایط، امری است طبیعی؛ و این مطلب به عنوان اساس و پایه‌ی تغییر فتوا بر حسب تغییر زمان و مکان و حالات محسوب می‌گردد. و این امر (تغییر فتوی) هم، به نوبه‌ی خود غیر قابل انکار است و فقها گفته‌اند: «تغییر احکام - مبتنی بر مصلحت و عرف -، به دلیل تغییر شرایط غیر قابل انکار است».^۷

محرّم سال ۵۰۴ بعد از طلوع خورشید، درمسجد جامع بابل توسط باطنیان ترور و به شهادت رسید. برخی از آثار و نوشته‌هایش عبارتند از «القولین و الوجهین»، و «البحر»، و «الکافی»، و «الحلیه» - این کتاب مشتمل بر آرا و نظرات برگزیده‌ی ایشان است که بسیاری از آن‌ها موافق مذهب امام مالک است. ۱ - ابوبکر محمد بن اسماعیل شاشی [شاش شهری است در اطراف رودخانه‌ی جیحون] - ۲۹۱-۳۵۶ هـ ق فقیه و مجتهد برجسته، و یکی از «أصحاب الوجه» و شیخ شافعیان در عصر خود. او دارای سبک و روش خاص و پسندیده‌ای بود. حلیمی می‌گوید: او عالم‌ترین کسی است که تا به حال با او برخورد داشته‌ام. و به گفته‌ی قاضی ابن شُهَبه: این شخصیت بزرگوار از پیشوایان مذهب است. از ابن سُرّیج و ابن جریر طبری و ابن خُزیمه، فقه فرا گرفت. برخی از شاگردانش عبارت بودند از ابو عبدالله حاکم و ابن مندّه و حلیمی و ابوعبدالرحمن سلّمی.

۲ - المجموع ج ۶، ص ۲۸۲.

۳ - همان منبع.

۴ - بهاء‌الدین ابوالحسن یوسف بن رافع اسدی حلبی شافعی مشهور به ابن شداد - ۵۳۹-۶۳۲ هـ ق برخی از آثارش عبارت است از «دلائل الأحکام علی التنبیه» و «الموجز الباهر» در فقه، و «ملجأ الحکام فی الأقضية»، و «سیرة صلاح الدین». در حلب شام وفات یافت و در همان جا دفن گردید.

۵ - دلائل الأحکام ج ۱، ص ۵۹۴.

۶ - شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک ج ۲ ص ۲۰۶.

۷ - لا ینکرُ تَغییرُ الأحکام - المبنیة علی المصلحة و العرف بتغییر الزمان. احمد الندوی: همان، ص ۵۶ و ۱۲۳ چاپ دار القلم.

تقی‌الدین سُبکی^۱ در فتاوی‌اش در ادامه‌ی جواب سؤالی با این مضمون: «اگر کسی به تنهایی بر رؤیت هلال گواهی دهد اما محاسبه‌ی نجومی خلاف آن را نشان دهد» چنین می‌گوید:

در این زمینه مسئله‌ی دیگری وجود دارد که علما در آن، اختلاف نظر دارند و البته این مسئله چنان که ممکن است از حدیث نام برده «إِنَّا أُمَّةٌ أُمِّيَّةٌ لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسِبُ، الشَّهْرُ هَكَذَا وَهَكَذَا، عَقَدَ الْإِبْهَامُ فِي الثَّلَاثَةِ وَالشَّهْرُ هَكَذَا وَهَكَذَا يَعْنِي تَمَامَ ثَلَاثِينَ»^۲ دریافت شود؛ امکان دارد مورد توجه هم، قرار نگیرد، و آن زمانی است که محاسبه‌ی نجومی نشان دهد ماه از شعاع خورشید فاصله گرفته و چون مدت زمانی هم، از آن گذشته ماه در وقت غروب قابل رؤیت باشد. علما در این باره اختلاف نظر دارند که، آیا روزه بر اساس آن جایز است؛ یعنی: بر حاسب واجب و برای غیر حاسب هم جایز می‌باشد؟ هر کسی بگوید نه واجب است و نه جایز، به حدیث [فوق] تمسک جسته است. و برای تأیید رأی خود به روایت «صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ...» استناد کرده است. و نزد علما، این رأی، درست‌ترین آن‌ها است. و اما هر کسی در پاسخ بگوید جایز است، بر این باور است که: منظور از آن، رؤیت‌پذیری و موجود بودن هلال است؛ مانند فرارسیدن اوقات نماز در روزهای ابری که محاسبه‌ی نجومی آن‌ها را نشان دهد؛ و این مطلب را بزرگانی گفته‌اند. اما با توجه به مفهوم حدیث، رأی اول درست است. و این به معنای رد کردن محاسبه‌ی نجومی نیست؛ زیرا محاسبه، مقتضی امکان رؤیت است و البته واجب نیست بر امکان تنها، به حکم شرعی ترتیب اثر داده شود؛ زیرا این امر، متوجه شارع است که در حقیقت آن را بر رؤیت مترتب کرده است و از آن خارج نمی‌شود مگر زمانی تعداد کامل شود. و فرق میان اوقات نماز و روزه این است: اشتباه در وقت روزه به وفور اتفاق می‌افتد، اما اوقات نماز چنین نیست؛ چون تعیین وقت نماز، غالباً یا قطعی و یا قریب به آن است. و اختلافی که بدان اشاره شد زمانی است که محاسبه‌ی نجومی بر امکان رؤیت دلالت کند ولی ماه دیده نشود؛ که به نظر بعضی چون سبب وجوب روزه، رؤیت‌پذیری است، لذا این مسئله تحقق یافته تلقی می‌شود؛ ولی به نظر برخی دیگر سبب وجوب روزه، اصل رؤیت و یا تکمیل شعبان است. و بنا بر هر کدام از این‌ها، آن‌چه محاسبه نشان دهد محکوم به بطلان نیست؛ چون با توجه به مراتب دوری و نزدیکی ماه از خورشید، گاهی محاسبه به نحوی است که مقدم‌اتش موجب قطعیت است و گاهی هم منتهی به آن نمی‌شود. و در این جا صورتی دیگر وجود دارد و آن عبارت است از این که: محاسبه، عدم امکان رؤیت را نشان دهد و این حالت با مقدماتی قطعی قابل درک، و ماه بی اندازه به خورشید نزدیک باشد و چون رؤیت محال است امکان فرض کردن رؤیت حسّی هم وجود ندارد؛ پس در این حالت اگر کس و یا کسانی که گزارششان احتمال کذب و یا اشتباه دارد، به ما خبر دهند ماه را دیده‌اند، آن‌چه در این مورد درست و توجیه‌پذیر می‌نماید این است که: باید خبر این چنین افرادی را بر کذب و یا اشتباه حمل کنیم. و اگر دو شاهد هم، بر این مطلب شهادت دهند گواهی‌شان پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا فرجام و نتیجه‌ی محاسبات نجومی قطعی است اما شهادت و خبر، ظنی‌اند، و هیچ گاه ظن نمی‌تواند معارض قطعی واقع شود؛ چه جای این که مقدم بر آن باشد. و یکی از شرایط بینّه، ممکن بودن امر مورد شهادت است، از لحاظ عقلی و حسّی و شرعی. پس در صورت فرض، اگر محاسبه به طور قطع بر عدم رؤیت دلالت کند، شرعاً قبول شهادت بر ثبوت رؤیت محال است؛ چون آن‌چه مورد گواهی قرار گرفته از محالات است؛ و طبعاً شرع از امور

۱- ابوالحسن علی بن عبدالکافی (۶۸۳ - ۷۵۶ هـ ق) عالم برجسته و صاحب نظر در علوم و فنون مختلف از جمله قرائات، و تفسیر، و اصول، و زبان شناسی، و... گروهی از اساتیدش در فنون گوناگون عبارت اند از تقی بن صایغ، علم عراقی، ابن رفعه، ابوحنّان، شرف دمیاطی، و... شاگردان بسیاری را در رشته‌های مختلف علمی تربیت کرد. حدود ۱۵۰ اثر و تألیف کوچک و بزرگ از خود به جا گذاشته است؛ بعضی از آن‌ها عبارتند از «تفسیر قرآن» و «شرح منهاج الطالبین نووی» فرزندان شخصیت‌های بزرگوار و بلند مرتبه‌ای بودند؛ یکی از آنان تاج الدین سُبکی صاحب کتاب مشهور «جمع الجوامع» در علم اصول است. که بعد از فوت پدر، مسؤولیت قضاوت شام به او سپرده شد.

۲- ما امتی بی‌سوادیم که به نوشتن و محاسبات - نجومی - آشنایی نداریم، حضرت ﷺ با انگشتان دست، اشاره فرمود: ماه ۲۹ و یا ۳۰ روز است.

محال دوری می‌گزیند.

و از جهتی دیگر از جانب شرع هم، هیچ نصّی به ما نرسیده مؤید آن که هر نوع شهادت از دو شاهد، چه مورد شهادتشان صحیح و چه باطل باشد، پذیرفته می‌شود. و احکام ماه و وجوب روزه بر خبر و یا شهادت تنها، مترتب نمی‌گردد، تا بگوییم این مطلب مبتنی بر فرموده‌ی شارع است و او می‌فرماید: «هر گاه گزارشگری به شما خبر دهد، باید روزه بگیرید». آری اگر با این مضمون از جانب شارع نصّی آمده باشد که اگر گزارشگری به شما خبر رؤیت هلال را رساند روزه بگیرید، آن را می‌پذیریم؛ اما در شرع چنین چیزی نیامده، بلکه ما مکلفیم در باره‌ی هر نوع خبری تحقیق کنیم تا در ابتدا، راستی و درستی آن برایمان روشن شود. و هیچ شکی نیست برخی از کسانی که در مورد رؤیت هلال شهادت می‌دهند آن را رؤیت نمی‌کنند، بلکه چیزی را می‌بینند که به گمانشان هلال است اما در واقع هلال نیست، و یا چشمشان چیزی را به آنها نشان می‌دهد که آن را ندیده است و تصویری بیش نیست، و یا بعد از گذشت چند روز شهادت می‌دهند و نسبت به شب رؤیت، دچار اشتباه می‌گردند، و یا

علامه شیخ احمد بن قاسم عبادی^۱ می‌گوید: شیخ و استاد ما، شهاب الدّین رَمَلی^۲ - که طبلاوی بزرگ^۳ هم با او موافق است - اظهار می‌دارد: عمل به محاسبات نجومی در اثبات هلال ماه رمضان واجب است و برای اسقاط تکلیف کفایت می‌کند. و شمس الدّین رَمَلی^۴ [پسر شهاب الدّین رَمَلی] هم، می‌گوید: بر خلاف رأی بعضی و بر خلاف رأی مندرج در «المجموع» هم چنان که برای حاسب و منجم جایز است در شروع ماه، بر اساس تحقیقات علمی خود عمل کنند، بنا بر رأی معتبر، در آخر ماه رمضان هم، برای آنان جایز است اقدام به شکستن روزه نمایند. و با توجه به ضابطه‌ی «وجوب عمل بر اساس ظنّ» این کار بر آنان و بر کسانی که تصدیقشان کنند واجب است و و این مطلب که گفته‌اند: «در صورت فقدان ظنّ و گمان نسبت به صدق و کذب حاسب و منجم در حالی که هر دو عادل باشند، روزه واجب نمی‌شود»، جای بحث و بازنگری است. زیرا به قیاس بر «وجوب عمل در صورت وجود ظنّ نسبت به صدق آنان»، اگر هیچ ظنّی نسبت به صدق و کذب هم، وجود نداشته باشد - در صورتی که عادل باشند - باید به

۱ - شهاب الدّین احمد بن قاسم عبادی قاهری - وفات ۹۹۴ هـ ق. بعضی از تألیفات عبارتند از: حاشیه بر شرح جمع الجوامع مشهور به «آیات بینات» و حاشیه بر شرح «ورقات امام الحرمین» و حاشیه بر «مختصر المعانی» و حاشیه بر «شرح المنهج» و حاشیه بر «منهاج الطالبین». در مدینه‌ی منوره هنگام بازگشت از سفر حج دار فانی را وداع گفت.

۲ - شهاب الدّین احمد بن حمزه‌ی رَمَلی (رَمَل روستای کوچکی در نزدیکی دریا و از توابع منبیه العطار در استان منوفیه‌ی مصر) - وفات ۹۵۷ هـ ق - فقیهی برجسته و منتقد و نکته سنج. نزد استادش (قاضی زکریّا) از ارزش و اعتباری خاص برخوردار بود؛ تا جایی که او اجازه داد در نوشته‌هایش چه در زمان حیات و چه بعد از فوتش دست به اصلاحاتی بزند؛ و البته در زمان حیات استادش همین کار را شروع کرد و در کتاب‌های «البهجة» و «شرح الروض»، اصلاحاتی را انجام داد. و شرح بزرگی هم بر «صفوة الزّید» در فقه نوشت. برخی از شاگردانش عبارت بودند از: فرزندش محمد شمس الدّین رَمَلی و خطیب شربینی و شهاب غزّی و ... فتاوایش توسط خطیب شربینی جمع آوری شده. محلّ احترام و تکریم انسان‌های شایسته و دانشمندان مصر بود. تا دوران پیری و از کار افتادگی، اجازه نمی‌داد کسی برایش کلری انجام دهد (مثلاً از بازار چیزی برایش خریداری کند)؛ بلکه همه‌ی امور و وظایف شخصی و خانوادگی‌اش را، خودش رو به راه می‌کرد.

۳ - علامه ناصر الدّین محمد بن سالم طبلاوی - وفات ۹۶۶ هـ ق - در علوم مختلف از جمله: تفسیر و قرائت و حدیث و فقه و ادبیات و اصول و منطق و ریاضیات تبحر داشت. برخی از اساتیدش عبارت بودند از قاضی زکریّا، سیوطی، شهاب الدّین بیجوری، شیخ القراء و محدّثین ابن الجزری. حدوداً در سن صد سالگی در فانی را وداع گفت و در اطراف مقبره‌ی حضرت شافعی - سلام الله علیه - در مصر به خاک سپرده شد.

۴ - محمد بن شهاب الدّین احمد بن حمزه‌ی رَمَلی ۹۱۴-۱۰۰۴ هـ ق ملقب به مجدّد قرن دهم و مفتی بزرگ شافعیان؛ گروهی از اساتیدش عبارت بودند از: قاضی زکریّا، شافعی، شرف الدین دُمیری مالکی، ابن نجّار حنبلی، نور الدّین حنفی، ذهبی بغدادی شافعی. بعضی از شاگردانش عبارت بودند از برهان الدّین لقانی مالکی، عالم بزرگ و شیخ الفقهای حنفی در عصر خود خطیب شوّبری، فقیه و محدّث قلیوبی شافعی، شهاب الدّین خفاجی حنفی، زین الدّین غزّی، شهاب الدّین متولّی اصری، علی بن یحیی زبیدی. برخی از آثارش عبارت اند از: «نهاية المحتاج»، و «الفتاوی»، و «غایة المرام» (شرح رساله‌ی پدرش در زمینه‌ی شروط امام و مأموم)، و «شرح العُباب»، و «شرح منظومه‌ی ابن العباد» در زمینه‌ی اعداد.

همین شیوه، عمل گردد مانند امثال آن. در این مطلب دقت شود.^۱

شَهر اَمَلْسَی^۲ می‌گوید: از **شهاب رملی** در مورد رأی **مَرَجَح** «جواز عمل محاسب و ستاره‌شناس در مسئله‌ی روزه بر اساس محاسبه‌ی خود»، سؤال شد: آیا این حکم به مواردی تعلق پیدا می‌کند که وجود هلال و رؤیت آن قطعی باشد و یا مربوط به مواردی است که وجود هلال قطعی، گرچه رؤیت ممکن نباشد؟ زیرا رهبران و پیشوایان فقهی برای هلال سه حالت ذکر کرده‌اند:

۱- حالتی که در آن وجود هلال قطعی، اما رؤیت آن ناممکن باشد.

۲- حالتی که هم وجود هلال و هم رؤیت آن، قطعی باشد.

۳- حالتی که وجود هلال قطعی و رؤیت آن ممکن باشد، **شَمِخ رَمَلی** در پاسخ می‌فرماید: عمل محاسب و ستاره‌شناس شامل هر سه مسئله می‌شود.^۳

شمس الدین خطیب شربینی^۴ در توضیح و شرح این مطلب «منهاج الطالبین» که: «روزه‌ی رمضان با کامل کردن سی روز شعبان و یا رؤیت هلال ثابت می‌شود»، اعلام می‌دارد: این گفته‌های مصنف (نووی) نشان‌دهنده‌ی آن است: به استناد قول منجم نه روزه واجب می‌شود و نه جایز است. روزه گرفته شود. و منظور از اهتدا در آیه‌ی ﴿وَبِالْأَنجُمُ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾^۵، راه‌یابی و اهتدا به سوی ادله‌ی قبله در سفر است. اما حقیقت امر این است که به دلیل ظاهر آیه، هم چون نماز، منجم می‌تواند به حساب (محاسبه نجومی) خود عمل کند. و نووی در «المجموع» این نظر را تصحیح کرده؛ منتهی ایشان گفته‌اند: چنین روزه‌ای رفع تکلیف نمی‌کند. اما در «الکفایه» می‌گوید: اگر اعتماد به محاسبه جایز باشد، تکلیف را ساقط می‌کند. و ایشان این رأی را از علمای پیرو شافعی نقل کرده‌اند؛ و به تبعیت از امام سُبکی، زرکشی^۶ هم، آن را ترجیح داده است. و امام نووی هم، در «روضة الطالبین» در اثنا‌ی مبحث بعدی که «شرط نیت، جزمیت است»، به آن تصریح نموده است. - بعد از این توضیح، خطیب شربینی در این باره خلاصه‌ی نظر خود را اعلام کرده و گفته: همین رأی (عمل به قول منجم) معتمد و معتبر است.^۷

شهاب الدین قلیوبی^۸ به نقل از شمس الدین رَمَلی و پدر ایشان **شهاب الدین رملی**، و علی بن یحیی زبیدی، در شرح این مطلب

۱ - حاشیه‌ی احمد بن قاسم عبّادی بر «تحفة المحتاج» ج ۴ ص ۴۹۳ و ۴۹۴.

۲ - ابوضیاء نورالدین علی بن علی شَهر اَمَلْسَی (۹۹۷ - ۱۰۸۷ هـ ق) فقیه و اصولی و مورخ. در شَهر اَمَلْس (دهکده‌ای در غربیه‌ی مصر) متولد شد. در کودکی بر اثر بیماری آبله، چشمانش را از دست داد. تحصیلاتش را در دارالآزهر مصر به پایان رسانید. و بعداً به عنوان رئیس آن دانشگاه انتخاب شد. برخی از آثارش عبارت است از: حاشیه‌ای بر «شرح ابن قاسم عبّادی» بر ورقات امام الحرمین در اصول فقه، و حاشیه‌ای بر «شرح السّمائل» ابن حجر هیتمی، و حاشیه‌ای بر «المواهب اللّذّیة» قسطلانی در پنج مجلد، و حاشیه‌ای بر «نهاية المحتاج»، در فروع فقه شافعی..

۳ - حاشیه‌ی شَهر اَمَلْسَی بر نهاية المحتاج ج ۳، ص ۱۵۰ - ۱۵۱.

۴ - محمد بن محمد خطیب شربینی قاهری (وفات ۷۹۷ هـ ق) فقیهی صالح و دانشمندی توانا. برخی از اساتیدش عبارت بودند از: شهاب الدّین احمد یَوسَی مشهور به عَمیر، شهاب الدّین رملی، ناصرالدّین طبلاوی، محمد بن عبدالرحمن نشکی کُردی. شربینی خصلت‌های بزرگی چون علم و عمل و صلاح و تقوی و زهد و کثرت عبادت و بذل و ایثار و مقدّم داشتن حقوق دیگران بر حقوق خود و علاقه به گمنامی را در خود جمع کرده بود. دو شرح بزرگ بر کتاب‌های «منهاج» و «تنبیّه» نوشته و نیز بر کتاب «الغایه» شرح مفصّل و مهمّی نگاشته است.

۵ - و به وسیله‌ی ستاره‌ها راه را می‌یابند. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۶.

۶ - بدرالدّین ابو عبدالله محمّد بن بهادر مصری مشهور به زرکشی (۷۴۵ - ۷۹۴): فقیه اصولی و ادیب برجسته؛ در خدمت شخصیت‌های علمی بزرگی مانند جمال الدّین اِسنوی (اشنویه‌ای) و سراج الدّین بلقینی و شهاب الدّین اَزرعی و... علوم متداول را فراگرفت. برخی از آثارش عبارت اند از: «تکملة شرح المنهاج للإنسوی»، و «خادم الشرح و الروضة» و «النکته علی البخاری» و «البحر» در زمینه‌ی علم اصول، و «شرح جمع الجوامع» سُبکی، و «البرهان فی علوم القرآن». در مصر دار فانی را وداع گفت.

۷ - مغنی المحتاج، ج ۲، ص ۱۴۱، از مجموعه‌ی ۶ جلدی چاپ دارالکتب العلمیّة.

۸ - ابو العباس احمد بن احمد بن سلامه مصری شافعی ملقّب به شهاب الدّین از بزرگان علمای شافعی قرن یازدهم هجری است. وی در طب نیز دست داشته است.

«رؤیت هلال بر اساس شهادت یک فرد عادل به ثبوت می‌رسد» اظهار می‌دارد: قیاس بر این، هر وسیله‌ی دیگری که مفید ظنّ باشد چه در زمینه‌ی روزه و چه در زمینه‌ی افطار دارای اعتبار شرعی است؛ مانند اعلام خبر از جانب شخص غیر عادل (هر چند به نقل از فردی عادل و اعلام‌کننده‌ی خبر، کودک و یا فاسق باشد)، نسبت به کسی که شخص اعلام‌کننده را تصدیق می‌کند و یا نزد او معتبر است. و مانند حساب منجم نسبت به خود یا نسبت به کسی که او را تصدیق کند. حتی علامه شیخ احمد بن قاسم عبادی می‌گوید: هر گاه حساب قطعی بر عدم رؤیت دلالت کند، اقرار شخص عادل، به رؤیت هلال، پذیرفتنی نیست و مردود است.

سپس شهاب الدین قلیوبی چنین اظهار نظر می‌کند: مطلبی که بدان اشاره شد، بسیار واضح و آشکار است؛ و باین وصف، روزه جایز نیست؛ و مخالفت با این مطلب عناد و ستیز تلقی می‌گردد.^۱

محمد زهری غمراوی در توضیح و تبیین این بخش از عبارت متن: (رؤیت به وسیله‌ی یک شخص عادل ثابت می‌شود) اظهار نظر می‌کند و می‌گوید: این کار موجب ظنّ است. و مواردی دیگر مانند: خبر شخص فاسق که راستگویی‌اش به ثبوت رسیده باشد، و محاسبه‌ی اخترشناس برای خود و برای کسی که او را باور کند نیز چنین است. پس هر کدام از این‌ها مجوز است برای روزه و شکستن آن.^۲

عبدالرحمن جزیری^۳ هم، می‌گوید: نزد شافعیان، نظر منجم - راجع به ثبوت هلال - هم برای خود و، هم برای کسی که او را تصدیق و تأیید کند معتبر است؛ اما بنا به قول راجح، بر عامه‌ی مردم بر اساس نظر منجم روزه واجب نمی‌شود.^۴

ابن دقیق العید (وفات ۷۰۲ هـ ق) در شرح و توضیح این روایت ابن عمر: «صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَفْطَرُوا لِرُؤْيَيْهِ...» می‌گوید: این روایت دلیل بر آن است: تکیه بر محاسبه‌ی منجمان در حکم روزه و افطار صحیح نیست. و برخی از پیشینیان عمل به آن را جایز دانسته‌اند. و برخی از علمای مالکی مذهب مقیم بغداد هم به آن تمایل پیدا کرده‌اند. و نیز جمعی از بزرگان شافعی نسبت به خود منجم و حساب‌گر آن را پسندیده‌اند.^۵

عبدالرحمن مشهور حضرمی^۶ می‌گوید: به خاطر آثار مثبتی که بر ستاره‌شناسی مترتب می‌شود مانند تشخیص جهت قبله و مسائل متعلق به هلال، مثل روزه، و نیز به دلیل جهل و سهل‌انگاری و جسارتی که از جانب حکام صورت می‌گیرد - زیرا آنان شهادت و گواهی کسانی را می‌پذیرند که شهادتشان هیچ گاه قابل قبول نیست -، آموزش علم نجوم به ویژه در این عصر، واجب و آشنایی به آن امری الزامی است.^۷

محدث و فقیه بزرگ «عینی»^۸ از علمای پیرو امام ابوحنیفه - رحمهم الله - از برخی از بزرگ فقیهان حنفی نقل قول کرده که:

دارای شرحها و حواشی و رسایل بسیاری است از جمله: «تذکره القلیوبی» در طب «نوادیر القلیوبی» «الهدایة من الضلالة فی معرفة الوقت والقبلة من غیر آلة» «فضائل مکه و المدينة و بیت المقدس و شیء من تأریخها». وی در سال ۱۰۶۹ هـ ق وفات یافت.

۱ - «حاشیتان قلیوبی و عمیره» بر شرح جلال الدین محلی از «منهاج الطالبین» امام نووی ج ۲ ص ۶۳.

۲ - سراج الوهّاج شرح منهاج الطالبین نووی، ص ۱۳۵.

۳ - عبدالرحمن جزیری (۱۲۹۹ - ۱۳۶۰ هـ ق): فقیه و دانشمند مصری؛ برخی از تألیفاتش عبارتند از «الفقه علی مذاهب الأربعة»، و «توضیح العقاید»، و «الأخلاق الدینیة و الحکم الشرعیة»، و «أدلة الیقین فی الردّ علی بعض المبسّطین».

۴ - الفقه علی مذاهب الأربعة: ص ۳۱۱، چاپ دار ابن حزم.

۵ - أحكام القرآن شرح عمدة الأحکام، ص ۲۰۵ - ۲۰۶، چاپ دار الکتب العلمیة.

۶ - عبدالرحمن بن محمد بن حسین بن عمر علامه و مفتی بزرگوار (۱۲۵۰ - ۱۳۲۰ هـ ق) مؤلف کتاب «بغیة المسترشدين» در این کتاب، فتاوی پنج تن از شخصیت‌های صاحب‌نظر را به اختصار در آورده؛ اضافه بر آن، مطالب ارزشمند دیگری را هم ضمیمه‌ی آن نموده است.

۷ - بغیة المسترشدين، ص ۳۰۰.

۸ - ابو محمد بدرالدین محمود بن احمد - ۷۶۲ - ۸۵۵ هـ ق زادگاهش عینتاب و محلّ وفاتش مصر بود. علاوه بر زبان عربی به برخی زبان‌های دیگر هم، آشنایی

اعتماد و تکیه بر گفته‌ی منجمان و اخترشناسان هیچ اشکالی ندارد.^۱

لازم به ذکر است ابن عابدین هم، در «رسائل» ۱/۲۴۴ به این مطلب اشاره فرموده است.

و قشیری می‌گوید: هر گاه حساب و شمارش (محاسبه‌ی نجومی) نشان دهد: هلال از افق ظاهر شده به شکلی که اگر مانعی مانند ابر و... نباشد دیده می‌شود، این حالت مقتضی وجوب روزه است؛ زیرا سبب شرعی وجوب روزه تحقق پیدا کرده؛ و نیز رؤیت حقیقی در وجوب روزه شرط نیست؛ و به اتفاق همه، اگر شخصی زندانی در یک زیر زمین، به وسیله‌ی کامل کردن تعداد روزهای شعبان و یا از طریق اجتهاد تشخیص داد که فلان روز از رمضان است روزه بر او واجب می‌شود.^۲

زرقانی^۳ در شرح و توضیح جمله‌ی «فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكَ فَقُدِّرُوا لَهُ»... در آن روایت مشهور، بعد از بیان تأویلاتی از آن، چنین اظهار می‌دارد که ابن سریج گفته: مفهوم این عبارت «فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكَ فَقُدِّرُوا لَهُ» این است: ماه را طبق منازلش، محاسبه و اندازه‌گیری کنید. و ابن قتیبه^۴ از مُحدثین و مُطَرِّف بن عبدالله از تابعین نیز چنین گفته‌اند. و ابن خُوَیْزَمَنْدَاد این نظر را هم، از شافعی نقل کرده است؛ اما نقل مشهور از ایشان آن است که: رأیش همانند رأی جمهور است. و باجی نیز، این تفسیر را از داودی نقل نموده است.

زرقانی در ادامه از ابن صلاح شهرزوری چنین نقل می‌کند: تشخیص منازل ماه، شناسایی حرکت هلال است ولی آگاهی از محاسبات نجومی، مسئله‌ی پیچیده‌ای است که فقط اندک افرادی به آن آشنا هستند؛ و شناسایی منازل ماه امری است حسی که برای ناظر و مراقب احوال ستارگان، قابل درک است؛ و مقصود ابن سریج نیز همین است؛ و او عمل به آن را برای شخص آشنا به این محاسبات جایز دانسته. و رویانی از ابن سُرَیج نقل نموده که او قایل به وجوب روزه نیست بلکه فقط آن را جایز می‌داند. و مازنی می‌گوید: کسانی که قایل به جواز عمل به گفته‌ی منجمانند به آیه‌ی ﴿وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَؤُلَاءَ فَسَيَمُنُّوْا بِمَا هُمْ قَائِلُونَ﴾^۵ استناد می‌کنند.^۶

ابوداود سلیمان بن عمر عجمی، صاحب «حاشیة الجمل علی شرح المنهج»، می‌گوید: تکیه بر نظر منجم (کسی که بلورش این است: اوّل ماه، طلوع و ظهور فلان ستاره است) و حاسب (کسی که بر منازل ماه و اندازه‌گیری حرکت آن تکیه دارد) و اعتماد به آن، جایز نیست. آری، بنا بر رأی معتبر، آنان می‌توانند به محاسبه‌ی خود عمل کنند و به جای روزه‌ی واجبشان کفایت می‌کند. و تعبیر به جواز، از جانب بعضی، منافی این مطلب نیست؛ زیرا منظور از جواز بعد از ممنوعیت، وجوب است. و روزه بر غیر آنان (منجم و حاسب) در صورتی که مورد تصدیق واقع شوند نیز واجب است. و اعتماد به رسم‌های جاری در جامعه مانند نگهداشتن

داشت. بخشی از آثارش عبارتند از «شرح بخاری»، در بیش‌تر از بیست ج و «شرح هدایه»، و «شرح الکلم الطیب» ابن تیمیه، و «مختصر الفتاوی الظهیریة» و «شرح شواهد الفیه ابن مالک» سرانجام در ذی الحجه‌ی سال ۸۵۵ هـ ق در قاهره به سرای باقی شتافت.

۱- «عمدة القاری شرح صحیح بخاری».

۲- «عمدة القاری شرح صحیح بخاری» ج ۱۰ / ۹۲۷۲

۳- محمد بن عبدالباقی ازهری مالکی (۱۰۵۵ - ۱۱۲۲ هـ ق).

۴- ابومحمد عبدالله بن عبدالمجید دینوری (۲۱۳ - ۲۷۶ هـ ق) مفسر، و ادیب توانا، و فقیه متدین، و مؤرخ برجسته. در واژه‌شناسی و ادبیات عرب دارای مهارت فوق‌العاده‌ای بود. در بغداد متوکّد شد و در کوفه ساکن گردید. مدّتی قاضی دینور بود. مشهورترین استادانش اسحاق بن راهویه، ابوحاتم سجستانی، ادیب معتزلی یعنی: ابو عثمان جاحظ، و محمد بن سلام جمحی، بودند. از ابن راهویه و ابو حاتم سجستانی روایت نموده است. گروهی از شاگردانش عبارت بودند از: ابن درستویه فسوی، و ابراهیم بن محمد صائغ، و احمد بن حسین دینوری. تعدادی از مصنفات مشهورش عبارت است از: «عیون الأخبار»، «أدب الکاتب»، و «الإمامة والسیاسة» (که نسخه‌ای از آن در کتاب‌خانه‌های لندن و پاریس موجود است)، «مشکل القرآن»، و «مشکل الحدیث».

۵- سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۶.

۶- «شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک» ج ۲، ص ۲۰۶ - ۲۰۷ چاپ دارالکتب العلمیة.

چراغ‌ها و شمع‌دان‌ها در اولین شب رمضان و اولین شب شوال در منابر - و اقدام به روزه و برپایی عید - نیز جایز است؛ زیرا ملاک در این جا، دستیابی به باور جزمی و قطعی است - که حاصل شده است.^۱

در این جا یادآوری این مطلب هم لازم است: بعضی از فقها بر این باورند: استفاده از تجارب گذشته و اعتماد به آن، در اثبات شروع ماه رمضان و شوال، به جای مشاهده‌ی هلال و یا اكمال شعبان کفایت می‌کند؛ برای نمونه، بُجیرمی^۲ در این باره چنین اظهار می‌دارد: سرورم علی مصری در فتاوايش گفته: هیچ گاه ماه، در آخر، بیش‌تر از دو شب پنهان نمی‌شود؛ و اگر ماه قمری، کامل باشد مدت زمان پنهان شدنش، دو شب است و اگر ناقص باشد یک شب است. و منظور از استتار ماه آن است که در شب، ظاهر نشود و ظهورش بعد از طلوع فجر باشد. و در عبارت بعضی آمده: هر زمان ماه دو شب متوالی در حالی که آسمان صاف است پنهان شود، بی تردید شب سوم اول ماه است. فهم این مطلب برای هر مسلمانی لازم است؛ زیرا کسی که این را به خوبی درک کند دیگر نیازی نیست تا در مورد رؤیت هلال تحقیق نماید و روزه‌ی هیچ روزی را - اگر ماه کامل باشد - از دست نخواهد داد. و حدیث «صُومُوا لِرُؤْيِيهِ الْخ»^۳، مربوط به کسی است که این مطلب را درک نکند و به آن آشنا نباشد. و اگر مردم عظمت قدر و منزلت رمضان نزد خداوند و پیامبران و ملائکه را درک می‌کردند، به طور قطع، احتیاط به خرج می‌دادند و قبل از حلول این ماه، روزه‌ی آن را شروع می‌کردند، تا حتی یک روزش را از دست ندهند.^۴

شیخ محمد رشید رضا^۴، راجع به تعیین و مشخص کردن اوقات نماز و روزه و حج و عیدین در مناطق مختلف جهان و عمل به محاسبات قطعی می‌گوید: اثبات آغاز ماه رمضان و ماه شوال مانند اثبات اوقات نمازهای پنج‌گانه است که شارع همه‌ی آن‌ها را به امری منوط کرده که پی بردن به آن، هم برای شهرنشینان و هم برای بادیه‌نشینان سهل و آسان است... و مقصود شارع از این کار، کسب علم و آگاهی نسبت به این اوقات است و نه تعبد به رؤیت هلال، و یا مشاهده‌ی جدا شدن سپیدی بامداد از سیاهی شب، و

۱ - حاشیه الجمل علی شرح المنهج ج ۲، ص ۳۰۵.

۲ - سلیمان بن محمد مصری مشهور به بُجیرمی (۱۱۳۱ - ۱۲۲۱ ه. ق.)

۳ - حاشیه البُجیرمی علی «شرح المنهج» ج ۲، ص ۶۱.

۴ - محمد رشید بن علی رضا (۱۲۸۲ - ۱۳۵۴ ه. ق.): متفکر اسلامی و از پیشروان اصلاحات و نویسنده و ادیب و لغت‌شناس، در روستای قلمون لبنان متولد شد ایشان بعد از گرفتن توشه‌ی لازم از علم و مجاهده با نفس و پاک‌سازی درون از ناخالصی‌ها و حب دنیا، در روستای کوچک خود دعوت اصلاحی را شروع کرد و از هیچ فرصتی برای دعوت دینی دریغ ننمود. رشید رضا همانند استادش شیخ محمد عبده از سیاست و کار سیاسی کناره‌گرفته و روی‌گردان شده بود و تنها راه چاره را تربیت و تعلیم و آگاهی دادن به مسلمانان و نقل افکار صحیح و مبارزه با جهل و خرافات و بدعت می‌دید. گرچه رشید رضا تلاش بسیار کرد که با جمال‌الدین افغانی ملاقات و رابطه برقرار کند، اما چون جمال‌الدین در «آستانه‌ی ترکیه» تحت مراقبت حکومت عثمانی و خانه نشین بود شرایط و ظروف اجازه نداد این کار صورت پذیرد و رابطه اش با او فقط در حد مکاتبه ماند.

او یکی از تلاش‌گران در عرصه‌ی تفرق‌زدایی و رفع اختلاف در میان مسلمانان بود؛ و در این باره پیشنهاد کرد: کتابی شامل تمام مسائل مورد اتفاق همه‌ی فرق اسلامی در زمینه‌ی عقاید و اخلاق و اعمال نیک و پسندیده تهیه، و از موارد خلافي با فرقه‌های دیگر اجتناب گردد. بعداً برای هر کشوری نسخه‌ی از آن ارسال و مردم تشویق و ترغیب شوند تا آن را مورد بررسی و مطالعه و مبنای عمل خود قرار دهند. در کنار این پیشنهاد، درخواست دیگری را مطرح کرد که: کتابی جهت یکی کردن احکام فقهی بر اساس اصول و مبانی مورد اتفاق در تمامی مذاهب اسلامی و هماهنگ با اقتضائات عصر حاضر تهیه، و سپس این نوشته‌ها بر دانشمندان اسلامی عرضه گردد تا همگی بر آن‌ها اتفاق حاصل نمایند و در نشر و اجرای آن همکاری کنند. رشید رضا معتقد بود که اصلاح فقط از طریق تربیت و تعلیم امکان پذیر است. به همین خاطر ایشان از بزرگ‌ترین منادیان این روش بودند و با استادش شیخ محمد عبده در زمینه‌ی اهمیت این مطلب هم فکر و هم نظر بود؛ زوایه نظر آنان سعادتمندی اسلامی در گرو رفتار و اعمال او است و کار و عمل پسندیده هم منوط به انتشار علوم و معارف در میان آنان است. مهم‌ترین تألیفات رشیدرضا «تفسیر المنار» (این کتاب ادامه‌ی تکمیل تفسیر شیخ محمد عبده است که به آیه‌ی ۱۲۵ سوره نساء رسیده بود و رشید رضا تا سوره‌ی یوسف آن را ادامه داد و مرگ نایب هنگام، مجال را از او گرفت که آن را تکمیل کند)، «مجلة المنار»، «الوحي المحمدي»، «يسر الإسلام و أصول التشريع العام»، «الخلافة»، «الوهابيون والحجاز»، «محاورات المصلح والمقلد»، «ذكرى المولد النبوي»، «السنة والشيعة»، «حقيقة الربا»

گذشتن خورشید از وسط آسمان در وقت ظهر، و مساوی شدن سایه‌ی اشیاء با خود آن‌ها در وقت عصر، و رؤیت غروب خورشید و ناپدید شدن سرخی افق در مغرب و عشا. هدف شارع از این اوقات فقط کسب علم و آگاهی نسبت به آن‌ها است. و چون اَمّت در زمان رسول خدا بی‌سواد بود، آن حضرت اثبات ماه را به رؤیت هلال و یا کامل کردن شعبان منوط کرده است. در حالی که بخشی از اهداف و مقاصد رسالت پیامبر ﷺ، خارج کردن اَمّت از بی‌سوادی است نه رها کردن و باقی گذاشتن در آن ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾.^۱ دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سوره‌ی بقره^۲ ناظر به همین معنی است. پس با توجه به این آیه، امر به سواد آموزی و فراگیری حکمت با بی‌سوادی ماندن اَمّت مغایرت دارد. هماهنگی اَمّت در حد امکان در عبادت هم - چه وسیله باشد و چه مقصود اصلی - یکی دیگر از اهداف شارع است... ایشان در ادامه می‌فرمایند: اگر تصوّر شود رسیدن به علم قطعی نسبت به وجود هلال و امکان رؤیت آن، مختصّ ستاره‌شناس محاسب است، و فقها در این مسئله - چنان که قبلاً یادآوری شد - نظر واحدی ندارند و علم آنان هم، به نسبت دیگران حجت نیست؛ در جواب باید بگوییم: دلیل آنان که عمل به محاسبات نجومی را جایز نمی‌شمارند، ظنی و تخمینی بودن آن است؛ که نه موجب علم است و نه موجب ظنّ (چنان که از شرح بخاری حافظ ابن حجر عسقلانی هم اکنون نقل شد)؛ اما محاسبات نجومی عصر ما، مفید علم قطعی است. که پیش‌تر به آن اشاره گردید...

بعد اضافه می‌کند: زیرا اعلام آغاز رمضان بر اساس اِکمال شعبان علی‌رغم عدم رؤیت هلال در شب سی‌ام در حالی که آسمان صاف و بدون ابر و گرد و غبار باشد، مخالف احادیث صحیح است. و هم چنین حکم به ثبوت رؤیت هلال از طریق شهادت یک فرد، از جهت اشکال وارد شده، مانند ثبوت هلال از طریق کامل کردن شعبان است. چون شهادت یک فرد گرچه عادل هم باشد، به دلیل در معرض وهم و خطا قرار گرفتن، مفید ظنّ است؛ که به وفور خطا در آن صورت گرفته است؛ تا جایی که بعد از کسوف خورشید، برخی شهادت داده‌اند ماه را رؤیت کرده‌اند.^۳

علامه شیخ احمد محمد شاکر^۴ می‌گوید: استاد بزرگ شیخ محمد مصطفی المراغی (۱۲۹۸ - ۱۳۶۲ ه. ق) رئیس وقت دانشگاه الأزهر مصر، وقتی ریاست دادگاه عالی مصر را به عهده داشت، نظرش در این باره، عیناً همانند نظر شیخ سُبکی بود که علم حساب را بر گواهی شهود ترجیح می‌داد. و شهادت آنان بر رؤیت هلال را، - در صورتی که محاسبات نجومی حاکی از عدم امکان رؤیت بود - رد می‌کرد. من و عدّه‌ای از دوستان، مخالف نظریه‌ی استاد مراغی - رحمه الله - بودیم؛ ولی اکنون به صراحت می‌گوییم: نظر ایشان صحیح و مُصیب است. و این مطلب را هم اضافه کنم: پذیرفتن اثبات هلال با محاسبات، در هر شرایطی واجب است؛ مگر برای آنان که در زمینه‌ی علم حساب ناتوان و ناآگاه باشند.

و در جایی دیگر می‌فرمایند: اعتبار بخشیدن به رؤیت بصری و نه حساب نظری، شایسته و عین صواب است، اما منحصر کردن اعتبار در رؤیت تنها، خطا است؛ زیرا اعتماد به رؤیت، دارای علّتی است که در متن حدیث «إِنَّا أُمَّةٌ أُمِّيَّةٌ لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسُبُ...» به

۱ - سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲.

۲ - «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۹.

۳ - تفسیر «المنار» ج ۲، ص ۱۸۵ الی ۱۸۸

۴ - ملقب به شمس الأئمة، فقیه و محقق و ادیب بزرگ و از پیشوایان علم حدیث در عصر جدید - ۱۳۰۹ - ۱۳۷۷ ه. ق - سرپرستی علمای حدیث را عهده دار شد برخی از اساتیدش عبارت بودند از: سید عبدالله بن ادریس سنوسی، شیخ طاهر جزایری، محمد رشید رضا (صاحب تفسیر المنار)، شیخ شاکر عراقی، و شیخ سلیم بشری. علاوه بر بجا گذاشتن آثار فراوانی از شرح و تحقیق و به اختصار درآوردن تألیفات دیگران و حاشیه نویسی و تعلیق بر بخشی از آن‌ها در زمینه‌های تفسیر و حدیث، و فقه، و اصول، و ادبیات، و لغت، و سیره و تاریخ، و اصول عقاید و منطق که به چهل اثر می‌رسد، خود نیز به تألیف آثاری مستقل همت گماشت؛ از جمله: «الکتاب والسنة» و «أوائل الشهور العربیة هل يجوز شرعاً إثباتها بالعلوم الفلکی»، و «نظام الطلاق فی الإسلام».

آن اشاره شده است (محرومیت امت اسلامی از سواد خواندن و نوشتن و محاسبات فلکی در آن عصر). و بدیهی است: معلول از لحاظ وجود و عدم، تابع علت است «الحکم یدور مع علته وجوداً و عدماً». پس هر گاه امت، باسواد شود و نوشتن و حساب را بیاموزد یعنی: در جامعه‌ی اسلامی افرادی آگاه و صاحب نظر در این علوم پیدا شوند، و برای عام و خاص مردم، امکان تعیین قطعی اول ماه از طریق این علوم (هیئت و ستاره‌شناسی)، میسر و فراهم شود، و برای این روش بتوان همان اعتماد و وثوق به رؤیت بصری - و بلکه قوی‌تر از آن - را قایل شد، در این صورت - به دلیل از بین رفتن علت - بر امت اسلامی واجب می‌شود: به امر مسلم و یقینی (اثبات شروع ماه فقط با استفاده از محاسبات فلکی) مراجعه کنند؛ و از ارجاع به رؤیت بصری پرهیزند؛ مگر زمانی که برای آنان علم به نجوم مقدور و میسر نباشد؛ مانند مردمان بادیه‌نشین و یا ساکنان روستاهای دورافتاده‌ای که اخبار صحیح دانشمندان اخترشناس به آنان نمی‌رسد.^۱

ناگفته نماند: استاد احمد شاکر بیش از نیم قرن پیش (ذوالحجه ۱۳۷۵ ه. ق) به این مطلب اشاره کرده است، که در آن زمان، علم نجوم به اندازه‌ی کافی پیشرفت نکرده بود، ولی اکنون بشر توانایی لازم نه فقط در محدوده‌ی محاسبات ستاره‌شناسی بلکه جهت ساخت و نصب ایستگاه‌های فضایی و حتی صعود و قدم گذاشتن روی برخی کرات از جمله کره‌ی ماه را پیدا کرده است. استاد شهید سید قطب در تفسیر آیه‌ی ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾^۲ می‌گوید: یعنی: هر فردی از شما در این ماه حضور یابد و مسافر نباشد و یا هلال ماه را رؤیت کند - باید روزه بدارد - و هر کسی با هر وسیله‌ی دیگری در مشاهده‌ی هلال به یقین برسد در وجوب روزه‌ی رمضان، مانند کسی است که ماه را رؤیت کرده است.^۳

دکتر احمد شرباصی^۴ بعد از توضیحاتی در پاسخ این سؤال: «آیا استفاده از روش محاسبه‌ی نجومی و عدم توجه به رؤیت هلال برای اثبات شروع رمضان و اعیاد جایز است؟» می‌گوید: با توجه به شمول فرموده‌ی رسول خدا («صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَقِطُوا لِرُؤْيَيْهِ...») نظر جمهور فقها نیز، این است که هر گاه رؤیت هلال در یکی از کشورهای اسلامی به اثبات برسد باید تمام مسلمانان در همه‌ی مناطق روزه بگیرند؛ زیرا این فرموده، خطاب به عامه‌ی مسلمانان در مناطق مختلف است؛ اما کسانی می‌گویند: هر کشوری مکلف است فقط از رؤیت خود تبعیت کند. و برخی از متأخران در میان کارشناسان فقه و تفسیر بر این باورند: عمل به محاسبه‌ی نجومی در مشخص کردن اوقات روزه و اعیاد، امری مطلوب و پسندیده است. آنان در توجیه رأی خود می‌گویند: اثبات آغاز رمضان و آغاز شوال مانند اوقات نماز است که دانشمندان و - عامه‌ی - مسلمانان، از لحاظ فهم و عمل پذیرفته‌اند که بر محاسبات کارشناسان علم نجوم، در نمازهای پنج‌گانه به طور روزمره تکیه کنیم. و یکی از اهداف شریعت، اتحاد ممکن و مقدور امت در عبادات است...

برای ما دو راه مطرح است:

۱- با توجه به ظواهر نصوص، باید در تمام عبادت‌ها برای تعیین اوقات، بر اساس رؤیت عمل کنیم، در این صورت با مشکلات فراوانی رو به رو می‌شویم؛ زیرا دیگر هیچ مؤذنی حق ندارد اذان صبح بگوید تا با چشم خود روشنی فجر صادق را که در افق ظاهر گشته نبیند؛ و هم چنین نباید به گفتن اذان ظهر اقدام کند تا زوال خورشید از خط نصف‌النهار را با چشم خود نبیند. و نیز نباید، اذان

۱- رساله‌ی «أوائل الشهور العربية» ج ۲

۲- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۵.

۳- تفسیر «فی ظلال القرآن» ج ۱، ص ۱۷۲، از مجموعه‌ی ۶ جلدی.

۴- در سال ۱۳۳۶ ه. ق شیخ احمد شرباصی یکی از مشهورترین علمای مصری دیده به جهان گشود. وی آثار بسیاری از خود به جای گذاشته است که در حال حاضر منبع درسی بسیاری از دانشجویان می‌باشد.

مغرب بگوید، تا غروب را مشاهده نکند.

۲- و یا به محاسبات قطعی - که به مقاصد و اهداف شارع یعنی فراهم شدن علم قطعی و رفع اختلاف نزدیک‌تر است - عمل کنیم؛ در این صورت می‌توانیم تقویمی کلی را تهیه نماییم که در آن، زمان رؤیت هلال هر ماهی در هر کشوری در صورت نبود مانع، نشان داده شود و در جهان توزیع گردد. و اگر رؤیت بصری هم به آن اضافه شود مزید بر تأکید است. ولی این همه اختلاف و بی‌توجهی به نصوص و عمل نکردن به آنها در همه‌ی اوقات عبادت‌ها و تکیه بر محاسبه‌ی نجومی جز در مسئله‌ی هلال، هیچ توجیه و دلیل قانع‌کننده‌ای ندارد.

بعد از این توضیح، دکتر شرباصی در زمینه‌ی عدم جواز ترجیح شهادت بر محاسبه‌ی قطعی، نقل قولی از تقی‌الدین سُبکی به عمل آورده که در مطالب خود سُبکی به آن اشاره شد و نیازی به تکرار نیست. سپس می‌گوید: در میان مردم، بسیاری هستند که در رؤیت هلال دچار توهم و اشتباه می‌شوند؛ برای نمونه در روایتی نقل شده: انس بن مالک، باجمعی از مردم جهت رؤیت هلال در جایی حاضر می‌شود، و یکی از حاضران ایاس بن معاویه بوده. در این میان، انس ادعا می‌کند: ماه را رؤیت کرده است، و جز او - که پیر و مسن بوده - کسی دیگر چنین ادعایی نداشت؛ و اشاره به نقطه‌ای می‌کند که ماه را در آن نقطه دیده است، همه‌ی حاضران به آن نقطه خیره می‌شوند اما کسی چیزی را نمی‌بیند، علی‌رغم این که در میان جمع، کسانی بودند که قدرت دیدشان به مراتب بیشتر از قدرت دید انس بود، در این وضعیت، ایاس که شخصی زیرک و با فراست بود نگاهش را متوجه چشمان انس می‌کند و می‌بیند تار مویی از ابرویش روی یکی از چشم‌هایش قرار گرفته؛ ایاس دستی به ابروی انس می‌کشد و آن را مرتب می‌کند و بعد می‌گوید: اکنون ماه را به من نشان ده و انس در پاسخ می‌گوید: اکنون نمی‌بینم.

از لحاظ قلبی انسان دوست دارد هر دو روش را اجرا کند؛ هم رؤیت، به دلیل این که بعضی از فقها آن را فرض کفایه می‌دانند، و در صورت ترکش همگی گناه کار و خطا کار محسوب می‌شوند، و هم تکیه بر محاسبه‌ی قطعی و دقیق نجومی که در آن هیچ شک و شبهه‌ای نباشد. پس اگر با ظهور هلال، محاسبه، مورد تأکید واقع شود این نور علی نور است، اما اگر هلال را مشاهده نکردیم و محاسبه‌ی قطعی، پیدایش هلال را نشان می‌داده آن عمل می‌کنیم.

و لازم است علما و کارشناسان در باره‌ی این موضوع تحقیق نمایند تا بر یک طرح و نقشه، اتفاق نظر حاصل کنند و این مظهر ناپسند تفرقه و اختلاف در تعیین اوقات عبادت‌ها را از میان خود بردارند.^۱

شیخ مصطفی زرقا^۲ بعد از توضیحاتی مفصل راجع به حکم اثبات ظهور هلال بر مبنای محاسبات ستاره‌شناسی در عصر حاضر، گزیده‌ای از آن را، به شرح زیر بیان می‌کند و می‌گوید: از مجموع مطالب گذشته به این نتایج چهارگانه می‌رسیم:

اولاً: دقت نظر در مجموع روایت‌ها و احادیث صحیح وارد در این زمینه (اثبات رؤیت هلال رمضان و سؤال و...) و برقرار کردن ارتباط میان آنها، علت و سبب اساسی در دستور رسول خدا ﷺ را، - که مسلمانان در شروع و پایان دادن به ماه روزه باید بر رؤیت بصری تکیه نمایند روشن و بر ملا می‌سازد؛ و معلوم می‌شود که علت این امر، کم بهره بودن مسلمانان از سواد نوشتن و خواندن و

۱ - یسألونک فی الدین والحیاة: ج ۱ ص ۱۳۳ الی ۱۳۵ چاپ دار الجیل بیروت.

۲ - مصطفی احمد زرقا، یکی از برجسته‌ترین علمای فقه در عصر حاضر. در حلب سوریه دیده به جهان گشود (۱۳۲۲ - ۱۴۲۰) پدرش محمد زرقا مؤلف کتاب «شرح القواعد الفقهیه» از فقهای بزرگ مذهب احناف بود. در محضر احمد کردی، و عیسی بیانونی و محمد بدرالدین حسنی کسب علم کرد. برخی از شاگردانش عبارت‌اند از محدث بزرگ عبدالفتاح ابوغده، و ادیب و لغت‌شناس عبدالرحمن رأفت پاشا، و فقیه و اصولی محمد فوزی فیض الله و فقیه حنفی محمد ملاح. شیخ یوسف قرضاوی می‌گوید: علمای بزرگ شام چهار نفرند مصطفی سباعی و مصطفی زرقا و محمد مبارک و معروف دوالبی. برخی از تألیفاتش عبارتند از: «الاستصلاح والمصالح المرسله فی الفقه الاسلامی»، و «نظام التأمین و الرأی الشرعی فیه»، و «الفقه الاسلامی و مدارسه» - تهیه‌ی این کتاب بنا به توصیه‌ی سازمان یونسکو بوده و «عظمة محمد مجمع عظمت البشریة»، و «عقد الاستصناع و أثره فی نشاط بنوک الإسلامیة»، و دیوان شعر به نام «قوس وقزح».

آگاهی دقیق از ستاره‌شناسی و محاسبه‌ی ضابطه‌مند - به دلیل نوسان ماه در میان ۲۹ و ۳۰ روز - بوده و نمی‌توانسته‌اند از آن طریق، ابتدا و انتهای هر ماه را مشخص کنند. بنابراین در صورتی که بشر بتواند به علم کافی نسبت به نظام ستارگان - که خداوند بزرگ آن را به طرزی بنیان نهاده که نه تخلف‌پذیر است و نه اختلاف‌بردار - دست یابد، و این شاخه از علوم به درجه‌ای از رشد و کمال برسد که به آسانی بتوان، زمان پیدایش هلال و در نتیجه شروع هر ماه را اعلام کرد، هیچ منع شرعی در تکیه بر این محاسبات وجود ندارد. به این ترتیب مسلمانان از مشکل اثبات هلال و از نابسامانی و آشفتگی ناپسند و غافل‌کننده‌ای که به آن دچار گشته‌اند - تا جایی که گاهی تفاوت و اختلاف در اثبات هلال ماه رمضان در میانشان به سه روز می‌رسد - رهایی می‌یابند.

ثانیاً: استدلال بعضی از فقهای گذشته که اعتماد به محاسبات نجومی در مشخص کردن آغاز و پایان ماه قمری روزه و افطار را جایز نمی‌شمردند، این بوده که این نوع محاسبات و بگفته‌ی آنان حرکت شناسی ستارگان (حساب تسیر) مبتنی بر قانون میانگین‌گیری (قانون تعدیل) است؛ و آن هم، به نوبه‌ی خود چنان که آن را، پیشتر از علامه ابن حجر و ابن بطال و ابن بزیه و نووی و سندی و عینی و قسطلانی نقل کردیم، تکیه‌گاهش حدس و تخمین است. و همه‌ی آنان نظر و رأی خود را بر اساس این نوع محاسبه‌ی زمان خودشان - که هنوز دانش نجوم و اخترشناسی، خام، و به کمک ابزارهای قوی بر رصد دقیق ستارگان مبتنی نبوده - بنا نهاده‌اند؛ زیرا در آن زمانها رصدخانه‌های مجهز وجود نداشت؛ رصدخانه‌هایی که حرکات سیارات و ستارگان را پی‌گیری و بادقت اجزا ثانیه به ثبت می‌رسانند. و میان گردش آنها با این دقت مقایسه برقرار می‌نمایند. به همین دلیل در گذشته آن را علم حرکت شناسی ستارگان - که خود مبتنی بر قانون میانگین‌گیری یا قانون تعدیل بود - می‌نامیدند. و منجم، با این روش، حرکت ستارگان را زیر نظر می‌گرفت، تعدادی از میقات‌های گذشته را مورد ملاحظه قرار می‌داد و میانگینی از آنها را به دست می‌آورد و محاسبه‌ی خود را بر پایه‌ی آن بنا می‌نهاد. و بنا بر همین وضعیت بود که محاسبه‌شان، حالت حدس و تخمین پیدا می‌کرد؛ و فقهای نافی جواز تکیه بر محاسبه‌ی نجومی نیز، همین حدس و تخمینی بودن را علت نفی بیان کرده‌اند؛ اگرچه برخی از آنان مانند امام نووی برای مشخص کردن جهت قبله و اوقات نماز (نه روزه، در حالی که از نظر اسلام اهمیت و وجوب نماز بیش‌تر از روزه است) اعتماد به محاسبات نجومی را جایز شمرده‌اند. و قبلاً گفته‌ی ابن بطال را در مورد بی‌اشکال بودن مطالعه و تحقیق در زمینه‌ی علم حساب و نجوم در آن بخش که عیان و یا مشابه عیان است نقل کردیم. و دقیقاً این مطلب ابن بطال همان چیزی است که امروزه علم ستاره‌شناسی با این دقت و انضباط به آن دست یافته است.

ثالثاً: فقهای گذشته در عصر خود، با خطر اختلاط و آمیختگی و پیوند محکم میان طالع‌بینی و غیب‌گویی و سحر و جادو از یک طرف، و محاسبات نجومی و ستاره‌شناسی از طرف دیگر مواجه بودند. ظاهراً بسیاری از دانشمندان علم نجوم، خود را به امور باطل و بی‌ارزشی که شرع خدا به شدت از آن نهی کرده است، مشغول کرده بودند. بنابر این اگر به جواز اعتماد به محاسبات نجومی فتوا داده می‌شد، دو نتیجه‌ی زیان‌بار و باطل از آن به بار می‌آمد:

الف: ظنی و تخمینی بودن نتایج آن؛ زیرا مبتنی بر روش «تعدیل» بود؛ و معقول نیست چنین نتایجی جایگزین رؤیت بصری شود، هرچند رؤیت بصری در معرض اشتباه و عوارض مختلف قرار دارد.

ب: ترغیب مردم و جهت دادن آنان به سوی اعتماد و تکیه بر فال‌گیران و منجمانی که با دروغ و سخنان بیهوده و شعبده‌بازی‌های خود، خرد مردم را به تمسخر گرفته‌اند که البته دردسر و خطر و مضرات این یکی بیشتر است؛ و دلیل مخالفت و تهاجم شدید **شیخ الاسلام ابن تیمیه** (رحمه الله)، به کسانی، که در اثبات هلال به جای رؤیت با چشم، از محاسبه‌ی نجومی کمک می‌گرفتند، و آنان را از پیروی کنندگان مسیر و غیر راه مؤمنان به حساب آورده، همین مطلب دومی بوده است. زیرا ایشان به صراحت می‌گویند: حساب‌گران نجومی، همانند عرفان و فال‌گیران و ربط‌دهندگان رخدادهای زمینی و اقبال و سرنوشت مردم به حرکات ستارگانند؛ و

به همین دلیل، آنان را منجمان خوانده‌اند. و برای تأیید این مطلب خود، به روایتی از رسول خدا ﷺ استناد کرده‌اند: «مَنْ اقْتَبَسَ عِلْمًا مِنَ النُّجُومِ فَقَدْ اقْتَبَسَ شُعْبَةً مِنَ السَّحَرِ»^۱.

اما این کجا و آن کجا!! - هیچ گاه عقل نمی‌پذیرد رسول خدا ﷺ از فراگیری علم و دانشی منع فرموده باشد که عظمت نظام هستی و قدرت و حکمت خداوند و علم محیط او - در پایه‌گذاری هستی بر نظامی دقیق و اختلال ناپذیر - را نمایان می‌کند. و تازه می‌توانیم فراگیری علم نجوم در عصر حاضر را از موارد شمول آیه‌ی ﴿قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۲ بشماریم. بنابراین، برای روایت مذکور هیچ محملی وجود ندارد جز همان شعبه‌بازی‌ها و امور باطلی که منجمان میان آن‌ها و دانش اخترشناسی - که هنوز خام و ناپخته بوده و به این درجه از علم و اعتبار نرسیده بود - خلط ایجاد کرده بودند.

رابعاً: اما حالا در عصر ما، از مدت‌ها پیش، علم ستاره‌شناسی به معنی صحیح آن، از تنجیم و طالع‌شناسی به معنی عرفی‌اش، و از شعبه‌بازی و غیب‌گویی و طالع‌بینی از روی حرکت ستارگان، کاملاً جدا شده است. و اکنون علم ستاره‌شناسی در رصدخانه‌های جدید و بر پایه‌ی رصدگیری توسط تلسکوپ‌های بزرگ قرار دارد و می‌تواند از فاصله‌های دور و با مقیاس سال نوری، موقعیت ستارگان را رصد و با محاسبات دقیق و یقینی، حرکات آن‌ها را با احتساب یک صدم و حتی یک هزارم ثانیه، مشخص نماید و در فضای پیرامون زمین ایستگاه‌های تحقیقاتی ثابت برپا گردیده است، تا از فضاپیماهای در حال گردش پیرامون زمین، پشتیبانی کند. آیا پس از روشن شدن این واقعیت‌ها، معقول است کسی به خود اجازه دهد در صحت محاسبات یقینی آن، دچار شک و تردید شود و ستاره‌شناسی عصر حاضر را با ستاره‌شناسی زمان گذشته که خام و ظنی بوده مقایسه نماید؟!^۳

دکتر یوسف قرضاوی در ضمن پاسخ سؤالی در مورد اثبات ماه رمضان و شوال و حجّ از طریق محاسبات علم نجوم چنین اظهار می‌دارد: رؤیت هلال برای اثبات ماه، وسیله‌ای است متغیر نسبت به یک هدف ثابت. و قبلاً در کتاب خود به نام «کیف نتعامل مع السنّة» بیان نموده‌ام: یکی از شاخصه‌های اصلی در زمینه‌ی فهم سنّت نبوی، درک تفاوت میان هدف ثابت و وسیله‌ی متغیر است. چند مثال هم، برای آن، آورده‌ام؛ سپس گفته‌ام: از جمله مواردی که ممکن است مصداق این باب قرار گیرد، این حدیث صحیح مشهور است «صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ - أَيِ الْهَلَالِ - وَأَفْطَرُوا لِرُؤْيَيْهِ فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَقْدُرُوا لَهُ»، و در عبارت دیگری «فَانْغَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ».

در این جا فقیه می‌تواند بگوید: این حدیث شریف، به یک هدف اشاره دارد و برای آن، یک وسیله را هم، معین نموده است. هدف حدیث در این جا، واضح و روشن است و آن عبارت است از گرفتن روزه‌ی کامل ماه رمضان. تا حدّی که نباید حتی یک روز آن را ضایع گردانند، و یا یک روز از غیر ماه رمضان - مانند شعبان یا شوال - را بدان اضافه کنند. وسیله‌ی در نظر گرفته شده هم برای رسیدن به این هدف، عبارت بوده از اثبات دخول ماه و یا خروج از آن، به کمک تنها وسیله‌ی ممکن که در توان عموم مردم بوده و برای آنان هیچ گونه فشار و حرج دینی در بر نداشته است.

در عصر نبوّت، مشاهده و رؤیت هلال با چشم، تنها وسیله‌ی سهل و آسان و مقدوری بود که در اختیار عموم مردم قرار داشت. و به همین علّت، روایت وارد شده، به تعیین آن وسیله پرداخته است؛ زیرا اگر به کاربرد وسیله‌ی دیگری غیر از آن - مانند محاسبات نجومی - مکلف می‌شدند، در حالی که امت در آن عصر بی سواد بوده و از محاسبات اخترشناسی امروزی چندان اطلاعی نداشته

۱ - هرکس شاخه‌ای از علم نجوم را فراگیرد به منزله‌ی آن است شاخه‌ای از سحر و جادو را فراگرفته است.

۲ - سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۱۰۱.

۳ - فتاوی مصطفی الزرقا، ص ۱۶۶ - ۱۶۹.

است، در آن صورت، مسلمانان به امر سخت و دشواری مکلف می‌شدند که در توانشان نبود؛ در حالی که خدای متعال سهولت و آسانی را برای امت در نظر گرفته است نه سختی و دشواری را. پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي مُعَلِّمًا مُيسِّرًا وَلَمْ يَبْعَثْنِي مُعْتَنًّا»^۱

بنا بر این، هر گاه وسیله‌ی دیگری در زمینه‌ی دست‌یابی به هدف مورد نظر روایت، در اختیار ما قرار گیرد، که رساتر و از احتمال خطا و اشتباه در اثبات ورود ماه‌ها دورتر، و دستیابی به چنین وسیله‌ای هم آسان و هم در توان امت باشد، چگونه باید از آن رویگردان شد و به همان روش سنتی اکتفا کرد؟ خوشبختانه، اکنون دست‌یابی به چنین وسیله‌ای بسیار آسان است.

در عصری که دانشمندان و کارشناسان متخصص در رشته‌های اخترشناسی، زمین‌شناسی و فیزیولوژی در سطح جهانی پا به عرصه‌ی وجود نهاده‌اند، و علم و دانش بشری تا بدانجا رسیده که انسان توانسته است کره‌ی ماه را، به تسخیر خود درآورد و نمونه‌هایی از خاک، معادن و صخره‌های آن را مورد آزمایش قرار دهد، چگونه باید روی یک وسیله که آن هم خود مقصود بالذات نیست، پا فشاری کرد و - از روی تعصب و عدم توجه - از هدفی که مطلوب و مقصود روایت است غافل شد و یا خود را به بی‌خبری زد!!

برخی روایت‌ها، دخول و ورود ماه را به وسیله‌ی خبر یک نفر و یا دو نفر که مدعی رؤیت هلال با چشم مجرد هستند اثبات نموده است، آن‌جا که تنها وسیله‌ی ممکن و متناسب با وضع و حال امت در آن عصر، فقط همین یک وسیله (مشاهده با چشم) بوده است. پس چگونه و به چه دلیل باید وسیله‌ی دیگری را که هیچ یک از عوارض خطا و اشتباه به آن راه نمی‌یابد - و نسبت به اولی به مراتب مصون‌تر است - کنار گذاشت؟ وسیله‌ای که [نتایج حاصل از آن] قطعی و یقینی است. وسیله‌ای که می‌تواند امت اسلامی را، در شرق و غرب کره‌ی زمین، متحد و یک پارچه گرداند؛ و اختلاف و دوگانگی را در زمینه‌ی روزه و افطار و اعیاد از میان بردارد. اختلاف و تفاوتی که گاهی از یک شهر و کشور با شهر و کشوری دیگر تا سه و یا حتی چهار روز می‌رسد؛ که نه با منطق علم سر سازگاری دارد و نه با منطق دین. و به طور قطع و مسلم می‌دانیم: یکی از آن روزهای مورد اختلاف، صواب و درست است، و بقیه خطا.

امروز عمل به محاسبات قطعی اخترشناسان و علم ژئوفیزیک به عنوان یک وسیله، جهت اثبات هلال ماه، واقعیتی است که از باب «قیاس اولی» واجب است پذیرفته شود. زیرا هنگامی که سنت نبوی، به کارگیری وسیله‌ی ادنی (مشاهده با چشم) را، که از شک و احتمال عاری نیست، برای ادای این فرمان الهی، مشروع و مقرر داشته است، یقیناً به کارگیری وسیله‌ی عالی‌تر، و کامل‌تر و رساتر را نسبت به دست‌یابی به هدف مورد نظر - که امت را از اختلاف شدید در زمینه‌ی تحدید آغاز روزه، و فطر و اعیاد می‌رهاند - مردود و مطرود قلمداد نمی‌کند. وسیله‌ای، که امت اسلامی را به اتحاد و وحدت مطلوب در شعائر و عبادات اسلامی می‌رساند و وحدتی که با خصوصی‌ترین امور دین و نزدیک‌ترین مطلب به هستی و حیاتش پیوند دارد. یعنی: مسلمانان می‌توانند با عمل به این محاسبات قطعی، در پرتو تکنولوژی‌های مدرن زمانه، در تمام دنیا در یک روز، روزه و یا افطار و عید داشته باشند.

وی در ادامه می‌گوید: وقتی شیخ سبکی در قرن ۷ و ۸ نتایج یقینی ریاضیات را بر شهادت گواهان در رؤیت هلال، مقدم دانسته، حال اگر در این عصر پیشرفته می‌زیست نظرش چگونه می‌بود؟ قطعاً از علم و تکنولوژی زمان استفاده و تبعیت می‌کرد.

خلاصه:

۱ - خداوند مرا به عنوان معلم آسان گیر مبعوث فرمود و نه سخت گیر.

بشر می‌تواند به وسیله‌ی سیر و گردش این دو پدیده‌ی هستی (ماه و خورشید)، حساب امور روزمره‌ی خود را از عباداتی چون نماز و صیام و حج تا قراردادهای اقتصادی، روابط اجتماعی، احوال شخصی و... را به دست گیرد؛ و برای آن‌ها به طور دقیق تاریخ‌گذاری و برنامه‌ریزی نماید؛ و اگر بپنداریم که بشر در مراحل ابتدایی زندگی است و تکیه‌اش بر ابزار طبیعی، و هنوز به آن درجه از رشد و نمو نرسیده که بتواند وسیله‌ای را فراهم سازد تا تغییرات آن پدیده‌ها را با دقت بیشتر نشان دهد، در این صورت باید عقلاً و عادتاً محاسباتش متکی به همان شیوه‌های سنتی باشد؛ و اما اگر زمانی فرا رسد که بشر بتواند به اکتشافاتی در سُنن و قوانین لایتغیر خداوندی در این هستی دست بزند، و به امکانات و وسایلی دست یابد که به راحتی محاسبات گردش زمانی را برایش آسان نماید، بدون شک، در این شرایط، خرد انسان اقتضا می‌کند به خاطر سهولت کار و صرفه‌جویی در وقت، از این وسایل استفاده نماید؛ چنان‌که از وسایل و ادوات مدرن، برای انجام اعمال پزشکی و عملیات ریاضی و فرآوری محصولات کشاورزی و... بهره می‌جوید و این هم از نعمت‌های پروردگار است که ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾^۱ و برای همه عیان است، امروزه به کمک دستاوردهای علمی، بشر حقایق و اسرار بی‌شماری درباره‌ی ماه و خورشید و سایر اجرام آسمانی را کشف کرده و به ابزارهای پیشرفته‌ای دست یافته است؛ برای نمونه در گذشته راه‌یابی و پیدا کردن جهت و مسیر حرکت و... به کمک ستارگان انجام می‌گرفت ﴿وَعَلَّمَكُم بَنَاتٍ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾^۲ و این کار خودش یک فن بود و در واقع شاخه‌ای از علم نجوم؛ که البته تنها بعضی از مردم در این زمینه تخصص لازم را داشتند؛ اما بر اثر تحولات علمی و صنعتی در زمینه‌ی جغرافیای نجوم، بشر توانسته به پیشرفت‌های عظیمی در این باره دست یابد و این علم را تقریباً فراگیرد؛ و جهت نماهای دقیقی بسازد تا به وسیله‌ی آن‌ها به آسانی جهت مورد نظر خود را پیدا کند؛ و از آن‌ها در صنایع گوناگون بهره‌ی لازم را ببرد.

و این را هم باید بدانیم: نظام گردش ماه و خورشید، تابع نظم و قوانینی ثابت است که تخلف از آن ناممکن است، و در توان هیچ موجودی نیست آن‌ها را بشکند، بنا بر این پی بردن به این قانون‌مندی‌ها به طور دقیق و روز افزون برای بشر هم مقدور است ﴿وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾^۳ و هم‌چنین خورشید و ماه در چرخش و گردش خود، دارای فواصل زمانی معینی هستند که بدون توقّف و انحراف از مجاری از قبل تعیین شده، مسیر درست خود را به سوی هدف مشخص طی می‌کنند؛ و برای هر کدام‌شان مدارهایی وجود دارد که در آن‌ها به طور مرتّب و منظم در چهار چوب تدابیر اداره‌ی هستی، در جریان‌اند. ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۝ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾^۴ و اگر بشر در قدیم از روی تخمین و بعضی تجارب ناقص توانسته بود برای هر کدام از این مدارها نامی را برگزیند، اما امروزه به راحتی و از منظر علم و یقین توانسته به این مدارها و شناسایی آن‌ها پی ببرد؛ و حرکات آن‌ها را از جهات مختلف ارزیابی کند؛ و از تخمین و احتمالات به درآید و به کمک دانش نوین برخی از نظریه‌ها و فرضیه‌های مربوط به این زمینه و زمینه‌های دیگر را - که قرونی متمادی دوام آوردند - سرانجام به دلیل تناقضات عمده در آن‌ها کنار بگذارد.

پس با توجّه به این که علم ستاره‌شناسی جدید بر مبنای مشاهده و تجربه استوار، و از امکانات علمی و عملی پیشرفته‌ای برخوردار است، و در حالی که برای همه معلوم است: اطلاع پیدا کردن و پی بردن به هلال، از ابتدایی‌ترین نتایجی است که علم نجوم و

۱ - و اگر بخواهید نعمت‌های خداوند را بشمارید نمی‌توانید آن‌ها را شمارش کنید. همانا انسان بسیار ستم‌گر ناسپاس است. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۳۴.

۲ - و نشانه‌هایی - از قبیل کوه‌ها و درّه‌ها و بادها و... را در زمین قرار داده است - که به وسیله‌ی آن‌ها و ستارگان، آنان راه خود را می‌یابند سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۶.

۳ - و خورشید و ماه را وسیله‌ی حساب - مردمان در امور روسوره‌ی زم، آیه‌ی عبادی و تجاری خود - قرار داده است. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۶.

۴ - و خورشید به سوی قرارگاه خود در حال گردش و حرکت است؛ و این محاسبه و اندازه‌گیری خدایی است که بس چیره و توانا و آگاه است. و برای ماه مثل گاه‌هایی را تعیین کردیم تا برگردد (هلالی شود)، و مانند شاخه‌ی کهنه‌ی - خرما بر درخت - در آید. نه خورشید را سزد که به ماه برسد و نه شب را سزد که زروز پیشی گیرد. و هر کدام (خورشید و ماه) در مداری، شناور و در حال گردشند. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۸ - ۴۰.

اخترشناسی موجود به آن دست یافته است، بنابراین شایسته‌ی مسلمانان است که برای رسیدن به هدف مطلوب خود، از آن بهره‌جویند و کمال استفاده را ببرند و این کشف جدید و مهم را از مصادیق «أَلْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ أَيْنَمَا وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا»^۱ به شمار آورند؛ تا بدین وسیله تمام مسلمانان جهان با این روش نو، با هم متحد شوند، و یک پارچه و با فریاد و غریو شادی در یک روز، روزه را شروع کنند و در یک روز با هم عید بگیرند، و این شعار والای دینی را ادا کنند و دست در دست هم، با دلی مالا مال از صلح و صفا، اهریمنان درونی و بیرونی را شکست دهند.

و راستی چه ظلم بزرگی است به بشریت اگر همه‌جانبه از این فرصت استثنایی بهره‌ی کافی نبریم، و در این ماه مبارک سعی جدی و لازم به عمل نیاوریم تا قلب‌های از هم بیگانه شده دوباره پیوند بخورند و غلّ و غشّی در آن‌ها نماند، و از هر آن‌چه بوی تعفن تفرّق از آن بر می‌خیزد دوری گزینیم، و در مقابل از آن‌چه بوی عطرآگین جاذبه‌ی وحدت به مشام می‌رساند با دل و جان استقبال نماییم،

استفاده از علم نجوم و مبنا قرار دادن مُقارنه برای آغاز و پایان ماه‌های قمری - از جمله رمضان - علاوه بر آسانی و دقّت و اطمینان کامل، و در نتیجه آرامش خاطر مؤمنان در انجام به موقع فرمان الهی، وحدت و یکپارچگی همه‌ی آنان را، به ارمغان می‌آورد بر خلاف وضعیت فعلی که تفرّق و پراکندگی است و به طور قطع اگر این رأی، در میان آنان اعمال شود، این تشّت و اختلاف از میان خواهد رفت. و دیگر شاهد این همه ناهماهنگی در شروع و پایان ماه روزه نخواهیم بود.

و در آخر، خداوندا! سر عبودیت و بندگی بر آستانت می‌گذاریم تا به فضل و کرم خودت بار دیگر مفهوم واقعی امت را به مسلمانان ارزانی داری؛ و دیگر اثری از نزاع‌ها و جدال‌ها در میان نماند و مجد و عظمت به سوی آنان باز گردد. بار الها توان شنیدن حقّ و تبعیت از آن را به همه‌ی ما عطا فرما!

بَر مَشَقَّاتِ رَاهِ وَ شَرْمِ خَطَا

رحمت ای اهل رحمت و احسان

قطره نوری ز چشمه‌ی احسان

بَر کَویرِ قُلُوبِ تَارِ افشان

آن‌چنان راه «فاس‌تقم» برویم

دل محبوب را رضا افتد

بَر وی و آل وی درود و سلام

تا رضا بر ره قضا افتد

و السّلام علی من اتّبع الحقّ و الهدی

شورای مدیریت مکتب قرآن

پرسش‌ها و شبهات مطرح شده درباره‌ی مقارنه و پاسخ آن‌ها

۱- چرا در ممالک اسلامی با وجود این همه علما و شخصیت‌های بزرگ فقهی و وضوح واقعیت‌های غیر قابل انکار و تأیید مقارنه از جانب برخی، باز از عمل به آن خودداری می‌شود و نسبت به اختلاف در شروع و پایان ماه عبادت در میان مسلمانان - که بعضی سال‌ها به مرز ۴ روز می‌رسد - همچنان بی‌تفاوتند؟

ج: در پاسخ باید به این موارد توجه نمود:

یکم: معیار سنجش برای حقانیت و یا بطلان مطلبی، قَلت و کثرت پیروان آن نیست، بلکه ملاک واقعی و معیار درست، انطباق و هم‌خوانی با نصوص دینی و عقل و علم است؛ یعنی، قوت مستندات و دلایل است که می‌تواند حقانیت و یا بطلان امر و مطلبی را به ثبوت برساند و لاغیر. در قرآن همیشه انسان‌ها تشویق می‌شوند که: خود را به تفکر وادارند؛ و با به کارگیری عقل و خرد و با فهمی اندیشمندانه در مسائل بنگرند و از تبعیت کورکورانه پرهیز، و تلاش کنند که از شک و تردید خود را برهانند تا به جایگاه علم و یقین برسند. و با تدبیر در آیاتی چون: ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱ ﴿كَذَٰلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^۲ ... قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ^۳. متوجه عظمت منزلت نیروی عقل در انسان و جایگاه اندیشیدن درست - که سرانجام به راه‌یابی به مسیر صحیح و مطلوب در هر موضوع و در هر شرایطی منتهی می‌گردد - می‌شویم.

دوم: سرشماری دقیقی از فقها و دانشمندانی که موافق مسئله‌ی مورد بحث هستند صورت نگرفته تا مشخص کند آمار آنان چه قدر است؟ و بی تردید اگر بعد از تبیینات لازم، از علما و اهل رأی مقبول، در زمینه‌ی اثبات حلول ماه‌های قمری از طریق علم نجوم (مقارنه) نظرخواهی شود، یقیناً جمع قابل توجهی نظرشان مثبت خواهد بود.

سوم: آیا همین تعداد از شخصیت‌های طراز اول و وزین از قدما و معاصرین که هر کدام به نحوی به علم نجوم باور دارند و در این مقاله مورد بحث قرار گرفت، جهت اثبات حقانیت مطلب مورد نظر کفایت نمی‌کند؟

چهارم: مشکل اصلی مسلمانان، فقدان درک و تشخیص صحت مقارنه نیست؛ زیرا مقارنه، مسئله‌ای است علمی و غیر قابل انکار، بلکه مشکل ممالک اسلامی، سیاسی کردن همه‌ی امور از جمله زمان شروع روزه‌ی رمضان و زمان برپایی اعیاد اسلامی است که متأسفانه غالب حکام و دست‌اندرکاران نظام‌های حاکم، به آن رنگ و بوی سیاسی داده و اهدافی متناقض با روح این عبادت را مد نظر دارند. آخر، عبادت یک امر محض ربّانی است و نباید با هیچ شائبه‌ی دیگری آغشته شود: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾^۴ و ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾^۵، تاجایی که می‌بینیم حتی از اعمال رأی جمهور (حجّیت ثبوت رؤیت در یک منطقه برای مسلمانان در سایر مناطق) نیز، خودداری می‌کنند؛ انگار چنین رأیی اصلاً و به طور

۱. و در این - مطلب - نشانه‌هایی است برای مردمی که بیندیشند. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳.

۲. و این چنین آیات را برای مردمی که بفهمند و درک کنند شرح می‌دهیم. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۸.

۳. و ما آیات را برای مردمی که بفهمند شرح دادیم سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۸.

۴. و به آنان فرمان داده نشد جز این که خداوند را پرستش کنند (بنده‌ی او شوند) در حالی که باید دین را برای او خالص گردانند و از شرک فاصله بگیرند و نماز را اقامه کنند و زکات را بپردازند و این است آیین راست و درست. سوره‌ی بینه، آیه‌ی ۵.

۵. هوشیار باشید دین خالص و پاکیزه از هر شائبه‌ی ای از آن خداوند است. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳.

کلی وجود خارجی ندارد.

۲- آیا با توجه به کروی بودن زمین، در صورت عمل به مقارنه، هدف مورد نظر که ایجاد وحدت و هماهنگی میان مسلمانان در شروع و پایان ماه عبادت است تحقق می‌یابد؟

ج: آری؛ وحدت عملی ممکن در حدّ وسیع و توان انسان، تحقق پیدا می‌کند و ﴿لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾؛^۱ زیرا مقارنه در یک لحظه اتفاق می‌افتد و شامل تمام کروی زمین می‌شود؛ اما با توجه به واقعیت اختلاف مطالع، گریزی از تفاوت در شروع و پایان رمضان نیست، که حداکثر آن، یک روز است و این هم بر مبنای نظام دقیق الهی است.

۳- بر اساس عمل به مقارنه، آیا اجرای دستور پیامبر متوقف و علم جایگزین حدیث نمی‌شود؟

ج: چنان که قبلاً به آن اشاره شد مبنا قرار دادن مقارنه، به معنای بی‌توجهی به احادیث رؤیت نیست، بلکه مقارنه یکی از مصادیق عینی آن‌ها است؛ به این معنا که محاسبات و تجهیزات پیشرفته به کمک بینایی طبیعی چشم‌ها آمده است و قدرت و توان دید آن‌ها را بالا برده است و باید بپذیریم که عدم استفاده از این ابزارها در تحقق بخشیدن رؤیت هلال، به نوعی اجحاف و ظلم تلقی می‌شود.

۴- آیا مبنا قرار دادن علم نجوم، خرق اجماع نیست؟

ج قبل از هر چیزی باید تعریفی از اجماع ارائه شود تا معلوم گردد که آیا بر مطلب مورد بحث، اساساً اجماعی صورت گرفته است یا نه. در راجح‌ترین تعریف، اجماع «اتفاق همه‌ی مجتهدان امت است بعد از حیات مبارک حضرت رسول ﷺ بر یک مسئله، در یک مقطع زمانی و در یک مکان». با توجه به این تعریف، مخالفت یا سکوت یک مجتهد، مانع از تشکیل اجماع می‌شود. و به راستی درست فهمیده‌اند آن گروه از دانشمندان و اندیشمندان مسلمان مانند حضرت شافعی - سلام الله علیه -^۲ که سکوت را از اجماع به حساب نمی‌آورند؛ چون برای سکوت مجتهد و خودداری او از اظهار نظر، دلایل مختلفی وجود دارد که فقط یکی از آن‌ها نشان از رضایت شخص ساکت از مسئله‌ی مورد نظر است. پس آراء فقهای قائل به جواز عمل به علم نجوم - که به آن اشاره شد - نشانه‌ی عدم اجماع در این مسئله است.

۵- آیا مبنا قرار دادن محاسبات و اخترشناسی در حلول رمضان و عید فطر، متعارض با رأی کاکه احمد - راجع به منع کردن پیروانش از اجتهاد، و توصیه‌ی ایشان به عمل به راجح مذهب حضرت شافعی در ماسوای آرای خاصّ فقهی اش - و خلاف عمل ایشان در زمینه‌ی نحوه‌ی شروع و پایان رمضان نیست؟

ج: پاسخ این سؤال شامل چند بند است:

الف: برای آشنایی کامل با نظر کاکه احمد در مورد اجتهاد لازم است به تمامی اظهار نظرهای ایشان در آثار کتبی و شفاهی توجه نمود که در این جا به دو مورد اشاره می‌نمایم. ایشان می‌فرمایند:

قبلاً نظرم را در باره‌ی مباحث «اجتهاد و تقلید»، شرح داده‌ام. خلاصه این که: هر فردی از ناآگاه‌ترین تا آگاه‌ترین، در زندگی جمعی، هم به اجتهاد، محتاج می‌شود هم به تقلید. منتهی، بالا و پایین بودن آگاهی در هر زمینه، سبب گسترده‌تر یا محدودتر شدن میدان نیاز به این یا آن در همان زمینه می‌گردد. پس، بدیهی است که با جواز «اجتهاد» و حتّی لزوم آن در شرایط خودش، در فقهیات، مخالف نیستم. آنچه هست، مخالفتم با «سهل‌گیری فراوان» است. چندان که حتّی ناآشنایان به علوم مبانی ضروری در شناختن کلمات و ترکیبات قرآنی و حدیثی، به اجتهاد در مسائل دینی پردازند (که می‌توانید: سنگینی زیان آن را هم برای خود آنان و هم دیگران، تصوّر کنید)؛ هم‌چون مخالفتم با «سخت‌گیری فراوان»، چنان که اهلیت‌داران قلبی و ذهنی هم، از اجتهاد حتّی

۱. ما هیچ انسانی را به امری مکلف نمی‌سازیم جز در حد توانش. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۴۲ و سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۶۲.

۲. ایشان می‌فرمایند: به سکوت‌کننده رأی نسبت داده نمی‌شود. جمع الجوامع، ج ۲، ص ۲۸۸، چاپ دارالکتب العلمیة.

در مستحدثات، منع شوند. اگر «تقوی» و «علم به مبانی و مقاصد حتّی در حدّ موضوع» و «فهم» و «ذوق»، جمع شدند، آن‌گاه اجتهاد به تناسب شرایط، جایز است یا واجب؛ و آلا، حرام... و به کسی، اجازه‌ی اجتهاد نمی‌دهم نه در مذهب، و نه در بین المذاهب، و نه آزاد (یعنی: استنباط مستقیم احکام با کمک ادله‌ی اجمالی از «ادله‌ی تفصیلی»).^۱

ایشان در جای دیگر تبادل نظر در مورد مسائل مستحدثه و رسیدن به رأی نهایی را از وظایف شورا تعیین می‌کنند.^۲

ب: منع اجتهاد از جانب کاکه احمد نسبت به افراد مکتب قرآن، جای تردید نیست؛ اما به کارگیری محاسبات و دستاوردهای علوم جدید، در واقع، تغییر ابزار و استفاده از وسایل دقیق‌تر برای نیل به اهداف و مقاصد تشریع است نه اجتهاد آزاد یا بین المذاهب. و این امر (به کارگیری ابزارهای جدید)، از ابتدا در میان مسلمانان مطرح بوده است. مانند: استفاده از تقویم و طومار ساعت در اوقات اذان، و نماز، و ابتدا و انتهای روز، و ساخت طبقات در صفا و مروه و جمرات و به کارگیری وسایل حمل و نقل جدید در سفر حج. در حالی که قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۳ که اشاره به پیاده‌روی و سوار شدن بر چهارپایان در طی مسیر سفر حج، و بیانگر واقعیت موجود زمان نزول وحی است. و برای همه آشکار است این آیه نافی استفاده از امکانات جدید نیست.

ج: رأی حضرت شافعی در زمینه‌ی اتحاد و اختلاف مطالع، ناظر به واقعیت هستی و کروی بودن و حرکت ماه و زمین است و تفاوتی در اصل مسئله ندارد؛ زیرا اختلاف مطالع در شروع ماه جدید، مبنای آن‌چه مقارنه باشد یا رؤیت بصری هلال، هم‌چنان مطرح و حقیقتی است غیر قابل انکار؛ اما با این تفاوت که در رؤیت بصری، گاهی اختلاف تا چهار روز هم می‌رسد، ولی در مقارنه به دوازده ساعت کاهش می‌یابد؛ و نظر حضرت شافعی هم، تأکید بر رؤیت بصری و تعیین آن، به عنوان تنها روش صحیح اثبات رؤیت نیست؛ چون در قسمت نظرات فقهای اسلامی بیان شد که: بنا بر نقل ابن سريج از حضرت شافعی ایشان فرموده‌اند: هر کس به اخترشناسی و منازل ماه استناد کند و برایش مشخص شود هلال رؤیت‌پذیر است ولی شرایط جوی برای رؤیت مناسب نباشد می‌تواند روزه بدارد که برای او جای روزه‌ی واجب را می‌گیرد.

د: متأسفانه برخی افراد نا آگاه که می‌خواهند به ناحق خود را در مقام دفاع از راه و مسیر و مطالب کاکه احمد جا بزنند، فقط به گوشه‌ای از مطالبش متمسک می‌شوند؛ آن هم به صورت ناقص که یا از بقیه‌ی مطالبش بی‌اطلاع و بی‌خبرند و یا عامدانه می‌خواهند خود را به غفلت بزنند؛ زیرا بر اساس نظر ایشان هر گاه حقانیت و صحت مطلبی از لحاظ علمی محرز شود، بدون تردید مبنای احکام فقهی قرار می‌گیرد؛ چون امکان ندارد دین و علم با هم در مسائلی تقابل و تضاد پیدا کنند؛ زیرا سرچشمه‌ی هر دو یکی است. پس اگر با فهم درست و دقت لازم مسئله‌ی مقارنه مورد بررسی قرار گیرد، معلوم و مشخص می‌شود که: شورای مدیریت مکتب قرآن در اعمال و اجرای این امر، بر اساس رأی ایشان عمل کرده است.

والسلام

۱. نامه‌ها ص ۴۴ و ۴۵ (نامه‌ی چهارم)

۲. نامه‌ی ۲۶ فروردین ۱۳۷۰.

۳. و مردم را برای حج فراخوان؛ تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه و مسیر دوری به سوی تو بیایند. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۷.